

پرسشها از ایرانیان و پاسخها از ابوالحسن بنی صدر

رابطه حق با زمان

* پرسشهای آقای احمد:

آقای احمد نامه ای نوشته اند با حروف لاتین، شامل مقدمه ای و چند پرسش:

۱ - اگر در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۵۸، بهشتی رقیب شما می شد، باز هم به ریاست جمهوری انتخاب می شدید؟
 • به این پرسش پاسخی باید داد که بکار نسل امروز بیاید. وگرنه، بازگشتن به گذشته و ماندن در آن، کاری است که نباید کرد. با این تذکر، پاسخ به این پرسش اینست:
 ۱/۱ - پاسخ ذهنی به این پرسش کاری در خور نیست و نباید پذیرفت. به واقعیتها می باید رجوع کرد و پاسخ را از آنها خواست: در انتخابات مجلس خبرگان اول، بهشتی و بنی صدر از تهران نامزد بودند. بنی صدر ۶۹/۴ درصد آراء نفر دوم انتخابات در سطح ایران شد و آقای بهشتی ۶۰/۹ درصد آراء نفر چهارم. بدیهی است آن زمان، مردم آگاه بودند که آقای بهشتی، در شورای انقلاب، به پیش نویس قانون اساسی رای داده بود. اما، نمی دانستند که بعد از انتخاب شدن، در مجلس خبرگان، بکار کسب اکثریت برای ولایت فقیه مشغول خواهد شد.

۲/۱ - در طول ریاست جمهوری من، تا کودتای خرداد ۶۰، در سرتاسر ایران، « سه مفسدین: بهشتی و رفسنجانی و خامنه ای»، همه روز، بر زبان مردم بود. بعد از کشته شدن او - که به تازگی قاتلان جدید یافته است - نیز او را «سید مظلوم» گفتند. بدین معنی که در حیاتش، مورد بی مهری مردم بوده است.
 در حقیقت، فضای بسته ای که با سانسور ایجاد شد، به کسی امکان نداد بپرسد این مظلومیت از چه روست؟ مظلوم به کسی می گویند که یا فاقد قدرت است و قدرت بر ضد او عمل می کند، و به او حق دفاع از خود را نیز نمی دهد. و یا کسی است که تصدی کار و اختیار لازم انجام آن کار را دارد، اما قدرت بدست ها و اختیار جامعه به اطاعت از قدرت، مجال اعمال قدرت را به او نمی دهند. اما آقای بهشتی، در مقام غیر قانونی (چون بر خلاف قانون اساسی به این مقام منصوب شده بود) رئیس دیوان عالی کشور و دبیر کل حزب جمهوری اسلامی که در شرف جنگ در صفحه ۲

مرده ده آن بندگان مرا که سخن ها گوش فرامیدهند و از بهترین آنها پیروی میکنند

انقلاب اسلامی

هجرت

شماره ۷۴۰ از ۱۴ تا ۲۷ دی ۱۳۸۸

همه جا کربلا و همه روز عاشورا است

◀ اجماع بر ضد رژیم - بزرگداشت منتظری و بیان آزادی - جنبش و اخلاق: ص ۴

◀ ۲۰ علامت از علامتهای گسترش و ادامه جنبش همگانی: ص ۵

◀ مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی - ۷: ص ۸

◀ آمریکا و روسیه و اروپا و بمب اتم ایران؟ ص ۹

◀ فقر ایران و فقر مردم ایران و فربه شدن مافیاهای نظامی - مالی: ص ۱۱

◀ عاشورای خونین در سال ۱۳۸۸ و در شهرهای ایران: ص ۱۲

انقلاب اسلامی: دهه اول ماه محرم، رژیم ولایت فقیه ایران را کربلا و همه روز را عاشورا کرد و سبانه به کشتار مردم پرداخت. چرا؟ زیرا با اجماع مردم بر ضد رژیم خود روبرو شد. در فصل اول گزارشهایی را گرد آورده ایم که این اتفاق آرا بر ضد رژیم مافیاهای نظامی - مالی را گزارش می کنند. در همین دهه، دستگاههای تبلیغاتی رژیم و سران مافیاهای، در حمله های زبانی به بنی صدر، عنان اختیار از دست دادند. هم به این دلیل که او نماد استقامت بر اصول استقلال و آزادی و مردم سالاری است و هم بدین خاطر که از دو سال پیش از آغاز جنبش، بطور مرتب، علائم مرگ رژیم را با مردم ایران و مردم جهان در میان می گذارد و هم بدین علت که او طی سه دهه، راه حل را جنبش همگانی مردم ایران دانسته است و اینک این مردم در جنبش هستند.
 در فصل دوم، گزارشی از ایران را می خوانید که ۲۰ علامت و دلیل از علامتهای ادامه و گسترش رژیم را می شناساند. در فصل سوم بخش دیگری از تحقیق در باره مافیاهای مأمور سرکوبهای خیابانی و در فصل چهارم رابطه رژیم با آمریکا و هدفی که آمریکا در منطقه تعقیب می کند و نیز رابطه کشورهای روسیه و چین و اروپا با آمریکا بر سر مسئله اتمی ایران را از نظر خوانندگان می گذرانیم..

در فصل پنجم، داده ها و اطلاعات اقتصادی را گرد آورده ایم که گویای فقر کشور، فقر دولت و فقر مردم ایران و تشدید رکود توأم با تورم هستند. و در فصل ششم، خبرهای تجاوزها به حقوق بشر را جمع آورده ایم:

در صفحه ۴

ج - پاکتوا

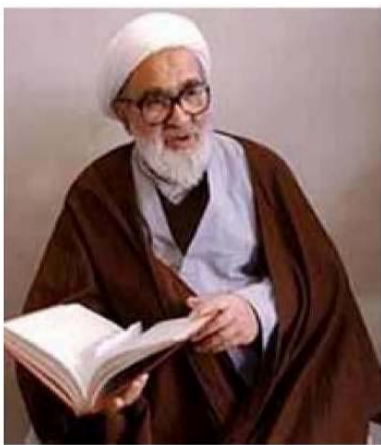
جایگاه زور در جنبش مسالمت آمیز.

عدم خشونت با رعایت حق و کرامت انسان همراه است

وسعت مراسم تشییع پیکر آیت الله منتظری علیرغم تمامی تهدیدها و تحدیدها که از جانب نیروهای سرکوب نظام مافیایی جمهوری اسلامی و نیز عاشورای حسینی و برخورد نیروهای سرکوب با شرکت کنندگان در مراسم غیر دولتی و به خاک و خون کشیدن این مراسم و به شهادت رساندن جمعی از هموطنان توسط سرکوبگران یزید زمان، سید علی خامنه ای، دو حادثه و نقطه عطف تاریخ سازی است در دوران سی ساله جمهوری اسلامی که نشان از آغازی جدی بر فروپاشی و اضمحلال این نظام مافیایی ولایت فقیه دارد. از آنجا که منطق استبداد همواره بر زور استوار است و وسعت دید مستبد تا نوک بینی او بیش نیست، آقای خامنه ای نیز میبندارد که با سرکوب، سانسور و دروغ میتواند زندگی محتضراستبداد خود را طولانی نماید. خشونت اعمال شده از سوی عمال ذوب شده در ولایت و عوامل مزدور سرکوب گر در مقابل جنبش اعتراضی و آزادیخواه مردم ایران که مشی و روش عدم خشونت را بر گزیده اند، ناکار ساز گشته و تا زمانی که جنبش، عدم خشونت و خشونت زدایی را روش خود بدارد، ناکارآمد خواهد ماند. لذا دستگاه تبلیغاتی رژیم ترور و مافیاهای نظامی مالی از رادیو و تلویزیون تا روزی نامه ها گرفته تا سایت های وابسته، تمامی کوشش و سعی خود را می کنند تا خشونت های اعمال شده از سوی نیروهای سرکوب، حتی به شهادت رساندن مردم بی دفاع را به گردن معترضین بیندازند. رادان فرمانده نیروهای انتظامی با وقاحتی وصف ناپذیر در تلویزیون حاضر میشود و رو در رو با مردم دروغ میگوید و آقای شریعتمداری و همانندانش به شهادت رساندن هموطنان از جمله خواهر زاده آقای موسوی را کاری از پیش طراحی شده از سوی معترضین میخواند اما او در عین دروغ گویی حقیقتی را نیز بیان میدارد، آری این یکی در واقع طراحی شده بوده است ولی از جانب ذوب شدگان در ولایت فقیه!

در صفحه ۱۶

آیت الله حسینعلی منتظری در گذشت



آیت الله حسینعلی منتظری از مراجع تقلید شیعیان و مبارز پیگرو دیر پای راه آزادی و استقلال ایران شنبه شب ۵ دی ۱۳۸۸، در سن ۸۷ سالگی جهان را بدرود گفت.

شادروان حسینعلی منتظری در سال ۱۳۰۱ خورشیدی (۱۳۴۰ هجری قمری - ۱۹۲۲ میلادی) در شهر نجف آباد در خانواده ای زحمتکش به دنیا آمد. پدر ایشان مرحوم حاج علی کشاورز ساده ای بود که در کنار کار روزانه اش با کتاب و کتابخانه دمساز، و معلم اخلاق و مدرس قرآن بود؛ و با این دو توشه پر ارج سالهای پایانی عمر شریف خود را به رغم سختی روزگار با منبر و محراب گذراند، و تا سال ۱۳۶۸ خورشیدی که روی در نقاب خاک بر کشید لحظه ای از آموختن و آموزش باز نایستاد.

آقای منتظری از هفت سالگی آموختن را با ادبیات فارسی و سپس صرف و نحو عربی آغاز کرد، و در سن ۱۲ سالگی با ورود به حوزه علمیه اصفهان مسیر خویش را به سوی پیشرفت علمی انتخاب کرد. او هفت سال در اصفهان با تلاشی تحسین انگیز بسیاری از کتابهای فقهی، ادبی و فلسفی را به تنهایی یا نزد اساتید بزرگی چون آقا رحیم ارباب و حاج شیخ محمدحسن عالم نجف آبادی خواند، و در جوانی آموزگار بنام آن علوم گردید.

"در سال ۱۳۲۰ هجری شمسی در سن نوزده سالگی برای ادامه تحصیل در مدرسه فیضیه سکونت کرد و از نظر مادی با عسرت و سختی، زندگی می گذراند.

در صفحه ۱۵



انداختن بر تمام ارکان‌های نظام بود، فاقد قدرت نبود. او نه تنها فاقد قدرت نبود، بلکه خارج از حوزه صلاحیت و اختیار خود، اعمال قدرت می کرد و خود کامگی را بر هم حزبی های خود روا نیز می دید. در دوره او بود که به دستور همین دستگاه قضایی ۴۰ نشریه در یک شب تعطیل شدند. او می توانست از هر تریبونی، صدا و سیما و نمازهای جمعه و روزنامه‌ها، استفاده دلخواه را بنماید و مخالفان خود را از آنها محروم کند که همه این کارها را کرد. پس او ظالم بود نه مظلوم. بدین خاطر بود که اکثریت جامعه او را یکی از اضلاع ستم و فسادگستری شناخت

۳/۱- وقتی امری واقع نمی شود، یعنی عوامل مساعد با وقوع آن، ضعیف هستند. می دانید که او نامزد ریاست جمهوری بود و اسباب نامزدی خود را نیز فراهم آورده و آماده اعلان نامزدی خود شده بود. آقای خمینی با نامزد شدن او موافقت نکرد. دلیل عدم موافقت او، در آن زمان، این بود که یک روحانی مقام اجرائی را تصدی نکند.

۴/۱- بنا بر سنجش های افکاری که آن زمان انجام می گرفتند، یک دلیل رأی دادن مردم به بنی صدر، این بود که نمی خواستند روحانیان قدرتمندار بر سرنوشته آنها حاکم شوند. رویارویی رئیس جمهوری با آنها که می خواستند دولت را تصرف و استبداد را باز بسازند و حمایت مردم از رئیس جمهوری و پیشنهاد همه پرسی و پاسخ آقای خمینی: "۳۵ میلیون بگویند بله من می گویم نه"، واقعیتی حاکی از این است که مردم ایران مصمم بودند به کسی رأی بدهند که در برابر استبدادیان بایستد. از آن پس نیز، هربار که مردم فرصت یافته اند رأی بدهند و رأی آنها دزدیده شده است، این اراده را اظهار کرده اند.

بنا بر این واقعیت ها، اگر انتخابات ریاست جمهوری، در همان شرایط انجام می گرفت، احتمال موفقیت بنی صدر قوی بود. پرسش شما و پاسخ آن، بکار نسل امروز و فردا می آید هرگاه از دید آزادی و ولایت جمهور مردم در انتخابات بنگرند. انتخابات وسیله بکار بردن حق حاکمیت است. پس می باید بیاتر این حق باشد و اگر بیاتر این حق نشد، بر مردم است که، به جای پذیرفتن شرایط استبدادیان، برای احقاق حق خود به جنبش برخیزند.

پرسش دوم - در همان سال، آقای خمینی آقای خامنه ای را که جوان و کمتر مطرح بود، بجای آقای منتظری، امام جمعه تهران کرد (با وجود اشخاص شاخصی مثل بهشتی و هاشمی رفسنجانی و مهدوی کنی و دیگران). به نظر شما علت این انتخاب چه بود. آیا انتخاب او به امامت جمعه، نمی تواند مؤید این قول باشد که او خامنه ای را بعنوان جانشین خود توصیه کرده است؟

● پاسخ به پرسش دوم: گزینش آقای خامنه ای بعنوان امام جمعه تهران، ربطی به تعیین جانشینی برای آقای خمینی نداشت. ربط به بازسازی استبداد داشت. آن زمان، مشاهده نتیجه انتخابات ریاست جمهوری، آقای خمینی را بر آن داشت که به حزب جمهوری اسلامی اجازه تقلب در انتخابات مجلس و «در دست گرفتن مجلس» را بدهد. در برابر رئیس جمهوری معرف ولایت جمهور مردم، او جز حزب جمهوری اسلامی را نداشت. این بود که مجلس و قوه

رابطه حق با زمان

بود. بعد از گذشت سه دهه، هنوز پرسش این نیست که چرا ملتی انقلاب کرد تا ولایت جمهور مردم برقرار شود، به جای آن ولایت مطلقه ای برقرار شد که ویرانگر نیروهای حیاتی او است؟ با وجود حاصل تجربه ای چنین سخت، واجب تر از کار استقرار ولایت جمهور مردم چیست؟

پرسش سوم: آقای اشراقی نماینده شما در هیات سه نفری بود و علیه شما رأی داد. آیا بهتر نبود به جای او آقای لاهوتی را انتخاب می کردید؟

● پاسخ پرسش سوم: آن هیأت خلاف قانون اساسی بود. حق اینست که نمی باید با آن موافقت می کردم. مهندس بازرگان پیشنهاد کرد و آقای خمینی با اشتیاق پذیرفت. روشن بود که نماینده این جانب هرکس می شد، در اقلیت می ماند. نخست بر این نظر بودم که آقای پسندیده، برادر آقای خمینی را نماینده خود کنم، اما منصرف شدم. زیرا لازم دیدم بر مردم ایران روشن شود که طرف اصلی با آزادی، آقای خمینی است. از این رو، آقای اشراقی را معرفی کردم. می بینید که در این گزینش، برخط نبوده ام زیرا بنا بر پرسش شما، معلوم است که آقای اشراقی، در واقع نماینده آقای خمینی بوده است و آن هیأت نیز وسیله کار او و دستیارانش در کودتا بود.

اما سود این پرسش و پاسخ برای نسل امروز چه می تواند باشد؟ سود آن اینست که مصلحت بیرون از حق، مفسدت است. آن تجربه، برآرم داشت در باره رابطه مصلحت با حق و حقیقت، یابندیشم. چون تجربه به من حالی کرد که مصلحت بیرون از حق، فساد آور است، در رابطه با آقای خمینی نیز، بنا را بر ایستادن بر حق گذاشتم. راست بخوایید، پیش از آن نیز، بنا را بر ایستادگی بر حق گذاشته بودم، اما عقل توجیه گر، در باب زمان ایستادن برحق، به این داوری می رسید که در شرایط جنگ و...، مصلحت اینست که با آقای خمینی مدارا شود تا کار به رویارویی نکشد. این مدارا کردن تا به آخر رویه من ماند، الا این که از زمانی به بعد، مصلحت جانشین حق نشد. هرگاه نسل امروز بخواهد از تجربه درس بیاموزد، درسی که آموختنی است، این است که روش اظهار حق از جمله، کار آقای خمینی را به جانی رساند که بگوید: ۳۵ میلیون بگویند بله، من می گویم نه. یعنی کسی که خود را نماد اجماع مردم میدانست، یکی در برابر همه شد. پس بر نسل امروز است که مصلحت بیرون از حق را مفسدت بشمارد و حق را، همواره بکار برد.

اما زمان عمل به حق کدام است؟ حقوق انسان ذاتی حیات او هستند. پس زمان عمل به این حقوق از تولد تا مرگ و پس از آنست (در آنچه به حقوق معنوی مربوط می شود). زمان حقوق یک ملت نیز از آغاز پیدایش تا همیشه است. زمان عمل به حقوق طبیعت و رعایت حقوق دیگران نیز همیشه است. دوره افراط و تفریط (این حقوق، دوره افراط و تفریط) در تحریب نیروهای محرکه است. بدین فرار، معیاری برای سنجش در اختیار است: اندازه تحریب نیروهای محرکه، اندازه غفلت از حقوق انسان و حقوق یک ملت را به دست می دهد. طول زمان

غفلت را نیز آغاز و پایان تحریب بدست می دهند.

آیا این یک معیار عمومی است؟ اندیشه وزری نظر مرا، این سان نقد کرده است:

«درباره افراط گرایی نظرات شما خوب بود، اما کافی نبود، چه آنکه در تعریف اعتدال و افراط گرایی به وادی ای قدم نهادید که تعریف تفریط و تفریط گرایی نیز ضرور می نمود. شما به درستی اعتدال را با امر حق مورد سنجش قرار داده اید و اعتدال گرایی را نیز، گفتن حق در زمان خود را تعریف کرده اید. یکی از این زمان‌ها، زمان تجاوز به حقوق است. تعریف شما از اعتدال درست است، اما ربط آن با زمان به مثال‌ها و مصادیق گوناگون نیاز دارد. اشاره تجاوز به حقوق، یکی از مثال‌ها و مصادیقی است که زمان آن، همان زمانی است که شما می گویند. یعنی بیان حق در زمان وقوع تجاوز به حقوق. اما آنچه که امروز به افراط گرایی موسوم است تنها به این مثال محدود نمی شود. اشاره به افراط گرایی بیشتر در بیان راه حل‌ها و روش‌ها و تعیین اهداف کوتاه مدت و بلند مدت است. گاه افراط گرایی در تحلیل‌ها و نوع نگاه کردن به مسائل بروز پیدا می کند. و گاه افراط گرایی ناظر به نتیجه گیری‌ها و احکام صادره مربوط می شوند. بنابراین یک معیار و یا یک تعریف باید بتواند، صور گوناگون افراط گرایی و اعتدال گرایی را در بر بگیرد. مثلاً ممکن است در یک جامعه انتخاب راه حل اصلاحات از نظر بعضی اعتدال گرایی نامیده شود. در این حال، انتخاب انقلاب را افراط گرایی و همگرایی با وضع موجود را تفریط گرایی بنامند. یک مثال دیگر می‌زنم: فرید زکریا به شدت با روند دموکراتیزاسیون در کشورهای عربی مخالف است، اما به شدت از یک نوع لیبرالیسم قانون‌گرا جانبداری می کند. با مطالعه آثار فرید زکریا روشن می شود چرا آقای عطاء الله مهاجرانی گفته است: «ما دنبال برقراری دموکراسی در ایران نیستیم». روشنفکران اصلاح طلب و لیبرال در ایران به شدت تحت تأثیر اندیشه‌های فرید زکریا هستند. فرید زکریا از بسیاری از روشنفکران ما هم با اطلاع تر و هم با دانش تر است. فرید زکریا درخواست دموکراسی را برای کشورهای عربی افراط گرایی می‌نامد. دلایل بسیار موجهی برای مخاطبان خود ارائه می‌دهد. یکی از دلایل فرید زکریا این است که دموکراسی در کشورهایی که فاقد اقتصاد توسعه یافته و سازمانهای توسعه یافته باشند، خود اسباب اعمال دیکتاتوری مشروع می‌شود. ثانیاً، هر گاه در این دسته از کشورها به حکام آنها اطمینان داده شود که قصد برکناری شما و تصرف نهادهای قدرت را نداریم، اقبال بیشتری نسبت به اعطاء آزادیها و یا اجرای قانون به خرج می‌دهند. از این نظر که نگاه کنیم، جستن راه حل‌ها در دموکراسی، یک راه حل افراطی است، زیرا حقی را زودتر از موعد طلبیدن است.»

تأمل در این نقد، معلوم می کند تفاوت عقل آزاد را از عقل توجیه گر: ● بنا بر قول فرید زکریا، هر حق را در زمان خود می باید خواست، نه زود تر و نه دیر تر. زیرا زودتر و دیرتر خواستن حق و عمل کردن به آن، افراطی گری است. از دید او، مطالبه دموکراسی برای کشورهای ما زود هنگام و افراطی گری و سبب

دیکتاتوری می شود. عقل توجیه گر او از واقعیت های زیر غافل است:

۱- پیش از استقرار دموکراسی، رژیم مستقر دیکتاتوری است. پس مطالبه دموکراسی دست کم وجدان بر نوع دیگری از اداره جامعه است و هرگاه، چون ایران، به رغم انقلاب برای دموکراسی، دیکتاتوری ادامه یافت، با وجود وجدان بر دموکراسی استقرار جسته است و مبارزه برای بازیافت دموکراسی می تواند همگانی شود. تجربه ایران و پیش از آن تجربه فرانسه بعد از انقلاب، نادرستی نظر فرید زکریا را مسلم می کند.

۲- غفلت دوم فرید زکریا، غفلت از این واقعیت است که واقعیت اجتماعی یکی با چهار بعد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است. واقعیت اقتصادی مستقل وجود ندارد تا بتوان گفت نخست اقتصاد می باید رشد کند و آنگاه واقعیت های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی (که مستقل نمی توانند باشند) رشد کنند و زمان مناسب استقرار دموکراسی شود. چنانکه استقرار دموکراسی در انگلستان و «تکامل» آن، حاصل تحول واقعیت اجتماعی در چهار بعد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بوده است. در کشورهای دیگر نیز.

آلمان، بعد از جنگ اول، نازیسم را تجربه کرد. چرا استبداد فراگیر در این کشور مستقر شد؟ آیا اقتصادش پیش رفته بود؟! و دموکراسی زود هنگام بود؟ این پرسش عقل آزاد را از این واقعیتها آگاه می کند: هرگاه جهت یاب واقعیت اجتماعی در چهار بعد خود، حقوق نباشند و زمان عمل به این حقوق، همیشه نباشد، درجا قدرت جهت یاب تحول می شود و اقتصاد لیبرال (= سرمایه سالاری) با توتالیترایسم انطباق کامل می جوید. امری که در آلمان تحقق یافت.

بدین قرار، معیار اعتدال (= عمل به حق) از لحاظ زمان، همیشه نیز جامع و مانع است. با وجود این،

۳- غفلت سوم فرید زکریا اینست که اساس دموکراسی، حاکمیت و یا ولایت جمهور مردم و استقلال این جمهور در گرفتن و اجرای تصمیم و آزادی آنها در گزینش نوع تصمیم و یکی بودن شرایط انتخاب کننده و انتخاب شونده است. وگرنه، دموکراسی خود حق نیست. روش بکار بردن حق است. بدیهی است که بهترین روش بکار بردن حق نیز بشمار نیست. چرا که تحقق کامل استقلال و آزادی انسان در تصمیم و اجرای آن، به اینست که «کسی بر دیگری، مالک به چیزی نباشد». جهت یاب تکامل دموکراسی این اصل می باید باشد.

حال بر او است که پاسخ بدهد: آیا زمان وجدان برحق انسان بر رهبری امور خویش و مشارکت در مدیریت جامعه خود، موکول است به رشد اقتصادی؟ هرگاه او بر این غفلتها پی برد، در می یابد که تأخیر در آگاه شدن از حق و عمل کردن به حق، افراطی گری است.

۴- غفلت چهارم زکریا فرید، اینست که حرکت است که به زمان و مکان معنی می دهد. حال حرکتی که به زمان و مکان معنی می دهد یا عمل به حق است که مسیر حرکت، خط



مستقیم رشد می شود و یا قدرت است که مسیر حرکت، کج راه ویرانگری می گردد. بدین قرار، جامعه هائی که بعنوان جامعه، استقلال و آزادی ندارند و انسانها، بمنزله اعضای آن، استقلال و آزادی ندارند، درجا می باید عمل به حق را آغاز کنند و در راست راه رشد شوند. وارونه این کار، فریبی است که بسیاری از جامعه ها، از جمله جامعه ایران خورده اند و روزگاری را جسته اند که اینک دارند.

۵ - غفلت پنجم زکریا فرید، ناشی می شود از نشناختن قدرت و جریان رشد و انحلال آن. او گمان می برد کافیتست به قدرتمداران اطمینان بدهی قصد سرنگونی دولستان را نداری تا نرم شوند و تا حدودی تن به اجرای قانون بدهند و... تجربه ایران زیر چشمان بینایان است و وارونه تصور او را مسلم می کند: آیا تقلب در انتخابات بدین خاطر بود که نامزدهای مصوب شورای نگهبان قصد براندازی رژیم را داشتند؟ نه! اما تقلب انجام گرفت و وحشیانه ترین سرکوبها انجام گرفتند. چرا؟ زیرا قدرت از تخریب پدید می آید و با تخریب بزرگ و متمرکز می شود. انحلال آن از زمانی شروع می شود که تخریب شوندگان به مقاومت بر می خیزند. اگر مقاومت نباشد، قدرت از راه تخریب، تا مرگ حکومت شوندگان فعل پذیر ادامه می یابد.

هنوز غفلتهای دیگری هستند که زکریا فرید بدانها گرفتار است. یکی از مهمترین آنها را در زیر، در توضیح رابطه حق با زمان و مکان، خاطر نشان خواهیم کرد:

• زمان اظهار نظری که دارند آن را حق می داند، کدام است؟ برای مثال، در ایران امروز، بسیاری ولایت فقیه را ناحق می دانند اما زمان را مناسب اظهار نظر خود نمی دانند. از دید آنها، زود تر از زمان در خور، حق را ظاهر کردن، افراط است و دیر تر از زمان در خور، آن را اظهار کردن، تفریط (= افراط در فعل پذیری) است. پس اگر بگوئیم زمان اظهار حق و ایستادن برحق، زمان تجاوز به حق است، بسا چون زمان در خور را انتخاب نکرده ایم، گرفتار افراطی گری شده ایم.

این ارزیابی غفلت از واقعیهائی را گزارش می کند:

۱ - هرگاه ولایت فقیه را تجاوز به حق مردم ایران بدانیم، زمان اظهار حق و ایستادگی بر آن، زمان تحمیل آن به جامعه بود. چون در آن زمان، گرایشهای مخالف، هریک به نوعی از حاکمیت بر مردم (دیکتاتوری پرولتاریا، حاکمیت حزب پیشآهنگ و ولایت نخبه ها و...)، دم می زدند، همگان حق را اظهار نکردند و برحق ایستادند. آیا اگر همگان برحق می ایستادند، می توانستند مانع از تصویب و اجرای ولایت فقیه شوند؟ پاسخ آری است. زیرا تا زمانی که ابزار قدرتمداری در اختیار ملاتاریا قرار نگرفته بودند، پیش نویس قانون اساسی بر اصل ولایت جمهور مردم، تهیه شد. در مجلس خبرگان نیز، ایستادگی تنی چند، جانبداران ولایت فقیه را ناگزیر کرد از ولایت مطلقه فقیه تا نظارت فقیه عقب نشینند.

رابطه حق با زمان

۲ - اما غفلت بزرگ این ارزیابی و نظر زکریا فرید، اینست که اظهارکنندگان حق، خود را به جای حق می نشانند. حق همه زمانی و همه مکانی است. همواره می باید اظهارش کرد و بدان عمل کرد. اما انسانها آیا می توانند همواره به حق عمل کنند و آن را اظهار کنند؟ هرگاه همه انسانها به حقوق خود عمل کنند و حقوق جانداران و طبیعت را رعایت کنند و جامعه ها نیز حقوق خود را بشناسند و بدان عمل کنند، انسانها از روابط قدرت رها می شوند و حق با هر زبانها جاری می گردند. و چون چنین نیست، مکان و زمان هر انسان را رابطه او با قدرت معین می کند. چه این قدرت، در شکل مأموران سرکوب خود را نشان دهد و خواه در شکل فکر جمعی جبار و چه در شکل مقام و خواه در شکل پول و چه ... انسانی که در رابطه با قدرت قرار می گیرد، نمی تواند همواره به حق عمل کند و از حق سخن بگوید. برای مثال، کسانی که خود را در محدوده «نظام ولایت فقیه» قرار می دهند، ولو بدانند ولایت این می بینند که به طرفداری از ولایت فقیه نیز موضع بگیرند. هرگاه از آنها پرسشی چرا حق را ظاهر نمی کنی؟ پاسخ می دهند: زمان اظهار حق

نرسیده است. وقتی زمان آن رسید، اظهارش می کنیم. اما هر زمان از آن محدوده رها شوند، از رابطه با قدرت رها شده اند و در جا در می یابند که در پی آن نبوده اند که زمان اظهار حق را معین کنند بلکه در پی آن بوده اند که موقعیت خود را توجیه کنند. حال که از محدوده رژیم رها شده اند، زمان را زمان اظهار حق می یابند و آن را اظهار می کنند.

بدین قرار، اعتماد به منطق صوری، سبب می شود که عقل انسان قرار گرفته در محدوده قدرت و در این یا آن رابطه با قدرت را جایگزین، حق کند و از خود بیگانه شود، اعتدال باشد و افراط و تفریط نباشد، کدام است. اگر خود را از بند قدرت رها کند، زمان اظهار حق را همیشه می یابد. از این رو است که فرمود: حق را بگو ولو به زبان خود و حق را بر زبان آرو ولو در دل ...

۳ - با توجه به این واقعیت که بخشی مهم از روابط انسانها، روابط قدرت هستند، این پرسش محل پیدا می کند: اگر کسی بر امری علم جست و وجود سانسورها مانع از اظهار آن شدند، زمان و مکان و چند و چون اظهار حق کدامها هستند؟ به این پرسش، چند نوبت پاسخ گفته ام. با وجود این، روشهای زیر را خاطر نشان می کنم:

- یابنده دانش نخست عقل خویش را می باید آزاد کند. به ترتیبی که در درون، از هر سانسوری رها باشد و بتواند یافته خود را نقد کند. پس از این که مطمئن شد یافته او بیاترگ موقعیت او در رابطه با قدرت نیست و از ملاحظه سود و زیان، در رابطه با قدرت، رها است، درجا می باید اظهارش کند.

• پاسخ پرسش چهارم: رابطه من با آن شهید بسیار خوب بود. در روزهای پیش از کودتا، آقای خمینی او و دیگران را احضار کرده بود و از آنها در باره برکناری بنی صدر از فرماندهی کل قوا، پرسش کرده بود. او با این کار مخالفت کرده و گفته بود: از انقلاب بدین سو، از کسانی که متصدی ارتش شده اند، او تنها کس است که توانسته است اعتماد ارتشیان را جلب کند. ارتش را تجدید سازمان

کرده است و جنگ باخته را برده است و دشمن متجاوز خود را ناگزیر می بیند با پیشنهادهای هیأت های میانجی موافقت کند. در این موقعیت، برکناری بنی صدر خطرناک است. و همانطور که اطلاع دارید، پیش از «عزل» بنی صدر از ریاست جمهوری، او را شهید کردند. تا امروز نیز چگونگی کشته شدن او، معلوم نگشته است.

اما از پرسش شما و پاسخ من به آن، نسل امروز را چه سود؟ سود آن در اینست که

۱ - بنا بر اصول ۱۱۰ و ۱۱۳ قانون اساسی، بخشی از تصدی فرماندهی کل قوا، با رهبر و بخشی دیگر، با رئیس جمهوری بود. نصب فرماندهان سه نیرو و رئیس ستاد ارتش و فرمانده سپاه، به پیشنهاد شورای عالی دفاع، با رهبر، و تصدی مابقی فرماندهی کل قوا با رئیس جمهوری بود. در روزهای اول پس از انتخاب رئیس جمهوری، آقای خمینی، بدون اطلاع رئیس جمهوری، او را به فرماندهی کل قوا، منصوب کرد. عمل او خلاف قانون اساسی بود. زیرا او حق تفویض اختیار رئیس جمهوری مجری قانون اساسی بود. این شد که از فرماندهی کل قوا، هرآنچه در تصدی رهبر بود، با تصویب خود او انجام می گرفت. چنانکه دو عضو شورای عالی دفاع (شهید چمران و آقای خامنه ای) را خود او منصوب کرد. فرماندهان سه قوا و رئیس ستاد ارتش و فرمانده سپاه با تصویب او منصوب شدند.

اگر نصب رئیس جمهوری به فرماندهی کل قوا خلاف قانون اساسی بود، عزل او نیز خلاف قانون اساسی بود زیرا از اختیار رهبر هیچ نزد رئیس جمهوری نبود و سلب اختیار او برابر اصل ۱۱۳ نیز نقض قانون اساسی بود.

پس درس اولی که نسل امروز می باید بگیرد اینست: هرگاه مرکز قدرتی بوجود آمد و ستون پایه های قدرت را در اختیار گرفت و فوق قانون شد، بضرورت مستبد می شود و استبدادی که برقرار می کند، میل به فراگرفتن همه ابعاد زندگی انسانها، خواهد کرد. استبدادی که ۳۰ سال است خیانت و جنایت می کند و فساد می گسترد و تا مقاومت مردم به آن خاتمه ندهد، بر ابعاد خیانت و جنایت و فساد خواهد افزود، بدین سان استقرار جست.

۲ - دینی که کل را بر گلوله پیروز کرد و با استقلال و آزادی و رشد برمیزان عدالت، سازگار بود، همان نبود که تجاوز از قانون و کودتای خرداد ۶۰ و کشتارها و ادامه جنگ و زاد و ولد مافیایاها و... را توجیه کرد. راست بخواهی، از زمان تمایل به قدرتمداری، کتاب دین، بسته و کنار گذاشته شد و کتاب قدرت بود که گشوده گشت. در تاریخ است که عبدالملک مروان مشغول خواندن قرآن بود. آمدند و به او گفتند: خلیفه مرد و شما خلیفه شدید. او قرآن را بست و گفت: میان من و تو جدائی افتاد.

پس درس دومی که نسل امروز از این پرسش و پاسخ می تواند بیاموزد و بکار برد اینست: دین و یا امرای که جمهور مردم پذیرند و حتی اگر بخشی از مردم پذیرند، بکار استقرار استبداد نمی آید. هر استبدادی، دین یا امرای را کنار می گذارد که عامل تحول گشته است. غفلت مردم از دین یا امرای که بکار برده اند و تحولی در خور برخوردار از حقوق و امکانات زندگی را پدید آورده اند و اعتماد آنها به اطاعت از قدرت، سبب می شوند که استبداد بازسازی شود و کار بازسازی استبداد، با وسیله کردن دین یا امرام در عین بی محل کردنش در زندگی انسانها و تجاوز به قانون، آغاز می شود. آنها هم تجاوز به قانونی که خود وضع کرده است.

* پرسشهای آقای امید:

آقای امید که بقرار نوشته اش، جوانی ۲۷ ساله است، پرسشهایی را به زبان انگلیس کرده است. پرسش اول آن راجع است به رابطه دین با دولت:

۱ - با توجه به این امر که از سوئی مردم کشور به دین باور دارند و از سوی دیگر، حاصل آمیزش دین و دولت را دیده اند و قشرهایی از مردم نمی خواهند دین و دولت در هم آمیزند، هرگاه فرصت استقرار دولت جدید دست دهد، دین چه محل و نقشی خواهد یافت.

• در پاسخ به پرسش اول شما هموطن عزیز خود، خاطر نشان می کنم که رابطه دین و دولت را مکرر موضوع بحث قرار داده ام. طرحی نیز در باره لائیسته تهیه کرده ام. هرگاه بخواهید از نظر من آگاه شوید، مراجعه به این کارها ضرور است که در سایت اینجانب موجود میباشند. با وجود این نکاتی را خاطر نشان می کنم:

۱ - هرگاه دین بیان آزادی باشد، با دولت، ولو حقوق مدار، در نمی آمیزد. زیرا خود و دولت را فاسد می کند. به ترتیبی که در همین نوشته توضیح داده ام، هیچ دین و امرای که جانب حقوق انسان و دیگر حقوق را بگیرد، نمی تواند روش قدرتمدارها بگردد. پیش از این نیز توضیح داده ام، دولت دینی ممکن نیست و اینک توضیح می دهم که دین یا امرام دولتی نیز نامیسر است.

۲ - دین بمثابه بیان آزادی، با سیاست نیز، وقتی هدفش رسیدن به قدرت است، نباید در آمیزد.

۳ - اصل آزادی دین و امرام پذیرفته است و رابطه میان دین ها و امرامها از راه جریان آزاد اندیشه ها و اطلاع ها برقرار می شود.

۴ - اگر هم دین ها و امرامها بیان های قدرت باشند، سلامت جامعه ایجاب می کند که دولت مستقل از دین ها و امرامها، تنها حقوق مدار باشد. بنا بر این، قانون اساسی می باید شامل حقوق انسان و حقوق جامعه ملی و حقوق اقوام شرکت کننده در جامعه جهانی و حق جامعه در مدیریت جامعه جهانی باشد.

به دیگر پرسشهای شما، در شماره آینده، پاسخ خواهم داد.



اجماع بر ضد رژیم - بزرگداشت منتظری و بیان آزادی - جنبش و اخلاق:

جنبش بعد از مرگ آیت الله منتظری:

درگذشت آیت الله منتظری ۳ اثر بلاواسطه داشت: ۱- تدابیر رژیم برای ماه محرم که صحنه سازی پاره شدن عکس خمینی محور تدابیر بود، نقش بر آب شدند. ۲- کثرت جمعیت تشیع کننده - یک میلیون نفر تخمین زده شده است - و اتفاق همه گرایشهای سیاسی و دینی در بزرگداشت او، همه پرسی ای شد که در آن، عموم مردم ایران به رژیم ولایت مطلقه فقیه رأی مخالف دادند. اثر سوم آن ادامه جنبش با وسعتی بود که توجه ناظران بین المللی را به خود جلب کرد. ابراز تأسف دولتها از درگذشت آیت الله منتظری، در عین حال، واکنش نسبت به بزرگداشت او از سوی مردم ایران و ادامه جنبش در عین وسعت گرفتن بود. مطبوعات غرب، اروپایی و امریکائی، این امر را که برغم تشدید سرکوب، جنبش ادامه یافته و پهنا گرفته است، موضوع مقاله ها کرده اند. از آن میان، نکاتی از مقاله لوموند (۲۴ دسامبر ۲۰۰۹) نقل می کنیم: لوموند، زیر عنوان جنبش اعتراضی برغم تشدید سرکوب، ادامه دارد، می نویسد:

• به جنبش اعتراضی در ایران، ضعف راه نمی جوید. ۴۸ ساعت بعد از تشیع و تدفین آیت الله منتظری در قم و برخوردهای مردم با قوای دولت، در ۲۳ دسامبر، بار دیگر، در اصفهان و نجف آباد، قوای پلیس به اجتماع مردم حمله بردند. قوای پلیس مانع از آن می شدند که مردم وارد مسجدی شوند که طرفداران آیت الله فقیه، بنا داشتند در آن سوگواری کنند. بنا بر قول مخالفان، ۵۰ تن توقیف شده اند. پیش بینی می شود در روز عاشورا نیز میان مردم و قوای پلیس برخوردها روی دهند. رژیم مصمم است مانع از گسترش جنبش شود. ژنرال اسماعیل مقدم، فرمانده نیروهای انتظامی گفته است: ما به این مخالفان توصیه می کنیم به اعمال خود خاتمه دهند وگرنه قوای انتظامی با برهم زندگان نظم، با قاطعیت برخورد خواهد کرد. اما تهدید اما بی اثر است چرا که سرکوب با شدت ادامه دارد. ۶ ماه بعد از انتخابات ۱۲ ژوئن که احمدی نژاد را به ریاست جمهوری رساند، سرکوب همچنان ادامه دارد و ترازنامه ای سنگین دارد: بنا بر قول دولت ۴۰ تن کشته شده اند (مخالفان می گویند ۷۰ تن) و ۵ تن محکوم به اعدام شده اند و مخالفان به حبس های طولانی مدت محکوم گشته اند.

بنا بر گزارش عفو بین المللی مورخ ۱۰ دسامبر ۲۰۰۹، وضعیت حقوق بشر در بدی، ظرف ۲۰ سال اخیر، بی سابقه و مانند است. گزارش این سازمان شکنجه و اعدامهای کسان بی آنکه محاکمه شوند و یا محاکمه ای بی

همه جا کربلا و همه روز عاشورا است

زندگی کرامت و حقوقمند انسان است.

• شناختن اصل استقلال انسان در تصمیم و آزادی او در انتخاب نوع تصمیم که ولایت فقیه را بی محل و ولایت جمهور مردم را با محل می کند. هر چند مرگ امکان نداد که مباحثه او با محمد جعفری ادامه یابد و او نظریه ولایت فقیه را یکسره رها کند.

• دفاع عام از قربانیان تجاوز رژیم به حقوق انسان. این منتظری است که مردم ایران بر بزرگداشت او اجماع کردند. مقایسه دو تحول، یکی تحول خمینی از بیان پاریس به بیان استبداد فراگیر (ولایت مطلقه فقیه) و دیگری تحولی که منتظری کرد، بنفسه، گزارش می کنند سمت یابی تحول جامعه ایران را. این جامعه سمت و سوی دموکراسی را گزیده است و دین را مشابه بیان آزادی می خواهد. هرگاه، رقابت بیابهای قدرت جای به رقابت بیان های آزادی بسیاری، جنبش وسعتی بازهم بیشتر می گیرد و ایرانیان را پیشاهنگ نوع پیشرفته تری از دموکراسی برخوردار از فرهنگ و اخلاق آزادی می کند. دموکراسی که در آن، افق معنوی را بر روی انسان، همواره باز است.

* حوزه های دینی به این نتیجه می رسند که ولایت فقیه نظری بی پایه است:

• سایت جرس (۴ دی ماه ۸۸) با احمد قابل، در باره تحول حوزه های دینی بعمل آورده است. قسمتی از آن مربوط به ولایت فقیه است:

با توجه به شکل گیری نهادهایی مثل شورای مدیریت حوزه و یا دخالت نهادی چون جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در معرفی یا عزل مراجع تقلید، آیا می توان از ایجاد نهادهای سلسله مراتبی در روحانیت شیعه که فرمانبردار حاکمیت هستند سخن گفت؟ این ساختارهای در حال شکل گیری بیشتر به نهادهای موجود در کشورهای سنی شباهت دارد یا نهادی مثل کلیسای کاتولیک؟

من آنطور که باید از کلیسای کاتولیک چیز زیادی نمی دانم. ولی در مورد روحانیت اهل سنت شرایط متفاوت است. در کشورهای اهل تسنن همه یکسان نیستند. مثلا در الازهر مصر، شورای فتوا و مفتی اعظمی وجود دارد که وقتی فتوایی صادر می کنند، معمولا دولت با آن مخالفت نمی کند. ولی در خیلی از کشورهای دیگر، این جریان حاکم نیست. و این به آن معناست که شاید آن کشورها بیشتر سکولار هستند یا اینکه اصلا نظر علمایشان را در حوزه سیاست دخالت نمی دهند مگر در مسایل شرعی مثل اعلام تاریخ شروع ماه شوال یا رمضان و یا اظهار نظر در مورد برخی موارد شرعی که قوانین آن کشورها ذکر شده باشد. در ایران هم مساله به همین گونه بود اما بعد از قضایای ولایت فقیه، شکل دیگری پیدا کرده است. به خاطر می آورم در شورای نگهبان اول که منصوب آیت الله خمینی بود، بحثی مطرح شده بود مبنی بر این که شورای نگهبان در داوری های خود در خصوص اسلامی یا غیر اسلامی بودن قوانین، نظر چه

خراب شد. گرچه سناریوی آتش زدن عکس خمینی با مرگ منتظری به بوته فراموشی سپرده شد، اما از سوئی شکست مفتضحانه رژیم را پوشاند و از سوی دیگر، اجماع بر سر بزرگداشت منتظری، رأی مخالف مردم ایران به رژیم ولایت فقیه شد. و هنوز:

• هفتم مرگ آیت الله منتظری با روز عاشورا همزمان شد و مردم ایران یک نوبت دیگر، مخالفت قاطع خود را با رژیم ابراز کردند. این روز، روز مرگ ولایت مطلقه خامنه ای شد.

• و هنوز، اربعین در پیش است و باز مردم مخالفت خود را با این رژیم خون ریز ابراز خواهند کرد.

• فوت آیت الله منتظری شکاف میان مافیاهای نظامی - مالی و گرایشهای دیگر رژیم را تشدید کرده است. زیرا فرصتی بوجود آورد برای این که اولاً روحانیان مخالفت خود را با رژیم آشکار کنند (مخالفت ۷ مرجع با رژیم) و ثانیاً، واکنش نسبت به درگذشت آیت الله منتظری، ناسازگارهای سران رژیم را با یکدیگر آشکار کردند: واکنش افرادی مانند خامنه ای - بزیدی - جنتی - خزعلی - مصباح - نوری همدانی و احمدی نژاد و همانند هایشان، اولاً متأثر از اجماع مردم بر بزرگداشت منتظری بود و ثانیاً با واکنشهای سران اصلاح طلب و حتی هاشمی رفسنجانی متفاوت بود و ثالثاً در سپاه و مجلس و دستگاه اداری، ناراضی از واکنش امثال خامنه ای، خود را بروز داد. دانسته است که برخی از سرداران سپاه مقلد منتظری و دوستدار او بوده اند. از این پس، اینان مشکل می توانند چشمان خود را بر این واقعیت ببندند که برغم دو دهه تبلیغات بر ضد منتظری، در بزرگداشت او مردم اجماع کردند و این اجماع بمعنای مخالفت یکپارچه مردم با رژیم خامنه ای - مافیاهای نظامی - مالی است.

* دو دوره زندگی منتظری و اجماع بر بیان آزادی از رهگذر اجماع بر بزرگداشت منتظری:

• یک دوره از زندگی منتظری، دوره ولایت فقیه و نقش او در به تصویب رساندن اصل ولایت فقیه در مجلس خبرگان و نیز نقش او بعنوان قائم مقام خمینی است. در این دوره، بیشترین لطیفه ها در باره او در جامعه انتشار می یافتند. دوره دوم زندگانی او، از افشای روابط پنهانی با امریکا و کشتار زندانیان و نه گفتن به قدرت، شروع می شود. بخصوص دهه آخر عمر او، از نظر فقه و اسلام است که با ۷۷ سال پیش از آن، از بنیاد متفاوت است. در این دوره، او وارد مباحثات با تنی چند شد و این مباحثه ها، نظر فقهی او را یکسره دگرگون کرد:

• حقوق انسان را ذاتی حیات انسان دانستن و فاصله گرفته با فقه تکلیفی مدار،

• پوزش خواستن از آنچه بر مردم ایران از رهگذر ولایت فقیه می گذرد و تعبیر نظر او در باره ولایت فقیه و نزدیک شدنش به ولایت جمهور مردم،

• مخالفت قاطع او با استبداد بنام دین و «استفاده ایزاری» از دین و پذیرفتن این حقیقت که انسان برای دین نیست و دین برای انسان است و روش اجرا بود که همه چیز بر سر خود آنها

کسی را باید مد نظر قرار دهد؟ آیا نظر ولی فقیه را باید مراعات کند؟ خیلی از آن ها به لحاظ فقهی معتقد به ولی فقیه نبودند و در بعضی موارد نظیر اصلاحات ارضی، مصادره ها و ... اشکالات شرعی داشتند. در آنجا آقای یزدی در مصاحبه ای در روزنامه رسالت گفت که در شورای نگهبان بحث شده و قرار شده که "نظر مشهور فقها" مورد نظر قرار بگیرد. بعد این سوال مطرح شد که آیا "مشهور فقهای زمان" مد نظر است یا فقهای قدیم؟ در فقه، آنچه نزدیک به حجت و حتی نزدیک به اجماع خوانده می شود، "شهرت قدما"ست نه "شهرت متاخرین". اهل فقه معتقدند که "اجماع" متاخرین هم حجت نیست و ارزش ندارد چه رسد به "شهرت" آن. نتیجه آنکه آقایان در پاسخ به این گونه بحث های کارشناسی، مانده بودند. سرانجام به این تصمیم رسیدند که در موارد اختلافی، نظر ولی فقیه اصل قرار گیرد و اگر کسی به لحاظ شرعی در این مساله مشکلی داشته باشد، در جنبه های فردی می تواند همان نظر شخصی خودش را اعمال کند ولی به لحاظ عمومی نظر ولی فقیه تبدیل به قانون می شود.

این مساله، خود مشکلات دیگری ایجاد کرد. از جمله آنکه از این پس سازمان روحانیت چگونه خواهد بود؟ آیا همه فقها باید تابع نظر ولی فقیه باشند یا اینکه فقها می توانند اجتهاد مستمر خود را ادامه دهند؟ آیا فقها همچنان می توانند نسبت به مقلدان و پیروان خود حوام داشته باشند، قائد مردم خودشان باشند شوند و حرفشان نفوذ داشته باشد؟ مبنای بحث آیت الله خمینی در بحث ولایت فقیه که در قبل از انقلاب مطرح می کرد این بود که: "ولایت فقیه از جانب ائمه به همه فقها داده شده است". به اعتقاد ایشان هر کس به صفت فقیه دربیاید، به اجتهاد می رسد و اسمش فقیه می شود، و ولایتش از جانب خداست. در آن زمان کسی به ایشان اشکال کرد که: «اگر چند فقیه بخواهند هم زمان در جایی اعمال ولایت کنند، در این صورت در هر گوشه باید به شکلی عمل شود و این گونه هرج و مرج به وجود می آید!». ایشان برای رفع این مشکل، پیشنهاد کرد که "هر فقیهی قبل از بقیه اعمال ولایت کرد، بر دیگر فقها حرام است که در آنجا اعمال ولایت کنند" (مانند این قضیه که هر کس زمین باری پیدا کرد او صاحب حق آن زمین می گردد و دیگران نمی توانند). ایشان می خواست از این طریق مشکل را حل کند. اشکال دیگر این بود که: "اگر ما تعداد زیادی فقیه داشته باشیم که هر کدام بخواهند در شهری اعمال ولایت کنند، آنگاه هر شهری برای خود یک حکومت خواهد داشت؟!". برای رفع این اشکال، نظر "انتخابی بودن ولی فقیه" که نظر آیت الله منتظری بود را مصدر قانون قرار دادند. به این گونه که: "اگر کسی را - چه اکثریت مردم و چه فقهای خبرگان رهبری - انتخاب کرد، این فرد دیگر در کل کشور ولایت عامه دارد و بقیه فقها حق دخالت ندارند". در حقیقت ولایت از آن یک نفر یا برای شورای رهبری (همان گونه که در قانون اساسی اول در نظر گرفته شده بود) خواهد بود.

اینها همه مشکلاتی بود که نظریه ولایت فقیه، در حوزه اختیارات فقها ایجاد می کرد. بعضی از فقها مثل آیت الله خمینی یا آیت الله بروجردی که به این مساله اعتقادی نداشتند تکران تشدید اختلاف نظر ها بین فقها، از دست رفتن انسجام، آرامش و اعتبار حوزه های علمیه بودند. در زمان مرجعیت، ولایت و زعامت آیت الله



خمینی شاهد بودیم که گروهی از روحانیون برای خود "حق عزل مرجع تقلید از مرجعیت" قائل شدند (بر فرض که رفتار آن مرجع مناسب هم نمی بود). این یعنی چه؟ اگر او عالم و فقیه است، شما چه چیز او را عزل می کنید؟ علمش را که نمی توانید از او بگیرید! اگر می گویند تقوای لازم را ندارد که مردم از او تبعیت کنند، این سوال مطرح می شود که مگر این آقایان برای اندازه گیری تقوای دیگران از کسی ولایت دارند؟ همه اینها بدعت های نادرستی بود که در کشور گذاشته شد. ۱۰ سال پس از پیروزی انقلاب، آیت الله خمینی در آخرین نامه ی خود به رئیس مجلس خبرگان رهبری در خصوص برکناری آیت الله منتظری، نوشت: "فقه مصطلح حوزه ها کفایت نمی کند." یا در "منشور روحانیت" که دو - سه ماه قبل از رحلتشان نوشتند، حرفی را که قبلا می گفتند مبنی بر این که: "این فقه می تواند همه دنیا را اداره کند" به این تغییر دادند که: "فقه مصطلح" کفایت نمی کند و فقیه باید چیزهای دیگری داشته باشد، مدیریت بداند و ... این تازه اول ماجرا بود. حالا باید بررسی می شد که آیا در فقه این چیزها مطرح هست یا نیست. چون نمی شود به ادعای یک نفر باب اجتهاد را بست.

متأسفانه این اتفاقات در هیجانات آن سال ها و در سایه شخصیت آیت الله خمینی روی داد. در واقع خیلی از مباحث علمی زیر نفوذ شخصیتی ایشان له شد و از بین رفت و کسی هم به آن توجه نکرد. عملاً آن بی توجهی ها به درهم ریختگی فعلی در وضعیت علمی حوزه ها منجر شد.

اما در باره ی سازماندهی روحانیت من معتقدم که نقاط ضعف این دیدگاه، اکنون در حوزه های ما متجلی شده و بسیاری از مراجع تقلید، اندک اندک به آن در مقام نظر و عمل پی می برند. من احساس می کنم در حال بازگشت به بافت روحانیت پیش از انقلاب هستیم. به این معنا که همه، البته غیر از ولی فقیه، از اموری که باعث تزلزل در سازمان روحانیت شده، ابراز نگرانی می کنند. حداقل اینکه این مساله باعث شده تا بخشی از حوزه به تذکر و تامل در باره ی آنچه که در این ۳۰ سال پیش آمده بپردازد. اینکه آقای هاشمی رفسنجانی دو سال قبل و بعد از این همه سال که از انقلاب گذشته، بحث "شورای فتوا" را مطرح می کند، نشان می دهد که خیلی از امور آن طور که آقایان تصور می کردند، از کار در نیامده است. یا اینکه آیت الله منتظری در بحث ولایت فقیه کار را تا به آنجا پیش برده اند برد که صرفاً "نظارت فقیه" را کافی می دانند، نشان می دهد که در این مدت اشکالات نظری بر ایشان وارد شده است. ضمن اینکه در مقام عمل هم می بیند که چه اتفاقی دارد می افتد. در مجموع به نظر می آید که در مبحث ولایت فقیه، یک بازاندیشی دارد صورت می گیرد و این می تواند مبارک باشد. حداقل نتیجه ی این امر می تواند این باشد که سازمان روحانیت را از مسایلی که در

همه جا کربلا و همه روز عاشورا است

این ۳۰ سال دچار آن شد، به نظم مناسب گذشته ها برگرداند.

* جنبش منش انسانی و اخلاق آزادگی را باز می سازد:

◀ در جریان جنبش همگانی مردم ایران، اموری روی داده اند که گویای نقش جنبش در باز یافت اخلاق آزادگی هستند:

کسانی توسط بسیجی ها و پاسدارها به شدت مجروح می شوند و به بیمارستان رسانده می شوند، توسط پرستاران و پزشکان پنهان می شوند. زیرا مأموران ارتکاب جنایت، به دنبال قربانیان رفتار جنایت کارانه خود، به بیمارستانها مراجعه می کنند. وقتی زخمی به بیمارستان رسانده می شود، پرستاران به سرعت وی را بصورت یک بیمار عادی در می آورند و حتی المقدور از دید مأموران سرکوب پنهان می کنند. بعد نوبت به پزشکان می رسد. آنها به مداوا می پردازند. هرگاه حضور مأموران مانع کار آنها شوند، قربانی را به محل دیگر می برند و مداوا می کنند. کم نیستند قربانیان رفتار جنایت کارانه مأموران سرکوب که بعثت وارد شدن ضربه بر سر آنها، نیازمند عمل جراحی مغز می شوند. بعد از جراحی، هنوز می باید او را از دید رس مأموران سرکوب دور نگاه داشت. بعد نوبت به دوره نقاهت می رسد. در این دوره نیز می باید بیمار را حفظ کرد تا سلامت خود را باز یابد. قربانیانی توانسته اند همه این مراحل را طی کنند. سازمان دهندگان این مراحل، گواه بازیافت اخلاق عالی انسانی و آزادگی است.

* ولایت مطلقه فقیه را مأموران رژیم بکار می برند و زورگویی از دین عاری و به جنایت راغب ترشان می کند:

◀ در ۲ دی ۸۸، شب هنگام، اعضای سفارت رژیم در محلی در نوئی، حومه پاریس، که آن را مسجد کرده اند، جمع بوده اند. شماری از طرفداران جنبش سبز، با داشتن عکسهایی از منتظری و کربوی و موسوی، وارد محل می شوند. شخصی به اسم امامی - که قرار است جانشین میر ابوطالبی شود - دستور می دهد طرفداران جنبش سبز را بزنند. او می گوید خون این ها مباح است آنها را بکشید و اگر کسی پرسید، بگویند به دستور امامی کشتیم. همسر میر ابوطالبی نیز مشغول ایداء دختران می شود.

میر ابوطالبی، ۳۰ سال پیش، در مشهد، صحنه ساختگی پاره کرده عکس منتظری را ساخت. امروز، داشتن عکس منتظری در دست را جرم می شمارد. قول امامی نیز، بیانگر واقعیتی است که ۳۰ سال است مردم ایران با آن روبرو هستند: هر مأمور رژیم، خود را صاحب اختیارات مطلق «رهبر» و مالک جان و مال و ناموس مردم می داند. بدیهی است زورگویی این مأموران را از دین عاری و به جنایت حریص می کند:

◀ محافظان خامنه ای دین دار بودند و بی دین شدند: نماز می خواندند و

انقلاب اسلامی: با وجود تشدید سرکوب، جنبش گسترش می یابد. در گزارش زیر، ۲۰ علامت و دلیل از علامتهای ادامه جنبش مردم ایران را می یابید:

۲۰ علامت از علامتهای گسترش و ادامه جنبش همگانی

* علائم ادامه جنبش

رژیم ضد بشری ولایت فقیه بعد از انقلاب ملت ایران در سال ۱۳۵۷ همه توان خود را بر این امر گذارد تا با ایجاد استبدادی دینی سلطه خود را بر ملت ایران بگستراند و برای نیل به این هدف تمام توان خود را به کار گرفت و با استفاده از کلیه امکانات سیاسی - نظامی و مالی دست به کودتا زد و در سال ۱۳۶۰ توانست با رهبری آقای خمینی و فرماندهی سید علی خامنه ای - هاشمی رفسنجانی و بهشتی و دیگر نیروهای کودتاجی اولین رئیس جمهور منتخب مردم ایران را از کار بر کنار سازند و برای رسیدن به این امر دست به کشتاری بسیار وحشتناک زدند به گونه ای که در عرض کمتر از ۴ ماه بیش از ۴۰۰۰ نفر از جوانان ایران را به قتل گاه فرستادند و هزاران نفر را به زندان انداختند و برای حفظ قدرت سالها به جنگی بی دستاورد دست زدند و آن را تا هنگام مرگ خمینی ادامه دادند و در روزهای آخر عمر ولی فقیه مستبد دست به کشتار حدود ۵ هزار نفر از زندانیان سیاسی در بند زدند.

با مرگ خمینی و به سر کار آمدن ولی فقیه جدید، یعنی خامنه ای، و تغییر در قانون اساسی و مطلق نمودن ولایت فقیه، تمام تلاش را بر گسترش هر چه بیشتر استبداد دینی بکار برد و با سرکوب و قتل و ترور و جنایت و تجاوز، به حاکمیت ضد مردمی خود ادامه داد تا سال ۱۳۸۸.

رژیم ولایت مطلقه فقیه در طول سالیان حاکمیت مافیاهای نظامی - مالی هر چه در توان داشت در حذف استعداد های کشور بکار برد و با نابودی کلیه امکانات و استعدادهای کشور سعی کرد با النصر بالرعب، همچنان حاکمیت خود را ادامه دهد. اما بر این باور نبود که آگاهی ملت ایران روزی کار را به جایی خواهد کشاند که دیگر راهی برای ادامه حیات نظام بر جا نخواهد ماند.

در خرداد ماه سال ۱۳۸۸، رژیم ولایت مطلقه بر این باور بود که با تقلب در انتخابات که برایش عادت شده بود، و نیز با دخالت نیروهای نظامی - که امام خودشان آنها را از حضور در جریانات سیاسی منع کرده بود - می تواند، بدون این که مردم واکنشی از خود نشان دهند، فردی نادان برای یک دوره دیگر، رئیس جمهوری ایران کنند.

با انجام کودتا و بر سر کار آوردن احمدی نژاد، رژیم بر این باور بود که با وارد کردن قدری فشار و دستگیری برخی از سیاسیون و دانشجویان خواهد توانست، رئیس جمهوری تقلبی را به مردم تحمیل کند. بدیهی است فکر نمی کرد ملت ایران برای عصبان بر تحقیر تحت رهبری چون سید علی خامنه ای و رئیس جمهوری چون

حالا نماز نمی گزارند. راحت زور می گویند و به حقوق افراد تجاوز می کنند. برای رفتار خود نیز توجیه ساخته اند: به ما گفته اند حفظ جان «رهبر»، از خواندن نماز واجب تر است. زیرا رهبر از سوی امام زمان بر کشور حکومت می کند و هیچ کاری، حتی نماز نباید موجب غفلت ما از محافظت از رهبر شود. اگر رهبر زنده باشد اسلام زنده می ماند. وقتی اسلام مستقر شد، میتوان نماز و روزه را برگزار نمود. در حال حاضر، حفاظت از جان رهبر بر نماز رجحان دارد زیرا «آقا» به دستور امام زمان مشغول فراهم کردن زمینه ظهور است و از هر کاری واجب تر حفظ او و حکومت او است.

بدیهی است کسانی که چنین توجیهی را می پذیرند و خود را فدائی «رهبر» جلوه می دهند، آن اندازه نادان نیستند که ندانند میان گزاردن نماز و حفاظت از خامنه ای تضاد نیست. اگر تضاد پدید آمد، بدین معنی است که دولت خامنه ای دولت زور و ضد اسلام است. در حقیقت، بکار بردن زور، آنها را از دین بیگانه کرده است و چون نمی توانند واقعیت را بر زبان آورند، چنین توجیه ابلهانه ای را می سازند و یا برایشان می سازند.

* تبلیغات شدید بر ضد بنی صدر از بیم همگانی شدن خواست «نه به ولایت فقیه و آری به ولایت جمهور مردم»:

◀ در ۷ دی ۸۸، صبح صادق، ارگان سپاه پاسداران، قول محمد کرمی راد «نماینده» مجلس مافیاهای را این سان نقل کرده است:

گرچه پیروان امام خمینی(ره) و احزابی همچون حزب جمهوری در همان اوایل خواستار برخورد قانونی با بنی صدر شدند، اما از آن جایی که چهره واقعی او برای بسیاری از مردم روشن نشده بود، برخورد با او به تأخیر افتاد. این موضوع برای سران جریان اصلاحات هم روی داد. هر چند در ماه های گذشته مطالبات زیادی درباره برخورد با سران فتنه وجود داشت، اما چون چهره واقعی آنان برای بخشی از مردم مشخص نشده بود، پاسخ عملی از سوی دستگاه قضا به این مطالبات داده نشد. با رویکردی که سران فتنه در هفته های اخیر و بدون توجه به تأکیدات رهبر انقلاب در پیش گرفته اند، اکنون یک مطالبه عمومی و سراسری از سوی مردم و مسئولان برای برخورد قانونی با آنان شکل گرفته است.

◀ بعد از عاشورای خونین، همه روز، صدا و سیما جمهوری اسلامی، از صبح تا شام، بنی صدر را مورد حمله های زبانی قرار داد. در مجلس مافیاهای لاریجانی مدعی شد ولایت فقیه دیکتاتوری بنی صدر را برانداخته است و کیهان، به رویه خود که هرزه درانی است مشغول ماند و امام جمعه ها هم به کارزار تبلیغاتی پیوستند. اما چرا تمامی دستگاه جنایت و خیانت و فسادگستر دست بکار حمله زبانی به بنی صدر شدند؟ از میان دلایل، یکی و بسا مهمترینشان اینست که «نه به ولایت فقیه، آری به ولایت جمهور مردم» شعار همگانی نگردد و گست.

احمدی نژاد بودن، به جنبش دست خواهند زد.

کودتای دوم رژیم ولایت فقیه انجام شد و سران مافیاهای نظامی - مالی، به دستور سید علی خامنه ای، به سرعت دست به کار دستگیری - تجاوز - ضرب و جرح و قتل جوانان کشور شدند تا مگر، همانند سال ۱۳۶۰، موفق بودند که در سال ۸۸ دیگر، رژیم دیگر نه آن همسازی گذشته را دارد و نه در جامعه پایگاهی برایش مانده است. جوانان ایران نیز کاملاً با ماهیت رژیم اسلامی ولایت مطلقه آشنا شده و خواهان تغییر ساختار دولت هستند.

کشتار و سرکوب نظامیان در برابر تجمع چند میلیونی مردم ایران آغاز شد و در یک عملیات ناجوانمردانه، دههائی از جوانان ایران را به بدترین شکل به قتل رساندند. هنگامی که فضاحت کار نمایان شد، گفتند بسیاری از کشته شده ها، از نیروهای بسیجی بوده اند. در حالی که بنا بر قول سید علی خامنه ای نیز، یک نفر از آنها بسیجی بوده است و مابقی جوانان مخالف رژیم ولایت مافیاهای.

سید علی خامنه ای و دیگر سران رژیم ولایت مطلقه وقتی با ادامه اعتراضات مردم روبرو شدند، تقلا کردند جنبش مردم را بی اعتبار کنند. مردم را آلت فعل وابسته به بیگانگان خواندند. اما از آنجا که مردم ایران می دانند زبان رسمی رژیم، زبان دروغ و فریب است، وارونه ادعای سران مافیاهای نظامی - مالی را باور کرده اند. در نتیجه، مردم روز به روز، بیشتر در سلب مشروعیت رژیم کوشیدند. تا زمانی که رژیم برای کنترل مردم دست به اعمال جنایتکارانه تجاوز به دختران و پسران مبارز کشور نمود و چندین نفر از جوانان را در زندانها با شکنجه به قتل رساند و در پی آن مردم و مبارزان و روحانیون و سیاسیون و... چه در داخل و چه در خارج از کشور به این نتیجه رسیدند که ادامه حیات نظام به هیچ وجه به سود ایران و ملت مبارز آن نیست و در پی آن مردم با استفاده از روزهای نظام ساخته کلیه نقشه های آنان را برای کسب مشروعیت برهم زدند. از جمله روزهایی مانند ۷ تیر - قدس و ۱۳ آبان و...

در فاصله روز قدس و روز ۱۳ آبان، رژیم ترفندهای خاصی برای ممانعت از حضور مردم در صحنه، بکار بست. این ترفندها با سرکوب شدید مردم همراه بودند. این سرکوب توسط نیروهای لباس شخصی سپاهی و بسیجی انجام می شدند که توسط رهبری سازمان یافته بودند. او با تغییراتی که در سپاه و بسیج و نیروی انتظامی به وجود آورد، امید وار بود که با منسوب کردن جنایتکاری به نام محمد رضا نقدی، معاود عراقی، بتواند با سرکوب شدید، مردم را وادار به عقب نشینی کند. در روز ۱۳ آبان، با فرماندهی وی، کلیه نیروهای مزدور و حقوق بگیر بسیجی و لباس شخصی آنچنان وحشیانه به مردم حمله کردند که حتی بسیاری از وابستگان به نظام سرکوبگر، از دیدن برخی صحنه های این جنایت، به انتقاد بر آمدند و شکستی دیگر را برای رژیم به ارمغان آوردند.

در فاصله روزهای ۱۳ آبان تا ۱۶ آذر، رژیم از تمام ظرفیت سرکوب و فشار استفاده کرد اما نتیجه ای معکوس دلخواه خود عاید کرد. همانگونه که در زمان سلطنت محمد رضا شاه هر چه فشار بیشتر می شد مردم مقاوم تر می شدند.

با نزدیک شدن به روز ۱۶ آذر، روز دانشجو، رژیم اقدام به اعمالی نمود تا بتواند آن را کنترل کند اما تهدیدها و فشارها نتیجه ای نداد و بر سر رژیم آن آمد که بر سر رژیم شاه آمد. جوانان



غیور ایران با برپایی تجمعات گسترده در بیش از ۲۰ شهر و حدود ۵۰ دانشگاه ایران نشان دادند که برخاسته اند تا که رژیم فاسد ولایت فقیه را با دولت مردم سالار جانشین کنند.

در این گزارش، سعی خواهد شد مواردی ذکر شوند که نشان می دهند رژیم کودتایی ولایت مطلقه نه تنها با گذشت حدود شش ماه از کودتا نتوانسته است امنیت را به ایران بازگرداند، بلکه هر چه از زمان کودتا بیشتر می گذرد پایه های لرزان آن آسیب پذیر تر شده اند و می شوند و رژیم به سقوط نزدیک تر می شود. با بررسی های انجام شده و اخبار به دست آمده از ایران حدود ۴۰ ویژگی گویای حیاطمندی جنبش و روند رو به رشد آن را به دست آوردیم که جهت اطلاع در زیر می آوریم:

۱- ۱۶ آذر روزی که ملت خواسته است:

روزهایی مانند ۷ تیر و قدس و ۱۳ آبان که رژیم برای تحکیم سلطه خود، روز اجتماع و راه پیمانی کرده است و هر سال با هزینه بسیار برخی از مردم و نیروهای خود را به اجتماع و راه پیمانی وامیدارد. امسال این روزها مهلکه ای برای رژیم شدند. زیرا چون همواره خود اجتماع برپا می کرد و راه پیمانی ترتیب می داد، چاره ای جز این نداشت که بنا بر رویه خود عمل کند. اما این بار، مردم فرصت را برای جنبش اعتراضی متنهم شمردند و این روزها را روزهای ابراز مخالفت با رژیم ولایت فقیه کردند.

اما ۱۶ آذر ماه روزی است که رژیم همواره از برپایی اجتماع، در آن، جلوگیری می کرد. این بار، چون دید نمی تواند مانع از اجتماع و راه پیمانی دانشجویان و مشارکت مردم در آن شود، با استفاده از ترفندهایی خاص تلاش کرد حضور مردم و دانشجویان را در اجتماع و راه پیمانی، کم رنگ سازد. اما خوشبختانه ترفندهایش کارساز نشدند و رژیم نه تنها موفق نشد مانع از اجتماع و راه پیمانی دانشجویان و مردم شود، بلکه سبب شد که ۱۶ آذر امسال، شاهد اجتماع ها و راه پیمانی هائی شود که هرگز بمناسبت این روز، برپا نشده و ترتیب نیافته بود.

حضور مردم در روز ۱۶ آذر از این جهت اهمیت ویژه داشت که رژیم خواهان برقراری آن بر خلاف روزهای دیگر نبود اما حضور دانشجویان و در کنار آن ملت مبارز ایران نقشه رژیم را در نقش بر آب نمود. با وجود همه تهدیدها مردم به خیابان آمدند تا به سران کودتا بفهمانند که ترفندهایش دیگر اثر ندارند. حضور مردم در کنار دانشجویان، ۱۶ آذر را روز اعتراض همگانی کرد.

۲- تداوم اعتراضات دانشجویی:

در روزهایی چون ۷ تیر و قدس و ۱۳ آبان تجمعات تنها در همان یک روز انجام می شدند. اما اعتراضات دانشجویان و در کنار آن مردم در مراسم ۱۶ آذر تداوم یافت و روزهای بعد را نیز دانشجویان در دانشگاهها و مردم در اطراف دانشگاهها دست به تجمع و اعتراض به دیکتاتور خامنه ای زدند. تلاش بر این بود که ۱۶ آذر و روزهای بعد از آن را به گردایی برای رژیم کودتایی تبدیل شوند. این کوشش تا حدی نیز موفق بود. زیرا تظاهرات حتی تا روز ۲۳ آذر ماه در برخی از دانشگاهها ادامه یافت.

همه جا کربلا و همه روز عاشورا است

۵- به تعطیلی کشاندن مطبوعات

هر زمان رژیم می شود و وحشت و ترس از سقوط می شود و خود را با ادامه جنبش مردم روبرو می بیند، یکی از کارهایی که می کند، برقرار کردن بازهم شدید تر سانسور بر وسائل ارتباط جمعی است. همانطور که به دستور سید علی خامنه ای، در حکومت خاتمی، هنگامی که او و دستگاه ولایت مطلقه اش متوجه شدند عنقریب پنه کلبه جنایاتشان بر آب می افتد، دستور تعطیلی مطبوعات کشور از سوی او به مرتضوی ابلاغ شد و طی چند روز دهها نشریه به محاق توقیف افتادند.

از نشانه های ترس و وحشت سران کودتا، یکی توقیف مطبوعات و جلوگیری از انتشار خبرهای جنبش مردم و نیز جنایات رژیم و تبدیل شدن دولت به یک دولت پلیسی است. برغم تشدید سانسور و تعطیل نشریه ها و کند کردن اینترنت و... ایرانیان خود کار اطلاع رسانی را بر عهده گرفتند و جهانیان را از این واقعیت آگاه کردند که رژیم ولایت مطلقه فقیه، یک رژیم پلیسی است.

از انتخابات تقلبی بدین سو، حدود ۱۰ نشریه، بنا بر دستور مقامات امنیتی - اطلاعاتی - نظامی و دولتی تعطیل شده اند و با نزدیک شدن مراسم روز ۱۶ آذر، نشریه هائی چون سرمایه و خبر و حیات نو توقیف شدند. نشریه های دیگری هم که خبرها را، ولو اندکی از خبرها، را منتشر می سازند، مانند آفتاب یزد و اعتماد و... در معرض توقیف هستند.

این شیوه برخورد با مطبوعات نیمه مستقل گویای وجود بحران و اختلافات گسترده در درون حاکمیت است نیروهای باتجربه که در جریان انقلاب سال ۱۳۵۷ بودند به خوبی با این شیوه آشنا هستند حتی برخی از افراد میانه سال که در جریان کودتای سال ۶۰ بودند نیز با این روش کاملا آشنایی دارند.

۶- شمار دستگیر شدگان ۱۶ آذر:

رژیم فریبکار و دروغگوی حاکم بر ایران، در خبری که خوراک سران نیروهای سرکوب گر بود، اعلام کرد که در جریان مراسم ۱۶ آذر حدود ۲۰۰ نفر از عوامل ضد انقلاب دست به راهپیمایی در اطراف دانشگاه تهران زدند. اما روزهای بعد هنگامی که مسئول نیروهای انتظامی شهر تهران اعلام کرد حدود ۲۰۴ نفر در درگیری های تهران دستگیر شده اند، دروغ خبرسازان رژیم بر ملاء شد. زیرا از ۲۰۰ تظاهر کننده، نمی توان ۲۰۴ را توقیف کرد!

در راهپیمایی روز ۱۳ آبان، نیروهای سرکوب گر که با قدرت عمل کرده بودند توانستند حدود ۱۰۸ نفر را دستگیر کنند که از نظر برخی مطلعین ان تظاهرات بسیار گسترده بود. حال اگر در جریان اعتراضات دانشجویی و مردمی تعداد ۲۰۴ نفر دستگیر شده باشند، بنفسه، گویای این واقعیت است که جنبش ۱۶ آذر بسیار گسترده بوده است. این امر که دستگیری ها در خارج از محوطه دانشگاهها انجام گرفته اند، معلوم می کند که نه تنها

در صحن دانشگاهها، بلکه در سطح شهر تهران نیز جنبش وسیع بوده است. لازم به ذکر است که در این روز، بر خلاف دیگر روزهایی که شاهد جنبش های اعتراضی بوده اند، در بسیاری از شهرستانها، تعدادی دستگیر شده اند. از جمله دستگیری دانشجویان و مردم در شیراز و نجف آباد و اصفهان و تبریز و...

۷- حمله به مسئولان جنبش:

حمله به برخی از مسئولان جنبش در ایران در حالی که آنها در جریان تجمع نبوده اند یکی از نشانه های ترس بیش از اندازه رژیم کودتا می باشد. در روز قدس، فرزند چماقدار بزرگ حسین شریعتمداری در کنار چماقداران برنامه حمله به سید محمد خاتمی را عهده دار بودند. و در ۱۳ آبان، نیروهای انتظامی مسئولیت حمله به مهدی کروبی در میدان ۷ تیر را عهده دار بودند و دلیل آنهم حضور این دو در میان تظاهر کنندگان بود. اما در مراسم ۱۶ آذر، با وجود اینکه میر حسین موسوی و زهرا رهنورد در میان تجمع کنندگان نبودند، از سوی چماقداران لباس شخصی سپاهی و بسیجی مورد حمله و توهین قرار گرفتند و حتی زهرا رهنورد به وسیله گاز فلفل از سوی برخی مورد حمله قرار گرفت. این حملات عمق نفرت و ترس حاکمان را به خوبی نشان می داد. دلیل این ترس نیز حضور گسترده و بدون ترس مردم و دانشجویان در این روز بود.

۸- تخفیف محکومیت ها:

یکی از نشانه های بارز وحشت نظام از حضور پرشور دانشجویان و مردم در مراسم ۱۶ آذر، ترفندی از ترفند های کودتاچیان، یعنی اعلام تخفیف در میزان محکومیت زندانیان و دستگیر شدگان در روزهای اول بعد از تقلب بزرگ و جنبش مردم بود.

سران مافیاهای حاکم بر ایران، در روزهای قبل از برپایی مراسم ۱۶ آذر، با اعلام اینکه قوه قضاییه میزان محکومیت برخی از دستگیر شدگان و متهمان را کاهش داده برای خود مشروعیتی کسب نماید و علاوه بر آن با این خبر موجب کاهش مخالفت ها شود. اما این اعلام تخفیف نیز به مردم این فریبکاری قوه قضاییه را نشان داد که آنها برای حفظ خود و جلوگیری از حضور بیش از اندازه مردم حاضر به تخفیف مجازات بیگانهانی شده اند که تنها جرم آنها شرکت در اعتراضات و مخالفت هائی بوده که با کودتای ۲۲ خرداد بوده است. این دادگاههای فرمایشی کاملا سیاسی بوده زیرا اگر این متهمان واقعا خلافی انجام داده اند پس چرا بعد از مدتها زندانی در سلول های انفرادی حال در این روزها مورد بخشیدگی یا مجازات مالی یا کاهش میزان محکومیت و زندان قرار گرفته اند.

اعلام این بخشودگی ناشی از ترس حاکمان بوده تا به مردم نشان دهد که قوه قضاییه ایران با رافت اسلامی متهمان را مورد تخفیف قرار داده است.

۹- مصاحبه دادستان کل:

مصاحبه محسنی اژه ای دادستان کل، در روز بعد از اعتراضات دانشجویان و مردم در میدان انقلاب و

دیگر دانشگاهها، ترس حاکمیت را از روند رو به گسترش مخالفت ها به نمایش گذارد.

محسنی اژه ای که از جنایتکاران به نام رژیم حاکم بر ایران است، در مصاحبه ای، چنگ و دندان رهبری را نشان داد و اعلام کرد که از امروز به بعد دیگر برای ما برخورد با مخالفان حتمی است و خط و خطوط آنها برای ما روشن شده است.

از قرار، محسنی اژه ای از این امر آگاه نیست که همین تهدیدها را قبلا سید علی خامنه ای - فرمانده سپاه آقای سردار جعفری - فرمانده نیروی انتظامی احمدی مقدم - فرمانده بسیج سردار محمدرضا نقدی و همچنین احمدی نژاد رییس جمهور متقلب و وزیر فعلی اطلاعات کودتا با شدت بیشتری اعلام نموده بودند اما مردم بدون توجه به تهدیدهای آنها به خیابانها آمده و دست به اعتراض زدند. پس، قطعا برای تهدیدهای محسنی اژه ای هم تره خورد نخواهند کرد. تنها موضوعی که در این مصاحبه روشن گشت، ترس و وحشت حاکمان از آینده بسیار نزدیک و گستردگی بیشتر جنبش است.

۱۰- نمایش تصویر آتش زدن و پاره کردن عکس خمینی:

تاریخ نشان می دهد که هر دیکتاتوری هنگامی که به آخر عمر خود می رسد، روش هایی را بکار می برند که دروغگوئی و فریب کاری سران آن را به خوبی نشان می دهد. سران رژیم کودتا از بدو انقلاب همواره به روش های ناجوانمردانه، در تخریب مخالفان خود کوشیده اند. این روش آنها تقریبا برای همه ملت ایران افشا شده است.

در جریان برپایی مراسم روز ۱۶ آذر، هنگامی که حاکمان متوجه وسعت جنبش دانشجویان و مردم شدند بار دیگر دست به حرکتی بسیار بیشرمانه زدند و با نمایش تصویر خمینی در حالی که پوست روی پاره شده بود و در یک تصویر دیگر در حالی که عکس وی در حال آتش گرفتن بود، قصد داشتند به نیروهای خودی بگویند: این جمعیت تظاهر کننده دشمنان انقلاب و ایران هستند (خمینی مساوی ایران و انقلاب و اسلام و...) که با این عمل خود کل ایران را مورد حمله قرار داده اند و باید به نوعی با آنها برخورد شود. بر اساس تصاویر پخش شده،

اولا باید به اطلاع رساند که از آغاز تظاهرات گسترده مردم تا به حال، مسئله خمینی به هیچ وجه در دستور کار مبارزان قرار نداشته است زیرا مردم عامل اصلی این جریانات از جمله قتل جوانان در خیابانها - ترور مبارزان - شکنجه زندانیان - تجاوز به زنان و مردان و قتل مبارزان در زیر شکنجه و... را سید علی خامنه ای می دانند و بنا نداشته اند هدف را مشوش کنند. یکی از هدفهای ساختن صحنه پاره کردن منحرف کردن توجه از خامنه ای به خمینی و دست آویز کردن توهین به خمینی برای سرکوب جنبش کنندگان است.

ثانیا عکس پاره شده خمینی در محلی ثابت بوده است و این امر که این تصویر توسط خود فریبکاران پاره شده باشد بیشتر با منطق سازگار است. ثالثا گزارشی که از آتش زدن تصویر خمینی، از سوی رسانه به اصطلاح ملی پخش شد، کاملا توسط کارگردان و تهیه کننده گزارش آماده شده بود.



مجازات برسانند. اما گزارش منتشر اگر این تصویر توسط دانشجویان و مردم به آتش کشیده می شد قطعا با نمایش تصویر آتش زندگان صدا و سیما و جناب احمدی مقدم که به نازگی سیستمی برای شناسایی مبارزان در آگاهی تهیه کرده است که حتی می تواند آنها را از زیر نقاب شناسایی کند، در به در به دنبال آتش زندگان نمی گشتند تا آنها را دستگیر کرده و به شده تنها تصویر خمینی را نشان می دهد که در حال سوختن است بدون آنکه عاملان آن معلوم باشند.

آیا چنین گزارشی مشکوک نیست؟ آیا پخش این گزارش برای ساختن دست آویز، برای توجیه سرکوبگری نیست؟

تهیه کنندگان این سناریو، در بیت «رهبر»، در شماره ۲۳۹ انقلاب اسلامی معرفی شده اند.

از تقبل بزرگ در ۲۲ خرداد بدین سو، این صحنه سازی نه تنها و نه اولین صحنه سازی است: فیلم مصاحبه دختری به نام ترانه موسوی که به جای دختری شهید به نام ترانه موسوی تهیه و پخش شد و بعدها جعلی بودنش افشا شد و ماجرای ساختگی قتل دختری بنام سعیده پور آقایی و اینک صحنه سازی پاره کردن و آتش زدن عکس خمینی. پیش از ۲۲ خرداد، دستگاه تحت مدیریت حسین شریعتمداری، این گونه صحنه ها می ساخت. برنامه های تلویزیونی هویت و چراغ و صحنه سازی هائی از نوع انتشار سه نشریه دروغین دانشجویی از قول دانشجویان دانشگاه امیر کبیر، از فرآورده های حسین شریعتمداری و همدستان او بوده اند.

قصد رژیم از صحنه سازی آتش زدن عکس خمینی این بود که هواداران خود را تحریک کند و به صحنه آورد و ابتکار تظاهرات خیابانی را از آن خود کند و دست آویز سرکوب بسازد. اما شکست رژیم تر تریب دادن راه پیمانی چنان شدید بود که اسطوره خمینی را نیز یکبار دیگر شکست. مردم ایران رشد خود را نشان دادند و به رژیم حالی کردند دوران بت سازی و تصویر پرستی سرآمده است و بانی رژیم جنایت و خیانت و فساد گستر را خمینی می دانند. الا این که بنا ندارند، خامنه ای رها کنند و می خواهند پایان بخشیدن به رهبری او را هدف جنبش خود کنند.

۱۱- سناریوی حضور بسیجیان در دانشگاهها:

واستگان به باندهای مافیایی حاکم بر ایران با نزدیک شدن به روز برگزاری مراسم ۱۶ آذر کاملا متوجه شده بودند با وجود هزینه میلیاردها تومانی و دادن امتیازات ویژه به برخی از دانشجویان، قادر به جمع آوری شماری از دانشجویان نیستند. بنابراین، تصمیم گرفتند تا با وارد کردن برخی نیروهای بسیجی و لباس شخصی با کارت جعلی دانشجویی مانع از انجام تظاهرات دانشجویان واقعی در دانشگاهها شوند.

بنا بر این طرح، آنها از روزها قبل برخی نیروهای وابسته به سپاه را با پوشاندن لباس شخصی و تهیه کارتهای جعلی دانشجویی در دانشگاه تهران حاضر کردند و به نمایش «تظاهرات دانشجویان» واداشتند. صدا و سیما با این «تظاهرات» را بزرگ کرد. اینطور جلوه داد که دانشجویان به حمایت از نظام اجتماع کرده اند. صدا

همه جا کربلا و همه روز عاشورا است

و سیما کوشید با انتشار اخبار دروغین در باره این گرد همایی، به ایرانیان در داخل کشور و هموطنان خارج از کشور بگوید جنبش مخالفت با نظام فرو خوابیده است و دیگر دانشجوی مخالف در دانشگاه نداریم.

مأموران رژیم ولایت برای موفقیت در این کار، ابتدا برخی از دانشگاهها را تعطیل کرده و تعدادی از بسیجیان و دانشجویان وابسته به خود در آن دانشگاهها را به دانشگاه تهران آوردند و در کنار نیروهای لباس شخصی قرار داده و آنها را در برابر دانشجویان واقعی قرار دادند و شروع به فیلم برداری از آنها کردند. شب همان روز از طریق کلیه شبکه های خود مدعی شدند که در دانشگاه تهران در برابر چند ده دانشجویی مخالف هزاران دانشجوی بسیجی و موافق نظام مراسم ۱۶ آذر را بر پا نمودند. اما لور رفتن این فریب چند ساعت بیشتر طول نکشید. زیرا نمایش فیلم های واقعی از جنبش دانشجویان، با دوربین های تلفن های همراه نشان دادند که فیلم تهیه شده توسط صدا و سیما با کلیه ترفندهای تخصصی کاملا دروغ است. آنها که دو نوع فیلم را دیده اند، دریافته اند که رژیم تا کجا در سطح دانشگاه ها منزوی است.

۱۴- ایجاد پارازیت:

تقریبا دیگر برای همه مردم در ایران آشکار شده است که کودتاچیان برای ممانعت از آگاهی مردم از چگونگی برپایی اجتماعات در روزهای خاص متخصصان سانسور در ایران دست به کار می شوند تا با هر وسیله ای مانع از پخش فیلم های اعتراضی مردم شوند که از طریق ماهواره منتشر می شوند.

از چند روز قبل از مراسم ۱۶ آذر، بار دیگر دکل های انتشار پارازیت های بیماری زای رژیم ولایت کار خود را برای پوشش پارازیت و تخریب آغاز کرد. به گونه ای که در اکثر مناطق تهران دریافت تصاویر ماهواره ناممکن شد و در برخی مناطق با پارازیت شدید همراه گشت. آیا انجام و اقدام به انتشار پارازیت های بیماری زای از سوی نظامیان حاکم بر ایران به جز ترس از آگاهی مردم دلیل دیگری می تواند داشته باشد؟ سانسور گران حاکم بر ایران نمی دانند که اگر در روزهایی خاص اقدام به انتشار پارازیت نمایند مردم در ایران از طرق مختلف دیگر گزارشات مربوط به تظاهرات را به دست خواهند آورد و ترفندهای آنان را نقش بر آب خواهند نمود. اگر انداختن پارازیت کارساز بود، تا به حال مانع از گسترش تظاهرات مردم در کشور شده بود.

۱۵- قطع اینترنت:

یکی از شگردهایی که نظامیان حاکم بر ایران در بحبوحه برگزاری روزهای خاص انجام می دهند اخلاص در ارتباط مردم با یکدیگر از طریق اینترنت است. با نزدیک شدن به این روزها، سپاه حاکم بر کلیه امور کشور، با بکار بردن روش هایی خاص و محدود کردن ارتباط مردم از طریق اینترنت، مانع از انتشار اخبار و تصاویر و فیلم ها می شوند.

با وجود این، حاکمان مستبد با وجود در اختیار داشتن کلیه امکانات قادر به سانسور اطلاعات و اخبار و ارسال فیلم های تهیه شده از تجمعات نشده اند. زیرا آنها متوجه نیستند که بسیاری از این اخبار و اطلاعات و فیلم

ها دقیقا از همان کانالهایی ارسال می شوند که کاملا به آنها اعتماد دارند. آیا این مسئولان به خاطر ندارند که برخی از اجتماعات با کمک نیروهای اطلاعات برگزار شده است و یا اینکه آیا مسئولان نمی دانند که در انتخابات برگزار شده دهمین دوره ریاست جمهوری بیش از ۹۰ درصد آرای به دست آمده از صندوق های صدا و سیما نام میر حسین موسوی بر آن درج شده بود، یا نمی دانند که بیش از ۵۰ درصد از اعضای واواک و ۶۷ درصد از پاسداران به موسوی رای داده بودند.

حاکمان مستبد اگر از انتشار اخبار و اطلاعات ترس و وحشت ندارند چرا مانع از انتشار آنها می شوند و اگر دارند بهتر است که فکری به حال درزهای اطلاعاتی خود بنمایند که به نظر می رسد اگر قرار باشد که مست گیرند در شهر هر آنچه هست گیرند.

۱۶- کنترل پیام های کوتاه و اخلاص در تلفن های همراه:

معمولا در هر کشور آزاد و دموکراتی، تلاش مسئولان مخابرات بر بهتر کردن وسائل ارتباط مردم با یکدیگر است. اما در کشورهایی که رژیمهاشان همواره در ترس از سقوط به سر می برند، تا می توانند مانع ایجاد می کنند که مردم با یکدیگر ارتباط نگیرند. گرداندگاه رژیم ولایت مطلقه در ایران نیز از جمله حاکمانی هستند که وجود ارتباط آزاد میان مردم از طریق تلفن همراه و ارسال پیام های کوتاه را خطری عمده برای ادامه حیات خود می شمارند.

بنا بر همین ترس است که پاسداران حاکم بر مخابرات ایران به محض نزدیک شدن روزهای حساس، دست به کار اخلاص در ارسال پیام های کوتاه توسط مردم به یکدیگر می شوند. با ایجاد موانعی و قطع دکل های مخابراتی در مناطقی که قرار است در آنها تجمعات بر پا شوند، کار کنترل تظاهرات را انجام می دهند. در بسیاری موارد دیده شده که کنترل مکالمات مردم بدون هیچگونه دستور قضایی از سوی این نیرو برای آگاهی از برنامه های گروهی مردم صورت می گیرد و در بسیاری موارد این کنترل موجب دستگیری مکالمه کنندگان می شود.

«آزاد ترین کشور جهان»، به قول دروغگوی بزرگ احمدی نژاد کارش در جایی رسیده که برای ممانعت از ارتباط مردم و کاهش خطر سقوط دست به هر کار خلاف و غیر اخلاقی در امور خصوصی و شخصی مردم از طریق شنود مکالمات می زنند.

۱۷- تغییر شعارها و تند شدن آنها:

به تدریج هر چه از ۲۲ خرداد دورتر می شویم و حاکمان مستبد بر سرکوب مردم اصرار می ورزند، شعارهای مردم بر ضد عامل اصلی کودتا و فرمانده مشخص این سرکوب ها - تجاوزات - قتلها و ترورها، یعنی خامنه ای، شدید تر می شود.

در روزهای اول برگزاری اعتراضات مردم تنها به دنبال به دست آوردن رای خود بودند که با دستور سرکوب و قتل جوانان از سوی سید علی خامنه ای مواجه شدند. در روزهای بعد دیگر مردم شعار رای ما را پس بده نمی دادند و به جای آن، از

شعار مرگ بر این دولت مردم فریب و مرگ بر دیکتاتور استفاده می کردند. با گذشت زمان و شدت سرکوبها و افشای عامل اصلی و پشت پرده این جنایات که همانا سید علی خامنه ای بود مردم نوک تیز حملات خود را متوجه وی ساختند و در شعارهای مراسم بعدی، مرگ بر خامنه ای را افزودند. در روز ۱۶ آذر هنگامی که شعار «مرگ بر ستمگر - چه احمدی چه رهبر»، را سر دادند، سید علی خامنه ای و یاران وی متوجه شدند که چه خطبی را مرتکب شده اند. اما دیگر دیر شده است و هیچ کاری از دست هیچ کس بر نمی آید. حتی وسط باز بزرگ، هاشمی رفسنجانی نیز بعید است که بتواند ضربه ویرانگری را رفع و رجوع کند که خامنه ای به «نظام ولایت فقیه» وارد کرده است.

شدت یافتن شعارهای مردم بیاتگر ریخته شدن ترس از نظام سراپا مسلح است. و نیز، وحشت سران رژیم را از برخورد شدیدتر با مردم آشکار می کند. این ترس در جریان چند راهپیمایی آخر، به خوبی دیده شد زیرا نیروهای بسیجی - انتظامی و سپاهی دیگر قادر به استفاده از اسلحه و کشتار نیستند و متوجه شده اند که این بار ممکن است که با مشت محکم مردم روبرو شوند و بر سرعت سقوط رژیم بیفزایند.

۱۸- گسترش تظاهرات در خیابانهای اطراف بیت رهبری:

هنگامی که تظاهرات مردم و دانشجویان در سال ۱۳۷۸ در حال برگزاری بود، سردار رحیم صفوی فرمانده وقت سپاه پاسداران اعلام کرد که خط قرمز ما خیابان انقلاب است و اگر مردم به سمت خیابانهای پایین انقلاب بیایند و تظاهرات کنند، آنها را به گلوله می بندیم. این در حالی بود که همان فرمانده سپاه در آن روزها مدعی نابودی امریکا و یا هر کشور حمله کننده ای به ایران بود.

در تظاهرات روز ۱۶ آذر ماه امسال، برای اولین بار، معترضین بدون ترس از نیروهای نظامی و محافظین بیت رهبری حرکت خود را به خیابانهای پایین تر از انقلاب بسط دادند و سراسر خیابان جمهوری حدفاصل خیابان کارگر و فردوسی را در اختیار خود گرفتند و شعارهای ضد خامنه ای و ضد حکومتی را سر دادند تا که به گوش خامنه ای برسد.

این برای اولین بار بود که مردم اعتراضات خود را به خیابانهای پایین تر از انقلاب می کشاندند و نیروهای انتظامی آنقدر وحشت زده شده بودند که در یک عملیات دیوانه وار کلیه پاساژهای حدفاصل خیابانهای کارگر و فردوسی را با گلوله های گاز اشک آور مورد حمله قرار دادند در حالی که در این پاساژها مردم عادی مشغول به کار بودند اما ترس نظامیان از گسترش هر چه بیشتر تظاهرات، به این کار وادارشان می کرد.

۱۹- حرکت ظاهری به سوی آرامش:

ترس و وحشت نظام از اختلافات درونی و عدم توانایی در مقابله با وحدت مردم موجب شد که رهبری و حامیان وی به این فکر بیفتند که شرایط ظاهری وحدت را به وجود آورند.



همه جا کربلا و همه روز عاشورا است

در روزهای قبل از جنبش ۱۶ آذر، برخی اخبار وشایعات صحبت از نزدیکی گروهها و افراد مختلف حامی کودتا و رهبری به یکدیگر می کردند. در برخی اخبار صدا و سیما و گزارشات، از کنار هم قرار گرفتن برخی چهره های مخالف صحبت می شد تا شاید این نمایش ها مردم را به خطا انداخته و آنان را معتقد به رفع اختلافات در رژیم کند.

اما مردم ایران به خوبی در سالهای اخیر، با فریبهای سران رژیم آشنا شده اند و دیگر این امید واهی را به خود راه نمی دهند که مثلا با اجرای پیشنهاد لاریجانی یا هاشمی رفسنجانی و ... رژیم تغییر ماهیت می دهد.

مردم ایران به خوبی متوجه عامل اصلی تحقیر و عقب ماندگی خود و ایران که همانا سید علی خامنه ای و رژیم ولایت فقیه است، شده اند و به کمتر از حذف وی رضایت نخواهند داد. بنابراین، مصاحبه ها و شعارهای ظاهری و مردم فریب دیگر کاربرد خود را از دست داده اند.

۲۰- فریاد الله اکبر:

در شب مراسم ۱۶ آذر، باردیگر فضای برخی از مناطق شهر تهران، با فریاد الله اکبر، چهره امیدوار کننده ای را به خود گرفت.

فریاد الله اکبر شهروندان و مبارزان تهرانی آنقدر رسا بود که انسان رابه یاد روزهای اول بعد از کودتای ۲۲ خرداد می انداخت. رسا بودن این فریاد در شب تار تهران خواب کودتاجیان را آشفته ساخت به گونه ای که اخبار و اطلاعات از برخورد برخی نیروهای لباس شخصی با مردم به دلیل وسعت این فریاد رسای آزادبخوانان اطلاع می دهد.

رژیم حاکم بر ایران در ماههای اخیر به شدت از فریاد الله اکبر مردم به وحشت افتاده است به گونه ای که در برخی مواقع از راه فریب و دغلكاری عده ای از بسیجیان را وادار می کند که با روشن کردن بلندگوی مساجد و پایگاههای بسیج و فریاد الله اکبر به مردم بگویند که این فریاد ها ناشی از نیروهای بسیجی است. این خدعه را در شب قبل از ۱۶ خرداد در برخی مناطق تهران بکار بردند. اما نه وارد شدن به خانه هائی که از بامهایشان فریاد الله اکبر بر می خاست و ضرب و جرح ساکنان آنها و نه این خدعه، کارگر نشد. مردم ایران، با سردادن فریاد الله اکبر، به دنیا می گویند: رژیمی که اسلام را وسیله قدرتمنداری کرده است، ضد اسلام و ضد استقلال و آزادی انسان و ضد استقلال ایران است.

انقلاب اسلامی: در فرصتی دیگر، علائم دیگر ادامه جنبش از نظر خوانندگان خواهند گذشت. در دهه اول محرم که در گذشت آیت الله منتظری هم زمان شد با سوگواری شهیدان کربلا، خامنه ای از مردم عنوان «یزید زمان» گرفت. برغم درخواستهای سازمانهای مدافع حقوق بشر، از جمله سازمان عفو بین المللی، مافیاهای مأمور سرکوبهای خیابانی، به دستور «یزید زمان» به اجتماعات مردم، در تهران و شهرستان ها وحشیانه هجوم بردند. قسمتی دیگر از مطالعه در باره مافیاهای مأمور سرکوبهای خیابانی را در زیر، از نظر خوانندگان می گذرانیم:

مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی

۷ -

* حامیان پاسدار مافیاهای مأمور سرکوبهای خیابانی:

گروه چماقداران مأمور اجرای دستورهای سران رژیم مافیاها، اکثر اوقات، نیازمند حمایت شدن از سوی سپاه و نیروی انتظامی هستند. زیرا، بدون این حمایت، با توجه به توانایی مردم، خود توان انجام دستورها را ندارند. به همین دلیل، آنها در بیشتر اوقات، بهنگام حمله، از حمایت سرداران سپاه و نیروی انتظامی برخوردار می شوند.

در رابطه با سران سپاه، در بخش معرفی باند نظامی حامی ولایت مطلقه توضیح کافی داده ایم. در این بخش، تنها به معرفی تعدادی از سرداران حامی مافیاهای مأمور سرکوبهای خیابانی، بسنده می کنیم:

۱ - سردار محمد باقر ذوالقدر - از جمله سرداران حامی مافیاهای مأمور سرکوبهای خیابانی است. از ابتدای انقلاب و حتی در زمان جنگ، این سردار خیانتکار کاری به جز سرکوب مردم و دانشجویان و دیگر اقشار نداشت. این سردار خشونت طلب به دلیل خشونت طلبی بیمارگونه اش، از سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی جدا و وارد سپاه پاسداران گشت. او مدتها کارش تشخیص کسانی بود که می باید ترور می شدند. چون در سپاه، قدرت یافت، در صحنه های مختلف خشونت را روش کرد. از جمله، با استفاده از امکانات سپاه، از مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی، حمایت به عمل آورد. در شهرهای مختلف، هر نوبت که رژیم خشونت بکار می برد، ذوالقدر از آمران جنایت بود.

و باز، سردار محمد باقر ذوالقدر و برخی دیگر از فرماندهان سپاه پاسداران در سالهای اخیر، کاری به جز تقلب در انتخابات و تدارک اسباب سلطه مافیاهای نظامی - مالی بر سرنوشت مردم نداشته اند. او سالها فرماندهی بسیج را در سرکوب های خیابانی، همراه با سردار محمد حجازی، بر عهده داشت. و بعد از آن مدتی وارد کار سیاسی در وزارت کشور گردید و معاونت امنیت کشور را بر عهده داشت در آن زمان ایشان اکثر نیروهای چماقدار را وارد نیروهای انتظامی نمود تا از توان آنها برای تسلط بر خیابانها استفاده نماید و بعد از مدتی به دلیل رقابت در قدرت از معاونت وزارت کشور حذف و بار دیگر به سپاه پاسداران بازگشت.

محمد باقر ذوالقدر که این روزها جانشین فرمانده سپاه پاسداران است در ارتباط با «پیروزی» احمدی نژاد، در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴، در همایش فرماندهان بسیج اداری، کارگری و اصناف سراسر کشور گفته بود: «نیروهای اصولگرا بجمدانته با طراحی درست و چند لایه توانستند در یک رقابت واقعی و تنگناکنک، حمایت اکثریت مردم را به خدمتگزاری بیشتر و مؤثر تر به آنها جلب نمایند.»

۲- سردار محمد حجازی - حسین زاده - از سرداران حامی مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی است. او سالها در امر ضرب و شتم مردم شرکت مستقیم داشت. او فرمانده نیروهای بسیج بود و با داشتن اجازه وارد کردن نیروهای لباس شخصی بسیج به عملیات سرکوب مردم، اوامر آیت الله جنتی را ضرب و جرح مردم اجرا می کرد.

۳- سردار حسین الله کرم از فرماندهان دوزیسته است هم از سران مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی است و هم عضو سپاه است. این سردار مورد اعتماد «رهبر»، از مأموران برقرار کننده ارتباط خامنه ای با این مافیاها است. حضور مرتب وی در «بیت رهبری» و همکاری و رفاقت بسیار نزدیک وی با شخص «رهبر» و میر حجازی او را در موقعیتی قرار داده است که هم اوامر «رهبر» را به نحو احسن اجرا می کند و هم جیب خود را خوب پر می کند.

عضو سپاه است و با داشتن مدرک دکتری قلابی، درجه سرداری یافته است و با داشتن این درجه، به راحتی از سپاه در امر سرکوب های خیابانی استفاده می کند.

حسین الله کرم که در برخی از مجامع به حسین دیوانه یا محمد دیوانه معروف است، در بسیاری از اعمال شنیع و جنایتها و فسادها شرکت دارد. پرونده این جنایتکار، انباشته از گزارشهای قتل و تجاوز به عفت و ضرب و جرح منجر به قتل و ... است.

۴ - سردار محمد رضا نقدی از سرداران دو زیسته و اینک فرمانده بسیج است. او هم عضو سپاه است و هم از سران مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی است. وی رهبری گروهی از پاسداران و مأموران اطلاعاتی را در چندین فقره سرقت منجر به قتل و تجاوز را عهده دار بوده است.

این شخص مورد اعتماد خامنه ای است. او سالها از مریدان «رهبر» و رازینی و میر حجازی بوده و در برخی از ترورها و جنایت شرکت مستقیم داشته است.

حضور وی در نیروی انتظامی و دخالت دادن نیروهای تحت امر خود در سرکوب های خیابانی، به خصوص ترور عبدالله نوری و ضرب و شتم مهاجرانی از جمله جرائم افشا شده وی در دوره فرماندهی وی بر حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی هستند. دستگیری و شکنجه شهرداران تهران نیز از جمله جرائم او بود که با حمایت خامنه ای، انجام داد.

این سردار عراقی رانده شده به ایران در زمان ریاست جمهوری احمدی نژاد تا پست معاونت ریاست جمهوری نیز پیش رفت. او این ترفیع برغم نقشی یافت که در ضمن سرقت های مسلحانه وی و دیگر افراد سپاه و انتظامی و اطلاعاتی، مرتکب چندین فقره تجاوز و قتل شده بودند.

۵ - سردار محمد کوثری - از سرداران سپاه است. او «نماینده» مجلس مافیاها نیز هست. وی از جمله سرداران حامی مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی بود. سالها لشکر تحت امر خود را در حمایت از درگیری های خیابانی بکار می برد و آنها را مأمور ضرب و شتم دانشجویان و مردم می گماشت.

۶ - سردار فرهاد نظری کسی است که گروه حمله به خوابگاه دانشگاه تهران را، در ۱۸ تیر ۷۸، فرماندهی کرد. وی از جمله سردارانی بود که نیروهای تحت امر خود را، در حمایت از مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی، در عملیات ۱۸ تیر بکار برد.

این سردار بعدها اعتراف کرد که به دستور آیت الله یزدی و هدایت الله لطفیان مبادرت به این کار کرده است.

۷ - سردار هدایت الله لطفیان - از سرداران حامی مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی است. او سالها در مقام ریاست نیروی انتظامی کار حمایت از این مافیاها را در درگیری های خیابانی بر عهده داشت. آخرین مورد آن حمله به خوابگاه دانشگاه تهران بود.

۸ - سردار احمدی نژاد - رییس جمهور فعلی ایران که از گردانندگان مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی بود. از ابتدای انقلاب، او وارد گروه مأمور سرکوبهای خیابانی شد. در عین حال، عضو سپاه بود. وی سالهای ابتدای انقلاب را تحت نظر ابراهیم اسرافیلیان و حسن آیت در کنار مجتبی هاشمی ثمره و علی احمدی کار خود را با سرکوب دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت و «انقلاب فرهنگی» آغاز کرد و تا سردبیری نشریه جیغ و داد ارتقاء یافت. در واقع، او زندگی سیاسی خود را تحت رهبری باندی آغاز کرد که در خط سید ضیاء (وابستگی به انگلستان و خدمتگزاری به استبداد وابسته) بودند. امروز معلوم است که این باند، پیشاپیش، یعنی هم از زمان سقوط رژیم شاه، طرح تعطیل دانشگاهها و تحمیل ولایت فقیه را به قصد جلوگیری از استقرار دموکراسی داشته اند.

احمدی نژاد، در زمان جنگ، به خدمت قرارگاه های نظامی در کردستان و آذربایجان غربی در آمد و در ترورها شرکت کرد. او سپس، به مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی باز پیوست و به ضرب و جرح مردم در خیابانهای ولی عصر و نارمک تهران مشغول بود. در عین حال، شغل ترور شخصیتهای فکری و سیاسی در خارج و داخل کشور را از دست نداد. او متهم است که در قتل دکتر کاظم سامی و نیز قتل قاسملو و دکتر فاضل رسول و قادری در وین شرکت داشته است. با این سوابق، در دوره خاتمی، او را شهردار تهران کردند و سپس، با تقلب در انتخابات، به ریاست جمهوری رساندند. در انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸، تقلب بزرگ را مرتکب شدند و او را برای بار دوم، رئیس جمهوری گرداندند. او اغلب سران مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی را به کار گمارد و دولتی را که هاشمی رفسنجانی بدان صفت تروریست داده بود، دولت پلیسی نیز گرداند.

۹ - سردار نوجوان - از اعضای سپاه پاسداران است. او از مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی نیز هست. وی از بچه های مسجد شهدا می باشد که در ترورهای داخلی نیز از شرکت فعال داشته است. او هم اینک در بازسازی کربلا و نجف مشغول به کار است.

۱۰ - سردار مسعود صدر الاسلام از فرماندهان و سرداران نیروی انتظامی و از جمله افرادی است که در بسیاری

از سرکوب های خیابانی شرکت داشته است. او از حامیان مافیاهای مأمور سرکوبهای خیابانی است و از نیروهای تحت امر خود جهت حمایت این مافیاها، نهایت استفاده را کرده است. ۱۱ - سردار مهدی کوچک زاده - از سرداران سپاه که حامی باند انصار حزب الله بود و در کنار این گروه مشغول به کار و توجیه گر جنایات آنها بود. در حال حاضر، وی از جمله توجیه گران و سخنرانان این گروه است و در عین حال نمایندگی مجلس مافیاها را نیز بر عهده دارد.

۱۱ - حکیم - نعمت الله - سوری - از نیرو های رده بالای انصار حزب الله است. قرار بود عبدالله نوری را به قتل برساند. او فرماندهی آموزش ستاد مشترک سپاه در تهران و مسوول عملیات لشکر ۱۰ نیروی مخصوص سپاه شهدا، فرمانده گردان سلمان فارسی از لشکر ۲۷ حضرت رسول و فرماندهی رزم در لشکر مخصوص سید الشهداء را بر عهده داشته است. او دوست ده نمکی و مشاور وی در فیلم اخراجی ها بوده است.

۱۲ - فرج الله مرادیان از افراد سپاه و شاغل در گروههای ضرب و شتم مردم است. وی در جریان ترور عبدالله نوری فعال بود اما تیم ترور موفق نشد. آنها در جریان ضرب و شتم وزرای دولت خاتمی (عبدالله نوری و مهاجرانی) در نماز جمعه شرکت داشتند و برای چند ساعت نیز دستگیر شدند و اما با فشار بیت خامنه ای آزاد شدند.

۱۳ - سید حسین بتولی سردار نیروی انتظامی و از معاونان این نیرو که همواره در حمایت از مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی شرکت داشته است.

۱۴ - سردار مجتبی ذوالنور فرمانده سپاه امام صادق و معاون نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران است. او از سران مافیاهای مأمور سرکوبهای خیابانی است و استان قم و استانهای اطراف در قرق چماقداران او و سپاه می باشند. این حجت الاسلام چماقدار در کلبه حملات به بیوت آیات عظام قم به خصوص منتظری و آذری قمی، شخصا شرکت و فرماندهی عملیات را بر عهده داشته است.

۱۵ - سردار آخوند حسین طائب - نماینده ولی فقیه در بسیج سپاه پاسداران بود. در تقلب بزرگ در انتخابات ۲۲ خرداد و سرکوب خونین مردم در جنبش شرکت داشت. خامنه ای او را مسوول اطلاعات سپاه کرد و او از سازندگان صحنه های تلویزیونی بقصد لوذ کردن جنایتهای رژیم نیز هست. تازه ترین صحنه، صحنه پاره کردن و آتش زدن عکس خمینی بود.

* حامیان رسانه ای:

مافیاهای مأمور سرکوبهای خیابانی، چه قبل از حمله و چه بعد از حمله (آتش زدن - کتک زدن - ...) می بایست کارهای خود را از طریق نشریات و خبرگزاری ها به شکل قانع کننده، به اطلاع عموم برسانند. به همین دلیل نیازمند حمایت ارباب مطبوعات و رادبو - تلویزیونند.

در زیر، برخی از ارباب مطبوعات در خدمت مافیاها را معرفی می کنیم. از آنجایی که مافیای رسانه ای را در

جای خود معرفی کرده ایم، در این جا، اسامی برخی از آنها را می آوریم:



تصمیم، بر مسئولان کشورهای جهان آشکار است:

آمریکا و روسیه و اروپا و بمب اتمی ایران؟

پیش از این گفته می شد رژیم ایران می خواهد بر تکنولوژی ساخت بمب اتمی دست یابد و آن را بسازد و حالا می خواهد بمب اتمی را بسازد:

نیویورک تایمز (۲۵ دسامبر ۲۰۰۹) گزارشی را منتشر کرده است واجد این نکات:

- تا بحران اخیری که ایران در آنست، کارشناسان بر این نظر بودند که ایران قصد دارد بر تکنولوژی ساخت بمب اتمی دست یابد بی آنکه آن را بسازد. اما در حال حاضر، دیگر کسی مطمئن نیست که این نظر صحیح باشد.

- نزاع سیاسی میان نخبه ها و جنبش مردم ایران و مشاهده رفتار رژیم در قبال بحران داخلی، کارشناسان را به این نتیجه رسانده است که تصمیم گیرندگان دیگر توانائی همکاری با غرب را ندارند. زیرا متهم می شود که تسلیم غرب شده است.

- این تمایل رژیم ایران به اتخاذ روشی سخت سرانه تر کوشش پرزیدنت اوباما را در گشودن باب گفتگو با رهبران ایران، بی حاصل می کند. تعیین مهلتی برای ایران که تا سر رسید آن، با کشورهای ۵ + ۱ بر سر مسئله اتمی، به راه توافق بیاید، تنها بکار مقرر کردن مجازاتهای شدید تر علیه ایران می آید. و بسیاری از کارشناسان از آن بیم دارند که وضع این مجازاتها دولت را به انحصار سخت سران رژیم ایران در آورد.

- رسول نفیسی، محقق در دانشگاه ویرجینیا می گوید: سپاه پاسداران بر دولت مسلط گشته است. از زمان انتخابات ریاست جمهوری، بی باک تر شده است در سلطه جوئی بر دولت و خشن تر گشته است در سرکوب گری. با توجه به سلطه سپاه بر دولت و رفتار کنونی، در باره سمت یابی فعالیت اتمی ایران می باید با احتیاط بیشتر اظهار نظر کرد.

- کارشناسان امور ایران و دیپلماتهای اروپائی می گویند: این بدان معنی نیست که ایران در تدارک مقدمات خروج از پیمان منع گسترش سلاح اتمی است و یا می خواهد بمب اتمی بسازد و خود را دولتی دارای بمب اتمی بخواند. یعنی همان کار را بکند که دولت کره شمالی کرد. اما ایرانیان جانبدار رویارویی تمام عیار با غرب، در رژیم ایران، دست بالا را پیدا کرده اند.

در صفحه ۱۰

همه جا کربلا و همه روز عاشورا است

سازمان میراث فرهنگی بوده است. در این سازمان، او قائم مقام خود را از این مافیاهای انتخاب کرده است. نام معاون او، بقایی است.

۳۵- حسین ساری بیات - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی.

۳۶- محمد صادق اوسطی - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی.

۳۷- حسین رضی - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی.

۳۸- مصطفی میریان - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی.

۳۹- عطاء الله ملکیان - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی.

۴۰- جعفری جلوه - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی.

۴۱- محمد جعفر صافی - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی.

۴۲- حمید طالب زاده - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی.

۴۳- حسین فدایی - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی.

۴۴- حجت الاسلام حسین اربابی فر - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی.

۴۵- مجید آخوندی - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی.

۴۶- خوشدل - پور محمدی - از اعضای بلند پایه رسانه ای و ترور مافیاهای حامی رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی.

۴۷- یزدانی - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی.

۴۸- محمد سرفراز - از حامیان رسانه ای باند سرکوب های خیابانی.

۴۹- عبدالحمید هاشمی - از حامیان رسانه ای باند سرکوب های خیابانی.

۵۰- علی محمدی - محمد حسن - زورق - از اعضای باند رسانه ای ولایت مافیاهای مسئول صدا و سیما ولایت در لندن که در امور مربوط به ترور و حمله به دانشجویان و خرید های نظامی دخیل است.

۵۱- ایرج شکر فخری - از حامیان بزرگ رسانه ای و گزینشی مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی.

۵۲- مهدی کلهر - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی و معاون رییس جمهوری.

۵۳- محمد هاشم رهبری - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی.

۵۴- الهیاری - احمد خراسانی عضو باند رسانه ای روزنامه کیهان و حامی مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی که فوت کرد.

انقلاب اسلامی: رژیم در جنگ با ملت و گرفتار تضاد خصومت آمیز در درون خود، درماندگی خویش را در سیاست خارجی است که آشکار می کند. در همان حال که می خواهد به بحران اتمی ادامه دهد و بلکه آن را تشدید کند، از تشدید بحران می ترسد زیرا وضعیت دیگر وضعیت پیش از جنبش نیست و بوش نیز رئیس جمهوری آمریکا نیست. پس بحران خارجی نمی تواند جامعه را از حرکت بازدارد. ناتوانی رژیم از گرفتن

های خیابانی و از تواین ابتدای انقلاب است. او در نشریات صبح و یا لئارات الحسین، بکار توجه خشونت مشغول است.

۲۰- مسعود ابوطالب - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی در صدا و سیما است.

۲۱- حسن شیخ عطار - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی است. او سفیر ایران در آلمان شد.

۲۲- حسین شیخ عطار - از حامیان بزرگ مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی و ترورهای خارج از کشور است. او در قتل دکتر بختیار نیز شرکت داشته است.

۲۳- عبدالصالح کهزادی - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی است.

۲۴- حسین خجسته - برادر زن «رهبر»، از حامیان رسانه ای ومالی مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی است. وی جرم برادران افراشته و خوشکوش شریک بود: از افرادی بود که از طریق غیر قانونی با کمک خوشکوش موبایل از دویی وارد می کرد و در بازار آزاد به برادران افراشته می فروخت که در دادگاه به اثبات رسید.

۲۵- سید محسن مهاجرانی - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی.

۲۶- مجتبی هاشمی ثمره - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی خواهر زاده باهنر و باجناب زربیافان و مددی است. اوسالها در این بخش حمایت مالی و رسانه ای از این مافیاهای را از سوی رهبری بر عهده داشت. او هم اینک با پست معاون ریاست جمهوری در کنار معاون دیگر رییس جمهور زربیافان به کار حمایتی از این مافیاهای مشغول است.

۲۷- رحمانی فضلی - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی. او سالها در پست معاونت علی لاریجانی در صدا و سیما قرار داشت و سپس به معاونت وی در شورای امنیت ملی رسید. اینک، از سوی انصار حزب الله مشهد «نماینده» مردم مشهد شد و وارد مجلس شد.

۲۸- محمد هنردوست - از بازجویان و شکنجه گران ابتدای انقلاب که بعدها وارد مافیای رسانه ای شد و سالها در حمایت از مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی کار کرد.

۲۹- مجتبی اعلائی - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی.

۳۰- مهدی ارگانی - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی.

۳۱- سعید فانیان - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی از سالها قبل تا به حال در صدا و سیما رژیم ولایت مافیاهای مشغول بکار است.

۳۲- محمد مهدی حیدریان - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های مأمور سرکوب های خیابانی.

۳۳- محمد جهانی - از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی.

۳۴- اسفندیار رحیم مشاعی - پدر عروس احمدی نژاد و از حامیان مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی چه در دوران شهرداری گری احمدی نژاد و چه در دوران ریاست خود بر

داشت و از سران این مافیاهای به حساب می آید.

۱۱- مهدی سلیمی نمین - مهدی ذوالفقاری - از مدیران مسئول نشریات وابسته به مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی و از معاونان واواک است. او حامی بزرگ این مافیاهای می باشد. در واواک، او معاونت طرح و برنامه ریزی را برعهده داشت و زمانی مدیر مسئول کیهان هوایی بود.

۱۲- حسن رحیم پور ازغدی - از بزرگان باند رسانه ای حامی مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی است. او در بسیاری از جلسات توجیحی این مافیاهای و نیروهای زیر مجموعه در بسیج و سپاه مشغول به کار است.

۱۳- علی حسین پناه - از بزرگان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی است. او با نوشتن مطالب در توجیح خشونت، تلاش دارد عملیات سرکوب گرانه این مافیاهای را اسلامی جلوه دهد. او سالها در وزارت سپاه و وزارت اطلاعات در کار بولتن سازی مشغول به کار بود و از نویسندگان بزرگ نشریه صبح وابسته به مهدی نصیری از مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی بود.

۱۴- مرتضی انبار لویی - سردبیر نشریه رسالت و همکار ودوست نزدیک مرتضی نبوی و در شمار حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی می باشد. او در حمایت از این گروه سخت کوش است.

۱۵- محمد مهاجری از نویسندگان روزنامه کیهان و از حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی.

۱۶- رضا ملکیان - از باند رسانه ای مأمور سرکوب های خیابانی است. او اخیرا به معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد و معاون سردبیر سابق روزنامه کیهان در این وزارتخانه شد و بسیاری از اعضای این مافیاهای را در این معاونت به کار بولتن سازی گرفت. او و صفار هرنندی بودجه مصوبه ۶۰ میلیارد تومانی مطبوعات در سال ۸۵ را به ۳۰ میلیارد تومان در سال ۸۶ کاهش دادند. در سال ۸۷، این پارانه مطبوعاتی را به ۱۳ میلیارد تومان کاهش دادند. اما امری که مشخص است این است که این بودجه از دولت دریافت می شود اما به گروههای خاص داده می شود که آقای هرنندی و شریعتمداری و دیگران تعیین می کنند.

۱۷- محمد علی رامین - از اعضای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی و از سرپرستان حمله کنندگان به دانشجویان و مردم در خیابانهای سراسر کشور می باشد. این عضو رسانه ای حامی مافیاهای در نوشته های خود تقسیم بندی جدیدی در مورد گروههای مشرک - منافق - مذدب و ... ترتیب داده است. بر اساس تقسیم بندی، مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی با مردم برخورد می کنند.

۱۸- حسین انتظامی - از حامیان مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی، در مطبوعات است. او که زمانی در شورای امنیت ملی و صدا و سیما مشغول به کار بود، بعدها سرپرست نشریه جام جم شد. در این نشریه حمایت های بسیار از این مافیاهای بعمل می آورد.

۱۹- شهریار زرشانس - از اعضای رسانه ای حامی مافیاهای مأمور سرکوب

۱ - سردار صفار هرنندی از جمله حامیان مطبوعاتی و سپاهی مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی است. او در روزنامه کیهان بود و بعد، وزیر اطلاعات و ارشاد در حکومت احمدی نژاد شد.

۲- حسین شریعتمداری مدیر مسئول روزنامه کیهان و از سران مافیای رسانه ای است. او حامی بزرگ مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی محسوب می شود. بسیاری از نشریات مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی، با کمک مالی و قلمی حسین آقا منتشر می شود. مؤسسه کیهان کار چاپ آنها را انجام می دهد.

۳- مهدی نصیری - از اعضای مهم رسانه ای حامی مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی است. او سالها با انتشار نشریه صبح کار آموزش عقیدتی - سیاسی اعضای این مافیاهای را عهده داشت.

۴- علی لاریجانی - سردار سپاه که به مدت حدود ۱۰ سال کار رسانه ای و معرفی و حمایت این مافیاهای را از طریق صدا و سیما بر عهده داشت و این مافیاهای را به سوی نشانی های داده شده و تقلب در انتخابات و حمله به مراکز و افراد مختلف راهنمایی می کرد. او اینک رئیس مجلس مافیاهای است.

۵- عزت الله ضرغامی رئیس کنونی صدا و سیما است. از تقلب انتخاباتی ۲۲ خرداد بدین سو، صدا و سیما را یکسره بخدمت مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی در آورده است. در خور یادآوری است که برخی از اعضای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی و ترور در صدا و سیما مشغول به کار هستند.

۶- مرتضی نبوی سرپرست نشریه رسالت و در شمار حامیان مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی می باشد. نبوی و کلیه نیروهای وابسته به هیات مولفان اسلامی و جامعه اسلامی مهندسین همواره در کار اطلاع رساندن و نشانی دادن به مافیاهای و توجیه جنایات آنها، بوده اند.

۷- محمد رضا ترقی - تازه به دوران رسیده و عضو هیات مولفان اسلامی است. او زمانی مسئولیتی در میان نشریات وابسته به این گروه داشت. هزینه نشریه شما که در جهت حمایت از مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی انتشار یافت، از سوی هیات مولفان اسلامی و باندها تأمین می شد.

۸- مسیح مهاجری - این حجت الاسلام حامی ولایت فقیه که مدیر مسئولی نشریه جمهوری اسلامی را نیز بر عهده دارد از جمله حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی می باشد.

۹- محمد رضا باهنر - از جمله حامیان رسانه ای مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی میباشد. او در برخی از نشریات به حمایت علنی از این مافیاهای می پردازد.

۱۰- مسعود ده نمکی - از افراد دو زیسته، سپاهی و مافیاهای مأمور سرکوب های خیابانی است. بعد ها، او وارد گود رسانه ای این مافیاهای شد و نشریاتی مانند جبهه و دو کوهه را منتشر ساخت. اما به تیغ سانسور یاران خود گرفتار گشت و توقیف شد. سپس، به فیم سازی پرداخت. از جمله، فیلمی را به نام فقر و فحشا از وضعیت نظام تهیه کرد. به خاطر این فیلم، او مورد انتقاد باران خود قرار گرفت.

آقا مسعود به جز در اختیار داشتن نشریات هموار در امور مربوط به ضرب و شتم دانشجویان - کارگران و معلمان و دختران و پسران وزنان شرکت فعال



حسین شریعتمداری، در روزنامه کیهان که محتوای آن بکار سخت

همه جا کربلا و همه روز عاشورا است

او این سخن را در پاسخ به این پرسش که آیا ژاپن جانشین روسیه در این باره خواهد شد، گفت.

کشورهای ۵ + ۱ در گفتگوهاشان با ایران بجای نرسیده اند. این دولت‌ها از خود می پرسند چگونه می توان مانع از جنگ در خلیج فارس شد و در همان حال، اجرای برنامه اتمی ایران را متوقف کرد. ژاپن که کشوری گرسنه انرژی است و بیشتر نفت خود را از کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس وارد می کند، برای خود حق ایفای نقش در حل مشکل اتمی ایران قائل است.

با آنکه پیشنهاد مدونی از سوی ژاپن ارائه نشده است، اما سفر جلیلی به توکیو و اظهار آمادگی ژاپن برای همکاری با ایران در زمینه استفاده صلح آمیز از اتم، ارائه راه حلی موقت برای بیرون رفتن از بن بست است. ژاپن همه دلایل را برای مانع شدن از بروز جنگ در خلیج فارس دارد. در صورت بروز جنگ، اقتصاد ژاپن آسیبی سخت دید. از این رو، حکومت ژاپن می خواهد نقش دیپلماتیک مهمی در حل مشکل بازی کند. یوکیا آمانو، رئیس جدید آژانس بین المللی انرژی اتمی، ژاپنی است و آماده است با ژاپن و ایران در حل مشکل همکاری کند. آمریکا و اروپا نیز موافقت کرده اند، نقشی در حل مشکل اتمی ایران برعهده گیرد.

ایران نیز، از راه همکاری با ژاپن، می تواند از فشار بین المللی به خود بکاهد و بگوید در گفتگوهای خود با کشورهای غربی که تحت رهبری آمریکا با او گفتگو می کرده اند، کوتاه نیامده است. ایران و ژاپن زمینه اعتمادی به یکدیگر دارند. چرا که ژاپن بزرگ ترین وارد کننده نفت از ایران است و ایران سومین صادر کننده نفت به ژاپن است. همکاری با ژاپن، به ایران، امکان می دهد از وابستگی خود به روسیه بکاهد. ایران به روسیه وابسته است اما اعتماد ندارد. اسرائیل که ایران را تهدید به حمله نظامی می کند، راه حل ژاپن را مؤثر نمی داند اما آمریکا راه حل دیپلماتیک به ابتکار ژاپن را کارساز می داند. حتی چین نیز با ابتکار ژاپن موافق است زیرا جنگ در خلیج فارس، منافع این کشور را نیز به خطر می اندازد.

اما روسیه نظر مساعدی به ورود ژاپن به صحنه و برعهده گرفتن نقشی در مسئله اتمی ایران ندارد. هم بلحاظ این که به ژاپن اعتماد ندارد و هم بلحاظ این که روسیه ایران را بسان اهرم در روابط خود با آمریکا بکار می برد. نقش ژاپن روسیه را از این اهرم محروم می کند. با اینهمه، روسیه نیز جنبه مثبتی در مداخله ژاپن می بیند. زیرا نه اعتماد کافی دارد که ایران به تولید سلاح اتمی نپردازد و نه می تواند مشکل را حل کند.

اما روسیه نظر مساعدی به ورود ژاپن به صحنه و برعهده گرفتن نقشی در مسئله اتمی ایران ندارد. هم بلحاظ این که به ژاپن اعتماد ندارد و هم بلحاظ این که روسیه ایران را بسان اهرم در روابط خود با آمریکا بکار می برد. نقش ژاپن روسیه را از این اهرم محروم می کند. با اینهمه، روسیه نیز جنبه مثبتی در مداخله ژاپن می بیند. زیرا نه اعتماد کافی دارد که ایران به تولید سلاح اتمی نپردازد و نه می تواند مشکل را حل کند.

اما روسیه نظر مساعدی به ورود ژاپن به صحنه و برعهده گرفتن نقشی در مسئله اتمی ایران ندارد. هم بلحاظ این که به ژاپن اعتماد ندارد و هم بلحاظ این که روسیه ایران را بسان اهرم در روابط خود با آمریکا بکار می برد. نقش ژاپن روسیه را از این اهرم محروم می کند. با اینهمه، روسیه نیز جنبه مثبتی در مداخله ژاپن می بیند. زیرا نه اعتماد کافی دارد که ایران به تولید سلاح اتمی نپردازد و نه می تواند مشکل را حل کند.

اما روسیه نظر مساعدی به ورود ژاپن به صحنه و برعهده گرفتن نقشی در مسئله اتمی ایران ندارد. هم بلحاظ این که به ژاپن اعتماد ندارد و هم بلحاظ این که روسیه ایران را بسان اهرم در روابط خود با آمریکا بکار می برد. نقش ژاپن روسیه را از این اهرم محروم می کند. با اینهمه، روسیه نیز جنبه مثبتی در مداخله ژاپن می بیند. زیرا نه اعتماد کافی دارد که ایران به تولید سلاح اتمی نپردازد و نه می تواند مشکل را حل کند.

اما روسیه نظر مساعدی به ورود ژاپن به صحنه و برعهده گرفتن نقشی در مسئله اتمی ایران ندارد. هم بلحاظ این که به ژاپن اعتماد ندارد و هم بلحاظ این که روسیه ایران را بسان اهرم در روابط خود با آمریکا بکار می برد. نقش ژاپن روسیه را از این اهرم محروم می کند. با اینهمه، روسیه نیز جنبه مثبتی در مداخله ژاپن می بیند. زیرا نه اعتماد کافی دارد که ایران به تولید سلاح اتمی نپردازد و نه می تواند مشکل را حل کند.

اما روسیه نظر مساعدی به ورود ژاپن به صحنه و برعهده گرفتن نقشی در مسئله اتمی ایران ندارد. هم بلحاظ این که به ژاپن اعتماد ندارد و هم بلحاظ این که روسیه ایران را بسان اهرم در روابط خود با آمریکا بکار می برد. نقش ژاپن روسیه را از این اهرم محروم می کند. با اینهمه، روسیه نیز جنبه مثبتی در مداخله ژاپن می بیند. زیرا نه اعتماد کافی دارد که ایران به تولید سلاح اتمی نپردازد و نه می تواند مشکل را حل کند.

اما روسیه نظر مساعدی به ورود ژاپن به صحنه و برعهده گرفتن نقشی در مسئله اتمی ایران ندارد. هم بلحاظ این که به ژاپن اعتماد ندارد و هم بلحاظ این که روسیه ایران را بسان اهرم در روابط خود با آمریکا بکار می برد. نقش ژاپن روسیه را از این اهرم محروم می کند. با اینهمه، روسیه نیز جنبه مثبتی در مداخله ژاپن می بیند. زیرا نه اعتماد کافی دارد که ایران به تولید سلاح اتمی نپردازد و نه می تواند مشکل را حل کند.

اما روسیه نظر مساعدی به ورود ژاپن به صحنه و برعهده گرفتن نقشی در مسئله اتمی ایران ندارد. هم بلحاظ این که به ژاپن اعتماد ندارد و هم بلحاظ این که روسیه ایران را بسان اهرم در روابط خود با آمریکا بکار می برد. نقش ژاپن روسیه را از این اهرم محروم می کند. با اینهمه، روسیه نیز جنبه مثبتی در مداخله ژاپن می بیند. زیرا نه اعتماد کافی دارد که ایران به تولید سلاح اتمی نپردازد و نه می تواند مشکل را حل کند.

اما روسیه نظر مساعدی به ورود ژاپن به صحنه و برعهده گرفتن نقشی در مسئله اتمی ایران ندارد. هم بلحاظ این که به ژاپن اعتماد ندارد و هم بلحاظ این که روسیه ایران را بسان اهرم در روابط خود با آمریکا بکار می برد. نقش ژاپن روسیه را از این اهرم محروم می کند. با اینهمه، روسیه نیز جنبه مثبتی در مداخله ژاپن می بیند. زیرا نه اعتماد کافی دارد که ایران به تولید سلاح اتمی نپردازد و نه می تواند مشکل را حل کند.

سلطانو ایران را یک پتانسیل مثبتی ارزیابی کرد. از قرار مقصود او از نقش ایران در آسیای میانه و قفقاز بود. در این منطقه، ایران ایدئولوژی افراطی خود را که به خاورمیانه صادر می کند، صادر نمی کند. با توجه به حساسیت این منطقه از دید مسکو، رفتار ایران را ارزشمند می شمارد.

در کنفرانس اردن، یگنی پریمادو، نخست وزیر پیشین روسیه و کارشناس خاورمیانه، گفت: من بر این باور نیستم که ایران تصمیم گرفته است بمب اتمی بسازد. قول او نشان می دهد که میان نظر او با نظر اسرائیل، تا کجا اختلاف وجود دارد.

در حالی که اسرائیل و آمریکا و اروپا اصرار می ورزند که ایران قصد تولید بمب اتمی را دارد، روسیه هنوز بر این نظر است که دلیلی در دست نیست حاکی از این که ایران برآستی قصد تولید بمب اتمی را دارد. پریمادو می گوید: روسیه اطلاع مشخصی ندارد که ایران قصد تولید بمب اتمی را دارد. بسا چون ژاپن می خواهد توانائی تولید بمب اتمی را بدست آورد بدون اینکه آن را بسازد. یک مقام دیپلماتیک می گوید: این امر که روسیه می گوید دلیلی در دست نیست که ایران قصد تولید بمب اتمی را ندارد، بدین خاطر است که نمی خواهد ناگزیر از اتخاذ تصمیم سخت برای جلوگیری از تجهیز شدن ایران به بمب اتمی شود.

منابع دولتی اسرائیل می گویند: در باره مسئله اتمی ایران، چند طرز فکر در روسیه وجود دارند. این مقامات رد نمی کنند که ممکن باشد روسیه با تصویب مجازاتهای جدید علیه ایران موافقت کند. بسا با مجازاتهای سختی که آمریکا و اسرائیل موافقت نکردند اما با مجازاتهای خفیف تر از آن موافقت می کند.

یک مقام رسمی می گوید: اعتماد به نفس دولت ایران چندان نیست. برای نخستین بار، در وضعیتی است که هم از بیرون تحت فشار است و هم در درون، با مخالفت مردم روبرو است.

اما خبرگزاری چین گزارش می کند که چین همچنان بر این نظر است که وضع مجازاتها علیه ایران راه حل مشکل نیست.

یک مقام رسمی می گوید: اعتماد به نفس دولت ایران چندان نیست. برای نخستین بار، در وضعیتی است که هم از بیرون تحت فشار است و هم در درون، با مخالفت مردم روبرو است.

اما خبرگزاری چین گزارش می کند که چین همچنان بر این نظر است که وضع مجازاتها علیه ایران راه حل مشکل نیست.

یک مقام رسمی می گوید: اعتماد به نفس دولت ایران چندان نیست. برای نخستین بار، در وضعیتی است که هم از بیرون تحت فشار است و هم در درون، با مخالفت مردم روبرو است.

اما خبرگزاری چین گزارش می کند که چین همچنان بر این نظر است که وضع مجازاتها علیه ایران راه حل مشکل نیست.

یک مقام رسمی می گوید: اعتماد به نفس دولت ایران چندان نیست. برای نخستین بار، در وضعیتی است که هم از بیرون تحت فشار است و هم در درون، با مخالفت مردم روبرو است.

آمریکا، کار دیگر آنها است. و کسی نمی داند چند تن ربوده و به آمریکا برده شده اند.

هدف دیگر Xe جنگ با القاعده است اما در این کار چندان موفق نیست. هیلاری کلینتون، وزیر خارجه آمریکا تکرار می کند که اسامه بن لادن در پاکستان است. اما مدرک مشخصی ارائه نمی دهد. اگر در پاکستان است، چطور افراد کارکشته Xe که حقوق های کلان می گیرند، موفق به دستگیری یا کشتن او نشده است. Xe دلیلی قانع کننده ای برای ادامه حضورش در پاکستان ابراز نمی کند. من از آنها که به نظریه توطئه قائلند، نیستم. اما حضور Xe در پاکستان توجیه منطقی می طلبد. آنها که به تئوری توطئه قائلند می گویند هدف اصلی Xe بی ثبات کردن پاکستان و بقصد از میان برداشتن تأسیسات اتمی پاکستان است. زیرا اسرائیل و آمریکا از تجهیز بودن پاکستان به سلاح اتمی، آرام و قرار ندارند. من مدتی دراز با این نظریه به راه احتجاج رفتم. اما هرچه زمان گذشت و اطلاع بیشتر شد، کمتر توانستم بر مخالفت با این نظر بمانم.

روزنامه تکار پرزلی، پپ اسکوباز پر اینست که آمریکا می خواهد یک پستوستان متحد بوجود آورد. یعنی بخشی از پاکستان را جدا کند تا با پستوستان افغانستان یک کشور را تشکیل دهند. با این کار، پاکستان ضعیف می شود و پستون مستقل بوجود می آید.

باز پرسیم: نقش Xe در پاکستان چیست؟ هم آمریکا و هم پاکستان و هم خود Xe حضورش را در پاکستان تکذیب می کنند. اما ما همه می دانیم که Xe در پاکستان و مشغول بکار است. با توجه به مسئله اتم و تجزیه پاکستان و تضعیف آن، دیگر نمی توان گفت تنها بکارهایی از نوع کشتن و ربودن مظنون با تروریست بودن، مشغول است.

انقلاب اسلامی: بر کسی پوشیده نیست که اسرائیل، دست کم سه دهه است که سیاست خود را در خاورمیانه بر این نظریه بنا کرده است که کشورهای خاورمیانه موزائیک های از اقوام هستند. هرگاه این کشورها تجزیه شوند، اسرائیل می تواند بر منطقه مسلط شود. وضعیت امروز، عراق و افغانستان و حمایت سیا و موساد از گروههای تجزیه طلب در ایران، ایرانیان را می باید هشدار کند بخصوص که رژیم مافیاهای نظامی - مالی کار را بر سیا و موساد آسان می کند.

روابط روسیه و آلمان و ژاپن و... با آمریکا بر سر مسئله اتمی ایران:

در ۲۵ دسامبر، ژروزالم پست گزارش کرده است که معاون وزیر خارجه روسیه، الکساندر سلطانو گفته است: از دید مسکو دلیلی بر وجود برنامه تولید سلاح اتمی در ایران، وجود ندارد. سلطانو این موضع را بعد از اظهارات خود در کنفرانسی در اردن، اتخاذ کرد.

در آن اظهارات، سلطانو گفت: ما هرگز نگفته ایم مجازاتهای دیگری وضع نخواهند شد. ما گفته ایم می باید روند دیپلماتیک را ادامه داد و به نتیجه رساند. باید ایران را تشویق کرد به میز گفتگو باز یابد و برای هدف مشخصی گفتگو کند. البته می باید ایران را در حل مسائل منطقه نیز دخالت داد.

در آن اظهارات، سلطانو گفت: ما هرگز نگفته ایم مجازاتهای دیگری وضع نخواهند شد. ما گفته ایم می باید روند دیپلماتیک را ادامه داد و به نتیجه رساند. باید ایران را تشویق کرد به میز گفتگو باز یابد و برای هدف مشخصی گفتگو کند. البته می باید ایران را در حل مسائل منطقه نیز دخالت داد.

هدف آمریکا از جنگ سری در پاکستان از میان بردن سلاح اتمی پاکستان است:

ژنرال شوکت قدیر، افسر بازنشسته ارتش پاکستان مقاله ای (۲۴ دسامبر ۲۰۰۹) انتشار داده است دارای تکتاتی که توجه به آنها، بکار درک بحران اتمی ایران و سیاست عمومی آمریکا در خاورمیانه و آسیای میانه می آید:

• ملتهای کمی هستند که «بلک واتر» را شناسند. پیش از آن بلک واتر ورلد واید و اینک Xe خوانده می شود. یک آژانس امنیتی خصوصی است که در ۱۹۹۷ بوجود آمده است. پایگاه آن در کارولینای شمالی است و صاحب آن اریک پرنس، عضو سابق قوای ویژه نیروی دریائی آمریکا و برای مدتی طولانی با سیا و اف بی آی در ارتباط بوده است.

حضور چندین ساله بلک واتر در پاکستان، سری سرباز است. روزنامه نگاران و پژوهشگرانی که بلک واتر را نیک می شناسند، از این حضور آگاهند و همگان را آگاه کرده اند که بزرگ ترین ارتش خصوصی دنیا، از سال ۲۰۰۶ در پاکستان حضور داشته است. این روزنامه نگاران می گویند بلک واتر در عملیات پوشیده بکار می روند. بخصوص از میان برداشتن سران القاعده، از جمله بن لادن، موضوع مأموریت آنها است. اما دستگیر کردن مظنونان ها به عضویت در سازمان ترور و بردن آنها به آمریکا برای بازجویی، نیز، از وظایف این آژانس است.

به سخن دیگر، این لشکر خصوصی با مجوز کشتن و آدم ربایی، مأمور پاکستان شده است. بدیهی است مقصود از سپردن این مأموریت به این لشکر اینست که سیا و ارتش آمریکا، هیچگاه در معرض حساب پس دادن قرار نگیرد. موساد نیز اینگونه مأموریت ها پیدا می کند اما در هیچ مورد حق ندارد بدون اجازه نخست وزیر دست به اقدامی بزند. اما این آژانس، تحت امر سیا عمل می کند و در کشتن و آدم ربودن، محتاج اجازه قبلی نیز نیست.

جرمی اسکاھیل، نویسنده ای که کارشناس بلک واتر است، توضیح می دهد که بلک واتر در کراچی مستقر است. کارش بقدری سری است که بسیاری از مقامات ارشد حکومت اوپاما نیز از آن اطلاع ندارند.

بلک واتر یا Xe تنها در کراچی مستقر نیست. در اسلام آباد و پیشاور نیز حضوری گسترده دارد. خانه هایی که افراد Xe مستقر می شوند، توسط تونل زیر زمینی به هم مرتبط می شوند.

• پرویز مشرف، رئیس جمهوری پیشین به بلک واتر اجازه داد افراد خود را وارد پاکستان کند. او گوش به فرمان ژرژ بوش بود. آصف علی زرداری فرقی با او ندارد. هر دو، به هر تقاضای آمریکا، در هر فرصت و مناسبتی، بله می گویند.

حمله های نظامی آمریکا موفقیت آمیز تر شده اند. بنا بر اطلاع من، سیا و Xe با استقرار در پیشاور، شبکه اطلاع گیری خویش را بهبود بخشیده اند. یک دلیل دقیق تر شدن هدف گیرها و کارساز تر شدن حمله ها، همین برخورداری از شبکه انسانی اطلاع گیری است.

• اما آیا سیا و Xe بکار دیگری مشغول نیستند؟ چرا. ربودن افرادی که مظنون به تروریست بودند و فرستادنشان به

سران سپاه می آید و مروج رهبر است، در ماه پیش نوشت: در اوضاع و احوال کنونی، هنوز بجاست ایران در عضویت آژانس بین المللی انرژی اتمی بماند و کار عاقلانه و عزتمندانه این نیست که ایران از پیمان منع گسترش سلاح اتمی نیز خارج شود؟

• معلوم نیست غرب در باره مسئله اتمی ایران چه می تواند بکند. از سوئی معلوم نیست روسیه و چین با وضع مجازاتهای سخت تر موافقت کنند. و از سوی دیگر، دیپلماتها و کارشناسان تردید دارند که مجازاتها بتوانند مانع از تحول در جهت بازهم نظامی تر و سخت سرتر شدن رهبری رژیم، بگردند.

یک دیپلمات اروپائی که سالها در ایران خدمت کرده است، می گوید: فکر راهنما اینست که وضع مجازاتهای سخت تر بر وضعیت سیاسی ایران اثر گذارد. اما تردید وجود دارد که این اثر را ببار آورد. دولت ایران از اقتدارگرانی به سرکوبگری سخت سرانه تحول کرده است.

• ایران از گرفتن تصمیم برای رفتن به راه کره شمالی و بیرون رفتن از پیمان منع گسترش سلاح هسته ای و تبدیل شدن به دولت دارای سلاح اتمی، دور نیست. تگرانی ها از اینست که تهران بخاطر اختلافات درونی رژیم در رفتن به راه کره شمالی شتاب گیرد.

• محمد سهمی که کارشناس امور ایران است و از نزدیک تحول اوضاع ایران را زیر نظر دارد، می گوید: انتخابات ریاست جمهوری رژیم را به انزوا درآورده است. رژیم از درون و بیرون زیر فشار سخت است. با توجه به جنبش مردم بر ضد رژیم، هیچ نه معلوم که در صورت حمله نظامی به ایران، مردم از رژیم حمایت کنند.

• بعد از انتخابات که سران رژیم به فراکسیونهای مخالف با یکدیگر، تقسیم شدند، احمدی نژاد، از راه فرصت طلبی، در مورد مسئله اتمی، بطور نسبی عمل گرا شده است. حال آنکه لاریجانی، رئیس مجلس و میر حسین موسوی که انتخابات ریاست جمهوری را به احمدی نژاد باخت، با توافق با غرب (برسر پیشنهاد البرادعی)، مخالفت می کنند.

احمدی نژاد گفت: زمان همکاری شده است و بنظر می رسد که او حاضر بود در ژنو، در گفتگوهای ماه اکتبر توافق کند.

مذاکره کنندگان از سوی ایران پذیرفتند که اورانیوم اندک غنی شده را به روسیه و سپس به فرانسه بفروشند و در آنجا به اورانیوم ۲۰ درجه تبدیل و به ایران فرستاده شود. غرب این فکر را پذیرفت زیرا بمدت یک سال، تولید بمب اتمی را به تأخیر می انداخت.

اما وقتی معامله اعلان شد، دشمنان سیاسی احمدی نژاد او را مورد حمله قرار دادند. و همان روش را با او بکار بردند که او بر ضد آنها بکار می برد.

• نفیسی می گوید: اکثریتی از تحلیل گران بر این باورند که ایران می خواهد توانائی ساختن بمب اتمی را بدست آورد اما آن را نسازد. اما من فکر می کنم ایران عناصری که در ساختن سلاح بکار می روند را در اختیار دارد اما رویه ای که رژیم در پیش می گیرد بستگی به وضعیت سیاسی ایران دارد.



• در ۲۰ دسامبر، وزیر دفاع آلمان گفت: قوای دیگری به افغانستان نخواهد فرستاد. اظهارات وزیر دفاع پس از دیدار نمایندگان آمریکا و متحدان عمده اروپایی اش در لندن و گفتگو در باره فرستادن قوا به افغانستان به عمل آمدند. آمریکا استراتژی خود را معین کرده بود و انتظار داشت که کشورهای اروپایی به افغانستان نیرو بفرستند.

• آمریکا اظهار وزیر دفاع آلمان را، مخالفت با استراتژی خود در افغانستان تلقی می کند و بر اینست که در کنفرانس لندن، فرانسه و آلمان وعده همکاری داده بودند. کشورهای اروپایی دیگر، آنها که عضو ناتو بودند و آنها که عضو ناتو نبودند، حاضر شدند ۵۰۰۰ نیرو به افغانستان بفرستند. آمریکا خود ۳۰ هزار نیرو می فرستد.

• بر سر ایران نیز، میان آلمان و آمریکا تنش بوجود آمده است: با توجه به این امر که کشورهای ۱+۵ نتوانسته اند ایران را به پای میز مذاکره بیاورند و روسیه و چین نیز تمایلی به وضع مجازاتهای سخت علیه ایران نشان نمی دهند، آمریکا بنا بر وضع و اجرای مجازاتهای یک جانبه گذاشته است. فشار به شرکتیهای آمریکایی و اروپایی برای این که از معامله با ایران خودداری کنند، از جمله تدابیری است که آمریکا برای تحت فشار قرار دادن اقتصاد ایران، اتخاذ کرده است.

• مجازات دومین بانک بزرگ سوئیس، کردی سوئیس، بدین خاطر انجام گرفت که شرکتها و بانکها حساب دستشان بدست آید. بانک پذیرفت مبلغ ۵۲۶ میلیون دلار، بنا بر حکم دستگاه قضایی آمریکا، بردازد.

• نیک معلوم است که بانکهای آلمانی، دوچ بانک و کمرس بانک و West LB با مؤسسات مالی ایران همکاری می کنند. صادرات آلمان به ایران نیز در افزایش است. در سال ۲۰۰۸، صادرات آلمان به ایران، به ۵۷ میلیارد دلار رسید. اما رقم صادرات در سال ۲۰۰۹، اندکی کمتر خواهد شد.

• برلین نمی پذیرد که بانکهای آلمانی، بخاطر معامله با ایران، مجازات شوند. بحران اقتصادی نیز پایان پذیرفته و بانکهای آلمانی از بحران بیرون نرفته اند. آمریکا آلمان را تشویق می کند مصرف داخلی خود را بالا ببرد و از این راه به بحران افریقا آید. حکومت مرکل تن به نظر آمریکا نمی دهد زیرا اقتصاد آلمان، بنا بر طبیعت خود، صادر کننده است.

• آمریکا بر این نظر است که با توجه به این امر که مرکل برای مدت ۴ سال دیگر صدر اعظم آلمان است، برغم مخالفت داخلی با گسیل قوا به افغانستان، با فرستادن قوا به این کشور موافقت کند. اما دیگر جنگ سرد میان دو ابر قدرت برجا نیست و آلمان دیگر استقلال خود را بدست آورده است و می خواهد سیاست خارجی خود را، به استقلال تصدی کند. این سیاست خارجی با هدفهای آمریکا در بسیاری از قلمروها، همخوانی ندارد.

اطلاعات دیگر گویای وضعیت رژیم مافیاهای نظامی - مالی از لحاظ روابطش با کشورهای منطقه و آمریکا:

* **ایران آماده است مبادله اورانیوم را در ترکیه انجام دهد:**

◀ در ۲۵ دسامبر ۲۰۰۹، رژیم مافیاهای گفته است: ایران حاضر است اورانیوم ۳/۵ درجه را به ترکیه انتقال دهد و مبادله را در ترکیه انجام دهد. پیش از

آن، ایران گفته بود مبادله را در جزیره کیش حاضر است انجام دهد.

گفتن نه به این پیشنهاد ایران آسان نیست. زیرا حکومت اوپاما به ترکیه فشار آورده بود نقش فعالی بر عهده بگیرد. و از ترکیه خواسته بود در وضع و اجرای مجازاتهای جدید علیه ایران شرکت کند.

• احمد داود اوقوی، وزیر خارجه ترکیه، گفت: ترکیه آماده است برای حل مشکل از راه دیپلماتیک، کمک کند.

* **آمریکا به ایران هشدار می دهد: سر رسید مهلت داده شده را جدی بگیرد:**

◀ در ۲۲ دسامبر، به گزارش آسوشیتدپرس، سخنگوی کاخ سفید به ایران هشدار داده است سر رسید مهلت داده شده به خود را جدی بگیرد. روبرت جیبس، سخنگوی کاخ گفته است: ممکن است سر رسید را جدی نداند اما از دید جامعه بین المللی واقعی و جدی است.

پیش از او، احمدی نژاد گفته بود: ایران ده برابر قوی تر از آنست که یک سال پیش بود و وقتی نیز به مهلتی که آمریکا داده است، نمی نهد.

* **مولن، رئیس ستاد ارتش آمریکا: ارتش آمریکا آماده حمله به ایران است:**

• در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۹، دریا سالار مایکل مولن، رئیس ستاد ارتش آمریکا گفته است: ارتش آمریکا آماده حمله با ایران است هرگاه رئیس جمهوری دستور این حمله را بدهد. او تأکید کرده است که می باید بنا بر گفتگو باشد اما گزینه نظامی نیز روی میز است. او توضیح داده است: چنین حمله ای «نتایج محدود» بیشتر ببار نمی آورد. او و دیگر فرماندهان ارتش آمریکا، در گذشته گفته بودند که حمله نظامی تنها می تواند اجرای برنامه اتمی را به تأخیر اندازد.

◀ سنای آمریکا در پی وضع مجازاتهای جدید است: در ۲۴ دسامبر ۲۰۰۹، سناتور رید، رهبر اکثریت سنای آمریکا گفته است: به محض پایان یافتن تعطیلات، سنا به وضع مجازاتهای جدید علیه ایران خواهد پرداخت. هدف مجازات ها جلوگیری از تجهیز شدن ایران به بمب اتمی است.

* **رفتن لاریجانی به مصر و دیدار او با مبارک:**

◀ در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۹، لاریجانی در قاهره، با مبارک رئیس جمهوری مصر، دیدار کرد. این نخستین دیدار یک مقام رژیم با رئیس جمهوری مصر است. او بمدت ۲ ساعت نیز با رئیس مجلس مصر گفتگو کرد. لاریجانی به خبرنگاران گفت: دید دو کشور نسبت به روابط فی مابین، مثبت است. او گفت: ایران از حماس و حزب الله

همه جا کربلا و همه روز عاشورا است

لبنان حمایت می کند زیرا این دو سازمان اسلامی هستند و در برابر اسرائیل ایستاده اند.

روابط مصر با ایران، بهنگام جنگ غزه بد شد زیرا مصر ایران را متهم می کرد به اینکه از راه حمایت از حزب الله و حماس می خواهد بر منطقه مسلط شود. ایران نیز مصر را بخاطر بستن مرز بر روی فلسطینی ها سرزنش می کرد و آن را همکاری با اسرائیل ارزیابی می کرد.

◀ بهنگام بازگشت لاریجانی به تهران، طرفداران احمدی نژاد به فرودگاه رفتند و بر ضد لاریجانی، بخاطر دیدارش با مبارک، شعار دادند.

* **جنگ تبلیغاتی رژیم سعودی با رژیم مافیاهای نظامی - مالی: پسران و دختر بن لادن در ایران هستند:**

◀ نخست شرق الاوسط گزارش کرد که ۶ تن از فرزندان اسامه بن لادن در ایرانند. از جمله آنها، دختر بن لادن است که به سفارت عربستان در تهران پناه برده است.

در ۲۱ دسامبر، کریستین ساینس مونیتور (۲۳ دسامبر ۲۰۰۹)، گزارشی در این باره انتشار داد:

• ۶ فرزند و یک همسر اسامه بن لادن در ایران بسر می برند. این عده در خانه ای زندانی هستند. آنها بعد از حمله آمریکا به افغانستان، به ایران پناه برده بودند. شرق الاوسط می نویسد که دختر او ۲۵ روز است که توانسته است از خانه بگریزد و به سفارت عربستان پناه ببرد.

• افشای حضور فرزندان بن لادن به ایران روابط دو رقیب، ایران و عربستان را بغرنج تر می کند. در دوران اول ریاست جمهوری خود، احمدی نژاد در بهبود روابط ایران با دولت سعودی و دیگر دولتهای عرب کوشید. اما بیشتر شدن نفوذ ایران و محور مقاومت مرکب از ایران و سوریه و حماس و حزب الله، سبب نگرانی سعودیها و دیگر سران کشورهای عرب شد.

• انتخابات مناقشه آمیز ماه ژوئن (انتخابات ریاست جمهوری ۲۲ خرداد) دلیل نهائی بود برای دنیای عرب که قدرت منطقه ای ایران رو به زوال است.

• آمریکا پیشنهاد ایران را در باره القاعده نپذیرفت: سعد، یکی از پسران بن لادن که سالهاست، یکی از ۳۵ گرداننده القاعده شمرده می شود، بعد از سرنگون شدن دولت طالبان توسط آمریکا، به ایران گریخت. حکومت محمد خاتمی (۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵) احتمالاً بطور غیر مستقیم، به آمریکا پیشنهاد کرده بود حاضر است سران القاعده را که در ایران هستند با رهبران سازمان مجاهدین خلق معاوضه کند. پیشنهاد ایران را آمریکا رد کرد.

• اما تا این زمان، علنی نشده بود که پسران و دختر و همسر بن لادن در ایران هستند. در اکتبر ۲۰۰۳، واشنگتن پست اطلاع داد که سعد بن لادن، در ماههای اخیر، یکی از مقامات عالی القاعده شده است... او از مقر خود در ایران، عملیات تروریستی القاعده را رهبری می کند. گفته می شد که سعد

بن لادن توسط افراد نخبه و رادیکال سپاه قدس حمایت می شود.

گزارشهایی انتشار یافتند مبنی بر این که ایران در اواخر ۲۰۰۸، بن لادن را رها کرده است و اجازه داده است او به افغانستان بازگردد. و در ماه ژوئیه، آمریکا کشته شده است.

• اما خبر حضور بستگان بن لادن در ایران، شگفتی آفرید. تا بجز لندن می نویسد ۱۱ تن از بستگان بن لادن در ایران هستند. تا یک ماه پیش، ما نمی دانستیم بستگان بن لادن در کجا هستند. عمل بن لادن پسر چهارم بن لادن که در قطر زندگی می کند به شرق الاوسط گفته است: دولت ایران نمی داند به گروهی از اعضای خانواده بن لادن که هیچ کس آنها را نمی خواهد، چه کند. دست کم سلامت و امنیت آنها را تأمین کرده است بدین خاطر می باید سپاسگزار این دولت بود.

انقلاب اسلامی: بحران اقتصادی، با وجود تشدید بحران خارجی و جنبش همگانی، تشدید می شود:

فقر ایران و فقر مردم ایران و فربه شدن مافیاهای نظامی - مالی

فقر روز افزون کشور: افزایش واردات و کاهش صادرات:

◀ به گزارش ایلنا (۲۶ آذر ۸۸)، ظرف ۸ ماه گذشته بیش از ۳۲ میلیارد و ۱۳۹ میلیون دلار کالا به کشور وارد شده است که در این میان ۳۶ درصد از این مقدار کالا از امارات متحده عربی روانه بازار ایران شده و سهم آلمان و چین به ترتیب ۱۳ و ۱۲ درصد اعلام شده است.

آلمان جای چین را در صادرات کالا به ایران در ۸ ماه گذشته گرفت، اما امارات متحده عربی، هم چنان در صدر کشورهای صادرکننده به ایران قرار دارد و چین فعلاً در رتبه سوم است.

انقلاب اسلامی: اروپائیان می گویند: امارات متحده عربی یعنی آمریکا و اعتراض دارند که آمریکا از سوئی به اروپا فشار می آورد ایران را مجازات اقتصادی کند و از سوی دیگر خود با ایران، از امارات تجارت می کند.

◀ در ۶ دی ۸۸، ایلنا گزارش کرده است: فعالان اقتصادی بخش تولید معتقدند که هدفمند کردن یارانهها، بساط صادراتی ایران و به تدریج تولید را در کشور جمع خواهد کرد. تبعات تورمی افزایش قیمت دلار، اقتصاد ایران را در آستانه ورشکستگی و دولت را به مرز بحران می رساند:

• دولت تبلیغات گسترده ای به راه انداخته است که محتوای اصلی آنها حول تأثیرات لایحه هدفمند کردن یارانهها بر تولید است. در این تبلیغات، مخاطب با این استدلال مواجه می شود که هدفمند کردن یارانهها قیمت

حامل های انرژی مورد نیاز واحدهای تولیدی را افزایش می دهد، اما در مقابل ۳۰ درصد از منابع حاصل از عدم توزیع یارانهها، به همان صنایع باز می گردد و لذا اگر واحدهای تولیدی، بهره وری موجود خود را افزایش و همگام با تکنولوژی روز دنیا پیش روند، قطعاً قادر به رقابت در بازارهای داخلی و خارجی خواهند بود، در غیر این صورت محکوم به حذف از چرخه تولید خواهند شد.

صورت مساله روشن است. ادعا می شود که صنایع تا به حال نیز به مدد انرژی رایگان قادر به ادامه حیات در دنیای رقابتی اقتصاد بوده اند و حال اگر می خواهند تا همچنان در گردونه تولید باشند، باید با تغییرات در روشها و افزایش بهره وری، قادر باشند تا با کمک آن ۳۰ درصد به رقابت در بازار بپردازند.

• در برابر، فعالان اقتصادی ایران در بخش تولید معتقدند که هدفمند کردن یارانهها، بساط صادراتی ایران و به تدریج تولید را در کشور جمع خواهد کرد. مگر اینکه دولت سیاست خود مبنی بر حفظ ارزش ریال در مقابل دلار را تغییر دهد. این عده اعتقاد دارند که حفظ مصنوعی ارزش پول کشور در سالهای اخیر، لطمات جبرانناپذیری بر پیکره تولید کشور وارد کرده است و ادامه این سیاست، وقتی با هدفمند کردن یارانهها امتداد پیدا کند، سبب می شود که واحدهای تولیدی و صنعتی کشور به طور کامل ورشکسته شوند. دلیل این عده هم به قیمت زمین و مسکن در ایران باز می گردد. در حال حاضر اگر میانگین ۲ میلیونی قیمت مسکن در تهران را بپذیریم، مشخص می شود که قیمت مسکن در تهران حدود ۲ هزار دلار است که این قیمت به نرخ بهای مسکن در شهرهایی همچون لندن و نیویورک شانه می زند و لذا مشخص است که قیمت برابری دلار در برابر ریال واقعی نیست. همچنین فعالان تولیدی کشور به سهم ۳۰ درصد ادعایی بخش تولید از هدفمند کردن یارانهها آمیدی ندارند. تجربه صندوق

ذخیره ارزی که قرار بود سهم برابری از آن بین دولت و بخش خصوصی در نظر گرفته شود، اما هیچ گاه محقق شد نشان می دهد که با کوچکترین به هم خوردگی معادلات اقتصادی دولت، سهم ۳۰ درصدی بخش خصوصی نیز صرف هزینه های دولت خواهد شد.

صورت مساله این بار هم کاملاً آشکار است. میانگین تورم جهانی در ۴ سال گذشته در سطح بین المللی به زحمت از ۳ تا ۴ درصد بالاتر رفته است؛ لذا قیمت یک محصول خارجی طی این مدت بین ۱۳ تا ۱۷ درصد افزایش داشته است. در همین مدت ایران نرخ ۱۸ تا ۲۵ درصدی تورم را تجربه کرده است؛ یعنی بهای مواد اولیه، هزینه دستمزد و سایر فاکتورهای تأثیرگذار بر قیمت کالای ایرانی در ۴ سال گذشته بین ۷۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش داشته است.

• کاهش شدید رقابت پذیری کالای داخلی: در همین مدت نرخ برابری دلار در برابر ریال ایران از ۹۰۰ به هزار تومان رسیده است که تغییری حدود ۱۰ تا ۱۱ درصد را نشان می دهد. تمامی این مفروضات بیاتگر این است که اگر ۴ سال گذشته، دو کالای مشابه ایرانی و خارجی با قیمت مثالی هزار تومان در اختیار مصرف کننده داخلی (ایرانی) قرار می گرفت، امسال کالای خارجی با قیمت نهی تا ۱۳۰۰ تومان و در مقابل کالای ایرانی با قیمت حداقل ۱۷۰۰ تومان در اختیار مصرف کننده قرار می گیرد. در بازار خارجی نیز کالای ساخت خارج که ۴ سال قبل، ۱/۱۱



دلار بود، بعد از ۴ سال با ۱/۳ دلار در اختیار مصرف کننده قرار می‌گیرد، حال آنکه کالای ایرانی که ابتدا ۱/۱ دلار قیمت داشت. در زمان مشابه با قیمت حداقل ۱/۷ دلار در اختیار مصرف کننده خارجی قرار می‌گیرد. همین مثال ساده نشان می‌دهد که سیاست دولت در حفظ ارزش پول ملی قدرت رقابت پذیری کالاهای ساخت داخل را تا چه میزان کاهش می‌دهد.

● حفظ ارزش پول ملی به بهای از دست دادن قدرت رقابت کالاهای ساخت داخل، امری نیست که دولت از آن بی‌اطلاع باشد. فعالان اقتصادی بارها این نکته را گوشزد کرده‌اند که هدفمند کردن یارانه‌ها تنها زمانی می‌تواند صنایع ایران را ورشکسته نکند که ریال ارزش واقعی خود را بیابد، امری که نهایتاً آل اسحاق به طعنه به همکاران خود گوشزد کرد که این پیشنهاد از سوی دولت پذیرفتنی نیست. اما دلایل اصرار دولت برای حفظ ارزش پول ملی چیست؟

طی سال‌های گذشته نقدینگی در کشور چند برابر شده است. میزان نقدینگی در کشور که در سال ۸۴ به رقم ۶۸ هزار میلیارد تومان رسیده بود، در بهار و تابستان سال ۸۸، رقم ۲۲۵ هزار میلیارد تومان را هم در نوردید. ورود ۳۰۰ میلیارد دلار حاصل از درآمدهای نفتی به کشور طی چهار سال گذشته، نه تنها عللی برای دردهای مزمن اقتصاد ایران نبود، بلکه نقدینگی ایران را به شدت بالا برد تا امروز، سهم مردم از دلارهای نفتی، تورم حاصل از نقدینگی متعاقب آن شود. در چنین شرایطی واضح است که اگر قیمت دلار به ازای واقعی خود در برابر ریال یعنی رقیبی بین ۲ تا ۳ هزار تومان برسد، آنگاه ادامه پیمایش دلارهای نفتی به اقتصاد، می‌تواند نقدینگی موجود کشور را که جزو سیاست‌های اصلی دولت نهم و دهم بوده است، به مرزهای جنون آمیزی برساند که قطعاً تبعات تورمی این موضوع، اقتصاد ایران را در آستانه ورشکستگی و دولت را به مرز بحران خواهد رساند. فراموش نشود که بزرگترین مصرف کننده در ایران هم باز دولت است و اگر نقدینگی و تورم حاصل از آن باز هم افزایش پیدا کند، گرانی بیش از همه دولت را خواهد آزرده.

● نکته دوم حائز اهمیت در دلایل تلاش دولت برای حفظ ارزش ریال در برابر دلار، به موضوع واردات باز می‌گردد. واردات عمده کالاهای مصرفی یکی از سیاست‌های اصلی دولت برای مقابله با گرانی در بازار طی سال‌های گذشته بوده است. ورود عمده و گسترده کالاهایی چون انواع میوه، شکر، برنج، خشکبار و... برای تعادل بخشی به قیمت‌های رو به افزایش محصولات داخلی در سال‌های گذشته وضعی را پدید آورد که فقط در سال گذشته، حدود ۵۸ میلیارد دلار صرف وارد کردن کالاهایی شد که عمده آنها را کالاهای مصرفی و مایحتاج عمومی مردم تشکیل می‌داد. این موضوع به این معناست که حدود ۵۵ هزار میلیارد تومان از سرمایه‌های کشور صرف واردات کالا شده است. اگر نرخ برابری دلار در برابر ریال تغییر کند، ارقام ریالی مصروفه برای واردات رشد عجیب و غریبی خواهند یافت که دست دولت را برای تنظیم بازار از راه واردات کالا و خدمات خواهد بست.

● در ۶ دی ماه ۸۸، ایلنا گزارش کرده است: محسن بهرامی رئیس کمیسیون اتاق صادرات، واردات و خدمات فنی و مهندسی اتاق بازرگانی افزایش ۵ تا ۱۰ درصدی هزینه‌ها و افزایش مدت مشکلات ایجاد شده در اثر تحریم بانک‌های ایرانی است. تحریم شبکه بانکی ایران در گام نخست هزینه‌های گشایش اعتبارات اسنادی یا LC را به

همه جا کربلا و همه روز عاشورا است

به ایران است - شاهد اقلام خوراکی جدیدی مانند برنج و کنجاله دانه سویا هستیم. اگر در سال گذشته شاهد ورود بنزین، گندم، دانه ذرت و دانه سویا به کشور بودیم، امسال شاهد واردات بنزین، گندم، برنج، دانه ذرت، کنجاله سویا و دانه سویا هستیم. ارزش واردات این اقلام بالغ بر شش میلیارد دلار است که تقریباً ۶۰ درصد از کل واردات ۱۰ قلم عمده وارداتی به کشور را در بر می‌گیرد.

بنا بر گزارش گمرک، در آمار هشت ماهه میزان واردات گندم به ایران معادل سه میلیون و ۹۰۰ هزار تن به ارزش حدود ۹۹۰ میلیون دلار، برنج ۹۲۶ هزار و ۶۰۰ تن به ارزش ۷۶۶ میلیون و ۴۰۰ هزار دلار، دانه ذرت به وزن دو میلیون و ۱۴۷ هزار و ۴۰۰ تن و به ارزش ۵۰۲ میلیون دلار، کنجاله سویا به وزن ۸۹۴ هزار تن و به ارزش ۳۹۷ میلیون دلار و دانه سویا به وزن ۷۵۵ هزار تن و به ارزش ۳۸۰ میلیون و ۸۰۰ هزار دلار به کشور وارد شده‌اند. نکته جالب در آمار واردات باز هم به واردات بنزین اختصاص دارد که بنا بر آمار واردات گمرک در هشت ماهه منتهی به آبان ماه امسال رده دوم در واردات را به خود اختصاص داده است. بنا بر این آمار در این مدت یک میلیون و ۶۳۶ هزار و ۶۰۰ تن بنزین به ارزش یک میلیارد و ۱۴۷ میلیون و ۹۰۰ هزار دلار وارد کشور شده که نسبت به مدت مشابه پارسال ۱ لحاظ وزنی ۳۹ درصد و از نظر ارزشی ۵۴/۶۷ درصد کاهش داشته است.

فقر روز افزون دولت و مردم ایران و ناتوانی از عبور از بحران اقتصادی:

● در ۲۶ آذر ۸۸، ابتکار گزارش کرده است: ۱ - بودجه عمرانی سال جاری از ۲۲ هزار میلیارد تومان به ۵ هزار میلیارد تومان کاهش یافته است. زیرا ۱۷ میلیارد دلار آن صرف تأمین کسر بودجه جاری شده است. ۲ - مجموع کسر بودجه کشور دست به ۳۰ هزار میلیارد تومان می‌شود.

● در ۲ دیماه ۸۸ ایلنا گزارش کرده است: مطالبات معوق بانک‌ها تا پایان شهریور سال ۸۴ یعنی زمانی که دولت نهم به طور رسمی آغاز به کار کرد حدود ۵ هزار میلیارد تومان بود در حالی که محمود بهمنی رئیس کل بانک مرکزی آخرین رقم مطالبات معوق را ۴۰ هزار میلیارد تومان اعلام کرده است مقایسه دو آمار ارائه شده از مطالبات معوق نشان‌دهنده رشد ۷۰۰ درصدی و یا رشد ۸ برابری این شاخص در طول عمر چهارساله دولت نهم است.

علاوه بر این تنها به فاصله گذشت یکسال از روی کار آمدن دولت نهم مطالبات معوق از پنج هزار میلیارد تومان در شهریور سال ۸۴ به حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافت که بیاتر رشد ۱۰۰ درصدی مطالبات معوق در آن دوران است. در سال دوم حجم این شاخص به ۱۳ هزار میلیارد تومان رسید. یعنی مطالبات معوق نسبت به سال اول حدود ۳ هزار میلیارد تومان افزایش یافت. از این پس بود که مطالبات

معوق رشد فزاینده یافت و در پایان کار دولت گذشته به رقم فعلی یعنی ۴۲ هزار میلیارد تومان، یعنی ۸/۵ برابر افزایش یافت. ● در ۷ دیماه ۸۸، ابتکار گزارش کرده است: طبق آخرین گزارش‌ها، یارانه نقدی به ۱۴ میلیون نفر که جزو خانوارهایی با درآمد کمتر از ۳۵۰ هزار تومان در ماه هستند پرداخت خواهد شد. بر اساس برآوردهای صورت گرفته ۴۹ میلیون نفر از ایرانیان جزو خوشه‌های اول و دوم درآمدی هستند و به این ترتیب ۷۰ درصد از خانوارهای کشور درآمدی کمتر از ۴۵۰ هزار تومان در ماه دارند. مرکز آمار ایران هم در آخرین بررسی خود، میانگین درآمدی خانوارهای خوشه اول را کمتر از ۳۵۰ هزار تومان، خوشه دوم را از ۳۵۰ تا ۴۵۰ هزار تومان برآورد کرده است. جمعیت خوشه اول که در برگیرنده ۴ دهک پایین درآمدی است، ۲۹ میلیون نفر و خوشه دوم یعنی سه دهک بعدی معادل ۲۰ میلیون نفر است و اگر جمعیت ایران را حدود ۷۰ میلیون نفر در نظر بگیریم حدود ۲۱ میلیون نفر در خوشه سوم قرار می‌گیرند که بیشتر از ۴۵۰ هزار تومان درآمد دارند. با توجه به جمعیت ۷۰ میلیونی ایران و مقایسه مجموع جمعیت دو خوشه اول که حدود ۴۹ میلیون نفر است، مشخص می‌شود که حدود ۷۰ درصد خانوارهای ایرانی درآمدی کمتر از ۴۵۰ هزار تومان دارند. به گزارش شفاف نیوز براساس خوشه بندی مرکز آمار ایران چهار دهک اول در خوشه اول، سه دهک دوم در خوشه دوم و سه دهک آخر که بیشترین درآمد را دارند در خوشه سوم قرار می‌گیرند. مدد رئیس مرکز آمار ایران چندی پیش اعلام کرده بود فقط به هفت دهک اول (خوشه اول و دوم) یارانه پرداخت خواهد شد و پرداخت‌های غیر نقدی به تمام دهک‌ها صورت خواهد گرفت. اما صاحب نظران همچنان اعتقاد دارند که دولت تنها می‌تواند به دو دهک اول یارانه پرداخت کند و دربرگیری اعطای یارانه به هفت دهک ادعایی است که

جامه عمل نخواهد پوشید. با توجه به این که جمعیت دو دهک اول جامعه حدود ۱۴ میلیون نفر است یارانه نقدی نیز به این تعداد از افراد جامعه پرداخت خواهد شد. هادی زنون کارشناس مسائل اقتصادی می‌گوید من معتقدم دولت از عهده این ادعا بر نخواهد آمد. این کارشناس اقتصادی متذکر شد: در صورتی که اجرای این طرح با تثبیت سیاست‌های اقتصاد کلان کشور همراه نباشد زیانی که اقتضای آسیب‌پذیری می‌بیند بسیار بیشتر از هزینه‌های حذف یارانه‌هاست. ● در ۱ دیماه ۸۸، ایلنا گزارش کرده است: بیش از ۷۰ هزار متقاضی فرهنگی در سال جاری تقاضای بازنشستگی کرده‌اند که سازمان معاونت برنامه‌ریزی با بازنشستگی ۱۸ هزار نفر از آنها موافقت نکرد/وزارت خانه برای اجرای قانون بازنشستگی ۳۰۰ میلیارد تومان اعتبار می‌خواهد.

وزیر آموزش و پرورش با اعلام نیاز ۳۰۰ میلیارد تومانی آموزش و پرورش برای اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد فرهنگیان در این وزارتخانه، گفت: بیش از ۷۰ هزار متقاضی فرهنگی در سال جاری تقاضای بازنشستگی کرده‌اند که سازمان معاونت برنامه‌ریزی ریاست جمهوری به دلیل عدم توان پرداخت پاداش پایان خدمت فرهنگیان با بازنشستگی ۱۸ هزار نفر از آنها موافقت نکرد. ● در ۳۰ آذر ۸۸، ایلنا گزارش کرده است: ۱۶۰ کارگر کارخانه آزمایش تهران به دلیل مشکلات مالی به جا

مانده از زمان مدیران پیشین با مشکل تاخیر و دریافت تدریجی حقوق مواجه هستند؛ بدهی معوقه و نبود نقدینگی باعث شده تا نتوانیم از شرایط بحرانی عبور کنیم.

● در ۲۸ آذر ۸۸، ایلنا نظر مهدی تقوی استاد دانشگاه علامه طباطبایی را انتشار داده است: رکود تورمی بر اقتصاد کشور حاکم است. اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها باعث تشدید رکود تورمی اقتصاد و افزایش فقر در جامعه می‌شود.

هر ساله در کشور تعداد بیشتری از مردم زیر خط فقر قرار می‌گیرند. رکود تورمی موجود در کشور طی چند سال گذشته باعث افزایش نرخ بیکاری و نرخ تورم شده است. همین امر باعث افزایش تعداد فقرا در کشور شده است که در صورت اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، رکود تورمی موجود در اقتصاد کشور شدت یافته و باعث گسترش بیش از پیش فقر می‌شود.

با اجرای این طرح، یارانه‌های انرژی گران می‌شوند و در نتیجه تولید با کاهش بیش از پیش مواجه می‌شود و همین امر رکود تورمی را در کشور شدت می‌بخشد.

نرخ بیکاری در حال حاضر با نرخ تورم رابطه مستقیم دارد. کاهش تولید، عدم سرمایه‌گذاری و پایین بودن سود سرمایه‌گذاری باعث افزایش نرخ تورم و در نتیجه افزایش نرخ بیکاری شده است که تعداد بیشتری از مردم را هر ساله به زیر خط فقر می‌کشاند.

انقلاب اسلامی: و رژیم مافیاهای نظامی - مالی شهرهای ایران را کربلا کرد و به کشتار مردم با سبانه‌ترین شیوه‌ها پرداخت:

عاشورای خونین

در سال ۱۳۸۸ و در

شهرهای ایران:

● در ۲۵ آذر ۸۸، فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، خانواده‌های دستگیر شدگان ۱۶ آذر در مقابل دادگاه انقلاب دست به تجمع اعتراضی زدند. آنها نسبت به شکنجه و گرفتن اعتراضات از عزیزانشان هشدار دادند و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط آنها شدند.

● در ۲۵ آذر ۸۸، کامران آسای طی تماس تلفنی که روز یکشنبه با خانواده ی خود داشته است، از بازداشت خود در زندان اوین خبر داده است.

● در ۲۵ آذر ۸۸، به گزارش ایلنا، کارگران شرکت آونگان در ششمین ماه از عدم پرداخت حقوق و مطالبات معوقه از سوی مدیریت شرکت، برای چهارمین بار در ماه جاری اعتراض خود را به گوش مسئولان استان رساندند.

● در ۲۶ دی ماه ۸۸، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، زندانیان سلولهای انفرادی و حسینییه سالن ۲ معروف به سگ دونی بن‌دا زندان گوهردشت کرج که محل شکنجه زندانیان سیاسی و عادی است، در اعتراض به شکنجه‌های وحشیانه، نداشتن پوشش و قطع بودن وسایل گرمایی در سرمای شدید دست به اعتراضات گسترده زدند و این سالن را به تصرف خود در آوردند.

● در ۲۶ دی ۸۸، نشریه "موج نو" دانشگاه علم و صنعت، به مدیر مسئولی توید عطایی، که به صورت روزانه منتشر می‌شد توقیف شد.



همه جا کربلا و همه روز عاشورا است

◀ در ۲۶ آذر ۸۸، به گزارش خبرنگار امیرکبیر در حالی که ۴ تن از فعالین دانشجویی این دانشگاه در روزهای اخیر توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده اند، مسئولان حراست و کمیته انضباطی دانشگاه نیز ضمن همکاری مستمر با نهادهای امنیتی شهر قزوین، با برخورداری از احضارهای تازه خویش موج جدیدی از سرکوب فعالین دانشجویی این دانشگاه را آغاز کرده اند. ۱۰ تن از فعالین دانشجویی دستگیر شده اند.

◀ در ۲۷ آذر ۸۸، به گزارش خبرنگار امیرکبیر با ورود بسیجیان غیر دانشجو که همراه خود باتوم، چاقو، زنجیر و ... به همراه داشتند تا آرامی ها در این دانشگاه افزایش یافته و دانشجویان با تجمع در برابر دانشکده ادبیات اعتراض خود را به ورود افراد غیر دانشجو به داخل دانشگاه اعلام نموده و با سر دادن شعارهایی نظیر "توب تانک بسیجی دیگر اثر ندارد" و "بسیجی دروغگو کارت دانشجوییت کو" و ... خواستار توضیح مسئولین دانشگاه در این باره شدند.

◀ در ۲۷ آذر ۸۸، خبرنگاری هرا - مامورین اداره اطلاعات شهرستان مرودشت با یورش به منزل ببرزاز بازوبندی سر دبیر هفته نامه ی مرودشت ی، وی را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند.

◀ در ۲۷ آذر ۸۸، به گزارش خبرنگار امیرکبیر، نشریه دانشجویی "پارس" به مدیر مسئولی کاوه نقدی توسط هیئت نظارت بر نشریات دانشگاه رازی کرمانشاه توقیف شد.

◀ در ۲۷ آذر ۸۸، فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، زندانی سیاسی فاطمه ضیائی ۵۲ ساله بیش از ۱۰ ماه است که در بلاتکلیفی بسر می برد و تا به حال نزدیک به چهار بار برای محاکمه فرمایشی به شعبه ۱۴ دادگاه انقلاب فراخوانده شده است.

◀ در ۲۷ آذر ۸۸، به گزارش نوروز، در پی اعتراضات و تجمعات سیاسی و صنفی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد و پس از احضار ۵۹ نفر از دانشجویان این دانشگاه به کمیته انضباطی و صدور ۳۰ حکم برای این تعداد به علت حضور در تجمع روز ۱۳ آبان، اخبار موثق حاکی از آن است که ۴۰ نفر دیگر از دانشجویان این دانشگاه در آستانه امتحانات پایان ترم، فایل هایشان بسته شده که ادامه این روند می تواند به محرومیت این دانشجویان از شرکت در امتحانات پایان ترم منجر شود.

◀ در ۲۸ آذر ۸۸، به گزارش خبرنگار امیر کبیر بر اساس حکمی که علی رغم صدور در ۱۴/۶/۸۸، روز دوشنبه (۸۸/۹/۲۳) به آقای دکتر شجاعپوریان وکیل چهار تن از اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه های همدان ابلاغ گردیده آقایان:

سیاوش حاتم ((دبیر کل انجمن اسلامی))، سیدرضا جعفریان ((دبیر سیاسی))، پوریا شریفیان ((دبیر صنفی))، ومهدی مسافر ((دبیر فرهنگی)) به ۴ سال حبس محکوم شده اند.

◀ در ۲۸ آذر ۸۸، به گزارش ایلنا، گزارشگران حقوق بشر، دانشجویان دانشگاه هنر تهران در اعتراض به احکام کمیته انضباطی دانشگاه در روز چهارشنبه ۲۵ آذرماه پس از لغو کلاسها در حیاط دانشگاه تحصن اعتراضی برگزار کردند. بنابر اعلام این دانشجویان، این تحصن تا لغو احکام کمیته انضباطی ادامه خواهد داشت.

◀ در ۲۹ آذر ۸۸، به گزارش کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی به دنبال درگذشت مرجع عالیقدر شیعه، آیت الله منتظری، ماموران اطلاعاتی و امنیتی تعدادی از فعالان سیاسی و اجتماعی را که

قصد عزیمت به شهر قم را داشتند، دستگیر کرده اند.

احمد قایل دین پژوه و نویسنده، کوهیار گودرزی، مهناز محمدی، محبوبه عباسقلی زاده و شیوا نظر آهاری فعالین حقوق بشر و حقوق زنان از جمله دستگیر شدگان هستند.

◀ در ۲۹ آذر ۸۸، نیروهای امنیتی اتوبوس حامل جمعی از خانواده های زندانیان سیاسی، فعالان جنبش زنان و اعضای کمیته گزارشگران حقوق بشر را که برای شرکت در مراسم تشییع پیکر آیت الله منتظری قصد سفر به قم را داشتند، متوقف کرده و چندین نفر از آنها را بازداشت کردند.

◀ در ۲۹ آذر ۸۸، به گزارش جرس، تیمی از سوی وواک در چایخانه روزنامه ها مستقر شده است. این تیم امروز با حضور در چایخانه ها اقدام به سانسور مطالب مربوط به درگذشت آیت الله العظمی منتظری کرده است.

◀ در ۲۹ آذر ۸۸، به گزارش ایسنا، روابط عمومی دادسرای عمومی و انقلاب تهران در اطلاعیه‌ای افزود: متعاقب اعلام جرم مدعی‌العصوم علیه نوری‌زاد، نامبرده احضار و پس از تفهیم اتهام از سوی دادیار شعبه رسیدگی کننده، برای وی قرار وثیقه صادر شد که متهم به دلیل عجز از تودیع وثیقه به زندان معرفی شد.

◀ در ۲۹ آذر ۸۸، جمعی از کارگران کارخانه فرنیخ و مه نخ قزوین یکی از مسیرهای اطراف محل کار خود را برای مدتی مسدود کردند. این اقدام در اعتراض به دو ماه و نیم مطالبات معوقه و نبود مواد اولیه صورت گرفت.

◀ در ۲۹ آذر ۸۸، در پی برگزاری تجمعات با شکوه هزاران تن از دانشجویان دانشگاه آزاد مشهد در روزهای ۱۳ آبان و ۱۶ آذر در اعتراض به کودتای انتخاباتی و سرکوب گسترده مردم، بیش از هشتاد تن از دانشجویان این دانشگاه به کمیته انضباطی احضار شدند.

◀ در ۲۹ آذر ۸۸، تغییر برای برابری - سمیه رشیدی فعال حقوق زنان، بعد از حضور در دادگاه انقلاب بازداشت و روانه زندان اوین شد.

◀ در ۳۰ آذر ۸۸، به گزارش پایگاه خبری «پارلمانیوز»، برخی از اعضای هیات تحریریه این روزنامه خبر دادند که صبح امروز هیات نظارت بر مطبوعات خبر توقیف اندیشه نو را به مسئولان این روزنامه داده است.

◀ در ۳۰ آذر ۸۸، به گزارش نوروز از قم، نیروهای انتظامی در برابر بیت آیت الله منتظری، با مردمی که همچنان شعار می دادند برخورد کرده و مردم نیز به سوی آنها سنگ پرتاب کردند.

◀ در ۳۰ آذر ۸۸، به گزارش خبرگزاری فرانسه، برنار کوشنر، وزیر خارجه فرانسه می گوید احمدی نژاد پیشنهاد کرده است که در قبال آزادی علی وکیلی راد توسط دولت فرانسه، کلوتیلد ریس، مدرس فرانسوی را که به اتهام جاسوسی در ایران زندانی است، آزاد کند.

◀ در ۳۰ آذر ۸۸، شعارهای جمعیت میلیونی تشییع کننده جنازه آیت الله منتظری این شعارها را می داده اند: اشک تمساح نمیخوابیم دولت مصباح نمیخوابیم - عدالت شعارشون، کهریزک افتخارشون - خامنه ای قاتله ولایتش باطله - ما دلیل شورشیم دیکتاتور رو میکشیم - اشک تمساح نمیخوابیم دولت مصباح نمیخوابیم - منتظری نگاه کن با بچه ها چه کردند ... - حتی اگر بمیرم حقمو پس می گیرم - تو این همه هیاهو رسانه ملی کو؟! - این ماه، ماهه خون است سید علی سرنگون است - مرگ بر طالبان، چه کابل چه تهران - این ماه ماهه خون است، بسیج سرنگون است ...

◀ در ۳۰ آذر ۸۸، محبوبه عباسقلی زاده و همچنین شیوا نظرآهاری که قصد

شرکت در مراسم تشییع جنازه آیت الله منتظری را داشتند توسط مامورین امنیتی دستگیر شدند. اتهام آنها و اینکه به کجا منتقل شده اند هنوز مشخص نیست.

◀ در ۱ دی ماه ۸۸، به گزارش آژانس ایران خبر ماموران حکومتی یک شبیه شب از فرصت نبودن مادر شهید سهراب اعرابی در خانه اش استفاده کرده و کلیه عکس های سهراب را که مادر این شهید بر سر در منزل نصب کرده بود باوحشیگری کنده و با خود می برند.

◀ در ۱ دی ماه ۸۸، به گزارش ادوار نیوز پس از عدم موفقیت نیروهای انتظامی در اجرای مجازات اعدام دو تن محکوم به اعدام در صبح روز سه شنبه با تاکید شورای تامین شهرستان سیرجان مراسم اعدام مجدد عصر امروز سه شنبه در این شهرستان برگزار شد. بر اثر اعتراض مردم، قوای سرکوب به روی مردم آتش گشودند. در نتیجه، ۳۰ تن کشته و زخمی شدند.

◀ در ۱ دیماه ۸۸، دانشجویان دانشگاه بهشتی در اعتراض به بازداشت شمار زیادی از هم دانشگاهیان خود در روز دانشجو و روزهای ۱۷ و ۱۸ آذر و ورود نیروهای سرکوبگر در این روزها به دانشگاه تحصن گسترده ای رو آغاز کرده اند. نیروهای حراست در ابتدا اقدام به محاصره ی آنها نمودند که با توجه به حمایت کلیه دانشجویان و پیوستن شمار زیادی از دانشجویان به دانشجویان متحصن موفق به شکستن حلقه ی محاصره شدند.

◀ در ۱ دی ماه ۸۸، به گزارش رویداد، در ادامه ی احضار دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد به کمیته ی انضباطی، در ۳۰ آذر ماه، بیش از ۵۰ دانشجو به کمیته ی انضباطی این دانشگاه فراخوانده شدند. در مجموع ۲۳۰ نفر از دانشجویان در این موج جدید، به کمیته ی انضباطی این دانشگاه فراخوانده شده اند.

◀ در ۲ دی ماه ۸۸، به گزارش پارلمان نیوز، اداره کل مطبوعات داخلی معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روزنامه آرمان و هفته نامه موج اندیشه به دلیل تخلف از قانون مطبوعات تذکر کتبی داد.

◀ در ۲ دی ماه ۸۸، به گزارش جرس، بعد از سرکوب شدید نیروهای امنیتی و جلوگیری از برگزاری مراسم ترحیم آیت الله منتظری در مسجد سید اصفهان، مردم اصفهان و نجف آباد ساعت ۱۴:۳۰ در حسینیه اعظم شهر نجف آباد گرد هم آمدند و مراسم سومین روز رحلت ملکوتی آن فقیه عالیقدر را برگزار کردند.

◀ در ۲ دی ماه ۸۸، هنگامی که شورای اداری استان مرکزی با حضور محمدرضا رحیمی در جریان بود نزدیک به ۵۰ نفر از همسران کارگران شرکت صنایع اراک مقابل استانداری مرکزی دست به تجمع زدند.

◀ در ۲ دی ماه ۸۸، به گزارش جرس، وواک، حسینیه ارشاد را از برگزاری مراسم بزرگداشت برای آیت الله العظمی منتظری منع کرده و تا بدانجا پیش رفته است که این حسینیه را حتی از برگزاری مراسم تاسوعا و عاشورا نیز منع کرده است.

از سوی دیگر فرمانداری های سراسر کشور از دادن مجوز ختم برای آیت الله العظمی منتظری منع شده اند. حتی در شهرهایی که اطلاعیه جهت برگزاری مراسم ختم برای این مرجع تقلید شیعه توزیع شده بود، برگزار کنندگان مراسم به اداره کل اطلاعات فراخوانده شده و مجبور به لغو مراسم گردیدند.

◀ در ۲ دی ۸۸، به گزارش خبرنگار جرس، با وجود تدارک نیروهای نظامی در شهر نجف آباد، زادگاه آیت الله العظمی منتظری، شب گذشته بر اثر شدت درگیری ها و گستردگی اعتراض ها، پلیس نتوانست اعتراض ها را به کنترل خود درآورد.

◀ در ۳ تیر ۸۸، به گزارش خبرنگاری هرا، بنا بر دعوت آیت الله بیات زنجانی قرار بود مراسم ختم و بزرگداشت آیت الله العظمی منتظری در مسجد سید(مسجد جامع) شهر زنجان برگزار شود که با دخالت نیروهای لباس شخصی و نیروی انتظامی به خشونت کشیده شد. رونف طاهری، از فعالین سابق دانشجویی شهر زنجان در پی ضرب و شتم شدید راهی بیمارستان شد.

◀ در ۳ دی ۸۸، به گزارش جرس، سرکوب خونین و بازداشت گروهی از سوگواران مراسم درگذشت جانگداز آیت الله العظمی حسینعلی منتظری، که قرار بود روز چهارشنبه به دعوت آیت الله سید جلال الدین طاهری در اصفهان برگزار شود و به خشونت کشیده شد.

◀ در ۳ دی ۸۸، خبر حملات وحشیانه و خشونت آمیز ماموران انتظامی و لباس شخصی ها با باتوم، گاز اشک آور، اسپری فلفل، زنجیر و سنگ به مردمی که برای سوگاری در اصفهان جمع شده بودند را، آسوشیتدپرس، تایمز، خبرگزاری فرانسه، BBC WORLD، UPI، کریستین ساینس مانیاتور، CNN، SKY NEWS، نیویورک تایمز، الجزیره، تلگراف، گاردین، آسیا نیوز پوشش داده و خاطر نشان کردند.

◀ در ۳ دی ۸۸، بنابه گزارش " فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران"، تعداد زیادی از مردم تهران از لحظاتی پیش در میدان توپخانه تهران تجمع کردند و با شعار مرگ بر خامنه ای اعتراضات خود را آغاز کردند.

◀ در ۳ دی ماه ۸۸، به گزارش خبرنگاری هرا، دی، مسعود لواسانی روزنامه نگار و وبلاگ نویس که در اوایل مهر ماه بازداشت شد، پس از به تعویق افتادن دادگاه در چند مرحله، به هشت سال و نیم زندان محکوم شد.

◀ در ۳ دی ماه ۸۸، شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اعلام کرد که حکم دادگاه بدوی عبدالله رمضان زاده یکی از متهمین حوادث اخیر صادر شده و براین اساس وی به ۶ سال حبس تعزیری محکوم شده است.

◀ در ۳ دی ماه ۸۸، با گذشت ۱۸ روز از بازداشت کامران آسا برادر کیانوش آسا دانشجوی جان باخته طی وقایع پس از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، وی همچنان در بازداشت به سر می برد و طی روزهای اخیر نیز با انتقال به شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب، قضای مقیسه اقدام به تایید قرار بازداشت موفق وی نموده است.

◀ در ۳ دی ماه ۸۸، نزدیک به ۱۷۰ نفر از کارگران معادن زغالسنگ داربید، خون و حتکن امروز دست به تجمع زدند. گفته می شود به دلیل پرداخت نشدن مطالبات دولتی این معادن و کاهش ۳۵۰۰ تنی تولید، مسئولان این معدن تصمیم به تعدیل نیروهای خود گرفته اند.

◀ در ۳ دی ماه ۸۸، به گزارش جرس، از روز سه شنبه کمتر از ۲۴ ساعت پس از خاک سپاری آیت الله العظمی منتظری، وبسایت معظم له توسط بخش سایبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مسدود شد.

◀ در ۴ دی ماه ۸۸، پس از برگزاری تجمعات با شکوه هفته های اخیر در دانشگاه بهشتی، موج احضار دانشجویان به کمیته انضباطی آغاز شده است. به گزارش خبرنگار امیرکبیر در روزهای اخیر بیش از ۱۰۰ نفر از دانشجویان این دانشگاه به کمیته انضباطی احضار شده اند.

◀ در ۴ دی ماه ۸۸، به گزارش ادوارنیوز، رشید اسماعیلی عضو شورای سیاستگذاری سازمان ادوار تحکیم شامگاه دیروز در اصفهان بازداشت شد.

◀ در ۴ دی ماه ۸۸، به گزارش جرس، مجلس قرانت قرآن در بیت آیت الله العظمی منتظری در قم برگزار شد. با حمله نیروهای امنیتی مواجه شد و نوه آیت الله العظمی منتظری بازداشت شد.

◀ در ۵ دی ماه ۸۸، سه دختر جوان که چادر سیاه بر سر داشته و شال سبز بر گردن انداخته بودند، در شهرک ژاندارمری پس از پیاده شدن از اتوبوس، توسط سرنشینان یک خودروی سوزوکی ربوده شدند.

◀ در ۵ دیماه ۸۸، به گزارش خبرنگار پایگاه خبری سلام از حسینیه جماران، سخنرانی سید محمد خاتمی، رئیس جمهور سابق ایران به دلیل حمله نیروهای لباس شخصی به بیت امام با باتوم و زنجیر نیمه کاره ماند. این گروه با شکستن شیشه های حسینیه جماران وارد حسینیه شدند.

◀ در ۵ دیماه ۸۸، بنابه گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، در تهران، به مناسبت تاسوعا قرار بود مسیر حرکت از میدان امام حسین به سمت میدان آزادی باشد. ساعت ۱۰:۱۰ از آزادی به سمت انقلاب حرکت کردیم سر هر چهارراهی حداکثر ۳ مامور نیروی انتظامی مستقر کرده بودند. در سرتاسر مسیر، قوای سرکوب آماده به جنبش کتنگان بودند. حمله این قوا به مردم در جنبش وحشیانه بوده است.

◀ در ۵ دی ماه ۸۸، چهارراه ولیعصر و خیابان ولیعصر صدای بوق ماشینها کر کننده بود. درگیری بین میدان انقلاب و تقاطع فلسطین، مردم از طالقانی در حرکته با سمت بلورد کشاورز هستند. شعارمردم در تقاطع فلسطین: این ماه ماه خون است، سید علی سرنگون است.

◀ در ۵ دی ماه ۸۸، در اصفهان، تبریز، مشهد، نجف آباد و قم مردم دست به تظاهرات زدند و مرگ بر رهبر شعار بوده است.

◀ در ۵ دی ماه ۸۸، بنابه گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، مادران عذارا امروز بر آرامگاه جانباختگان راه آزادی مردم ایران در بهشت زهرا حاضر شدند و با نثار گل نسبت به تک تک آنها ادای احترام کردند و با آنها عهد بستند تا رسیدن به خواسته هایشان که محاکمه آمرین و عاملین کشتارها است، از پای نخوانند نشست.

◀ در ۶ دی ۸۸، روز عاشورا، رژیم در شهرهای مختلف کشور، ۳۷ تن را کشته است. در ۹ دی نیز، در مشهد، ۲ تا ۵ دانشجو را جنایتکاران در خدمت رژیم کشته اند.

◀ در ۶ دی ماه ۸۸، به گزارش جرس، ماموران امنیتی ساعت سه بامداد، دکتر ابراهیم یزدی رادر منزل او بازداشت کرده و به مکان نامعلومی منتقل کرده اند.

◀ در ۶ دی ۸۸، محمد معین، فرزند مصطفی معین کاندایدای دوره پیش ریاست جمهوری و وزیر علوم سید محمد خاتمی در تظاهرات امروز پس از ضرب و جرح شدید بازداشت و به محل نا معلومی منتقل شده است.

◀ در ۶ دی ۸۸، به گزارش ادوارنیوز: بر اساس آخرین اخبار تعداد کشته های حادثه اعتراض به اعدام در ملا عام در سیرجان به ده تن رسیده است.

◀ در ۶ دیماه ۸۸، اطلاع حاصل شد که ۷ تن از مجروحانی که در اثر تیراندازی ماموران نیروی انتظامی شهرستان سیرجان در بیمارستان این شهر بستری شده بودند در اثر شدت جراحات فوت کرده اند. در عین حال نیروهای امنیتی اجساد کشته شدگان را با اخذ تعهد عدم شکایت به بستگانشان



مبارزات آیت الله منتظری

قبل از انقلاب بهمن ۱۳۵۷

منتظری مبارزات را از ابتدا بدون هیچ گونه تردید و با عزمی راسخ با نهضت خمینی همراه گردانید. ایشان با جدیت تمام مبارزه را شروع کرد و در همه صحنه های مبارزه، همراه با فرزندش محمد منتظری حضوری مستمر و موثر داشت و در این مسیر، تبعیدها، زندانها و شکنجه های بسیاری را تحمل نمود.

۱- پس از درگذشت آیت الله بروجردی (در سال ۱۳۴۰ شمسی) نظر بسیاری از بزرگان و اساتید حوزه علمیه متوجه حاج آقا خمینی گردید. پس از بازداشت در جریان قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ ساواک قصد داشت به منظور خاموش کردن قیام و نهضت، خمینی را اعدام نماید. لذا منتظری ابتدا در مسجد جامع نجف آباد به عنوان حمایت از آقای خمینی و اعتراض به بازداشت ایشان، یک هفته تحصن عمومی برقرار نمود و سپس در جریان مهاجرت مراجع و علمای شهرستانها به تهران در اعتراض به بازداشت معظم له، فعالانه شرکت کرد. ۲- بازداشت زنده یاد منتظری به همراه فرزندش محمد منتظری در عید نوروز سال ۱۳۴۵ که بالاخره اعتراض علما و روحانیون حوزه علمیه و مبارزین موجب شد تا ایشان پس از هفت ماه از زندان آزاد گردد. ۳- بازداشت در سال ۱۳۴۶، ۴- تبعید به مسجد سلیمان در سال ۱۳۴۶، ۵- بازداشت در سال ۱۳۴۷، ۶- تبعید دوباره به نجف آباد در سال ۱۳۴۹، ۷- تبعید به شهر کویری طبرس در سال ۱۳۵۲، ۸- تبعید به خلخال در سال ۱۳۵۳، ۹- سقز آخرین تبعیدگاه، ۱۰- بازداشت از تبعیدگاه سقز و انتقال به زندان اوین در سال ۱۳۵۴.

« زندانیان سیاسی دوران آخر رژیم پهلوی از تقوای سیاسی آیت الله العظمی منتظری سخن های فراوان دارند. در ازای هر حرف حقی که می زد، هیچ گونه پرده پوشی نمی کرد، اما در مورد آنچه مربوط به دیگران بود نهایت کوشش را در رازداری می نمود. هنگامی که تعدادی از حقوق بشریهای اروپا از کشور بلژیک برای بازدید زندانهای ایران به کشورمان آمده بودند و ساواک آنها را به زندان اوین برده بود، با تعداد انگشت شماری از زندانیان از جمله آیت الله منتظری دیدار کردند، مسئولین زندان مصرانه از آیت الله منتظری خواستند که در مقابل خارجی ها صحبت از شکنجه نکند تا آبروی ایران محفوظ بماند. وقتی هیأت بازدید کننده در مورد وجود شکنجه سوال می کردند، عموماً یا سکوت کردند و یا شکنجه را تکذیب نمودند، اما آیت الله منتظری در پاسخ چنین سوالی به زبان انگلیسی جایی که مترجم و بسیاری از سران ساواک هم حاضر بودند گفت: "من این سوال را نمی توانم پاسخ بگویم" و بدین وسیله و با این جمله کنایه آمیز از چهره ساواک و جنایت های آن پرده برداشت.»

« سرانجام با اوجگیری مبارزات ملت قهرمان ایران و عقب نشینی های پی در پی رژیم شاه، آیت الله منتظری پس از گذراندن حدود سه سال ونیم از دوران محکومیت به همراه مرحوم آیت الله طالقانی در هشتم آبان ۱۳۵۷ از زندان آزاد شدند و مورد استقبال چشمگیر مردم قرار گرفتند.»

آیت الله حسینعلی منتظری در گذشت

جمهوری اسلامی مطبوعات به این شکل درست نیست.

۸- تأکید بر آزادی احزاب:

پس از تصویب قانون احزاب، معظم له همواره بر اجرای آن به دور از ملاحظات سیاسی اصرار داشت و در پاسخ اینکه چگونه آزادی احزاب با ولایت فقیه منطبق می شود، اظهار می داشت: اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی مشخص است و احزاب مردمی و ملی در امور مربوط به مقدرات کشور و انقلاب حق اظهارنظر و دخالت دارند. ایشان در این رابطه یادآور می شد: اگر در جامعه ما احزاب سیاسی طبق قانون اساسی آزاد نباشند، قهراً گرایشهای سیاسی موجود در جامعه به شکل غیرقانونی و باند بازی و جریانهای مخفی درمی آیند و از طرفی روحانیت نیز از آثار منفی آن مصون نمی ماند و طبعاً انجم لازم در جامعه و قداست روحانیت در معرض خطر قرار می گیرد.

۶- تشکیل "هیأت عفو زندانیان" - تأکید بر عدم تصدیق پست های اجرایی توسط روحانیت: ۴- تشکیل "دادگاه عالی انقلاب در قم" ۵- اعزام نماینده به داخل زندانها جهت بررسی امور زندانیان.

۷- اقدام به دنبال نامه ها و شکایات مختلفی بود که از سوی زندانیان و خانواده های آنان به دست ایشان می رسید. ۶- تشکیل "هیأت عفو زندانیان" - اصرار بر رعایت حقوق مخالفان در حکومت دینی: ۷- کمک های مالی به خانواده زندانیان سیاسی با سلبه و اندیشی ها مختلف.

آقای منتظری از اوایل ۶۰ در عمل به جبران اشتباه خود پرداخت و به روش آقای خمینی و مسئولین بلند پایه حکومتی، آشکارا انتقاد می کرد. کناره گیری از مسئولیت های سیاسی در تاریخ ۱۳۶۸/۱/۱۶ به ویژه قائم مقام رهبری (که توسط مجلس خبرگان در سال ۱۳۶۴ به واسطه گرایش مردمی به ایشان پس از امام خمینی تثبیت و قانونی گردید)، در پی اظهارات انتقاد آمیز به روند و اداره امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به ویژه قضایی (اعدام های بی رویه و عدم رعایت حقوق زندانیان) بوقوع پیوست.

مانند هر دیدگاه متفاوت با نظر رسمی ترویج شده در سه دهه اخیر حاوی نکات بسیار زیادی برای جویندگان است. شرح دوران تحصیل او، استادان و گرایشهای علمی و سیاسی هر یک، از بروجردی و کاشانی تا اختلاف نظر این دو یا اختلاف بروجردی با خمینی و تلاش برای مرجعیت آیت الله خمینی، کمترین فایده ای که دارد، ارائه ی چهره ای از روحانیت به عنوان یک کل غیرمشکل و دارای گرایشهای فراوان است. بررسی افکار آقایان شریعتمداری، قمی، خوانساری، میلانی و دیگرانی که پیشتر گفتیم و با مرور اجمالی فهرست معلوم می شود یا در متن می آید، از دیگر نکات این مصاحبه است.

« چیزی که برای خواننده جالب خواهد بود این است که منتظری کسی است که برادران خامنه ای یعنی سید محمد و سیدعلی را برای شورای

اصلاح حوزه پیش از انقلاب برمیگزیند و از آن مهمتر کسی که سیدعلی خامنه ای را برای عضویت در شورای انقلاب به آیت الله خمینی پیشنهاد می کند، شیخ حسینعلی منتظری است. خامنه ای آن زمان در مشهد بود و با نیامدن به تهران و عضو نشدن در شورای انقلاب، شاید برای همیشه در مشهد می ماند و فو قش امام جمعه مشهد یا تولیت استان قدس یا چیزی مانند آن می شد ولی با عضویت در شورای انقلاب و به عهده گرفتن امامت جمعه تهران، شناخته شد تا بعدها یکی از نامزدان ریاست جمهوری شود. جالبتر اینکه کسی که باعث برگزیده شدن او به امامت جمعه تهران شد هم منتظری بود که پیشنهاد ادامه دادن امامت جمعه تهران را که از سوی رهبر به وی ارائه می شود رد می کند و با این استدلال که خامنه ای بیان و خطبه بهتری دارد، او را به امامت جمعه ی تهران می رساند، یک نماز هم پشت سر او می خواند و خود به قم می رود (او بعدها خامنه ای را برای هیئت امنای دانشگاه امام صادق نیز معرفی می کند). در حقیقت بالآمدن و شناخته شدن خامنه ای در ساختار سیاسی کشور جز با مدد منتظری ممکن نمی بود که رهبر فعلی بعدها این لطف استادش را به بهترین وجه جبران نمود!!»

«از همان ابتدای انقلاب حساسیت منتظری به برخورد مناسب با مهمانان خارجی و ایجاد نکردن تنش در روابط خارجی و انتقاد از بعضی مصادره های اموال معلوم می شود. جالب اینکه آیت الله خمینی از همان ابتدا بسیاری از حرفهای ایشان را نمی پذیرد و منتظری مسئول این برخورد رهبر را بیت و اطرافیان او می داند که سعی می کردند با دادن اخبار دلگرم کننده، فقط جنبه های مثبت را به او انتقال دهند. منتظری حتی در ایجاد و تأسیس حزب جمهوری اسلامی شرکت نمی کند و می گوید ما از ابتدا قرار بود پس از تشکیل انقلاب به قم برگردیم و به طلبگی خود پردازیم حتی امام ولی به هر دلیل ایشان ششمان شدند. تلاش برای گنجاندن اصل ولایت فقیه (علیرغم مخالفت طالقانی، آیت الله شریعتمداری و بنی صدر در مجلس خبرگان تهیه قانون اساسی و تلاش آقای بنی صدر برای آزادسازی گروگانهای آمریکایی در زمان کارتر به عنوان یک امتیاز که بتوان در برابر آن چیزی دریافت کرد) از دیگر کارهای اوست. او به همراه مشکیبی دستورالعمل یازده ماده ای برای قضات کشور تنظیم کرد که البته معلوم نیست به آن چقدر عمل شده باشد.»

«قائم مقامی منتظری آنچنان که از بیانیه ی خبرگان هم برمی آید، بیش و پیش از آنکه تصمیم خبرگان باشد تبعیت از جو جامعه است که از همان ابتدا منتظری را فرد دوم جمهوری اسلامی می دانستند و نقل قول بازرگان - بدون آوردن نام ایشان - را اینجا اینطور می خوانیم که « ولایت فقیه قبایی است که فقط برازنده آقای خمینی است و پس از ایشان با کمی اغماض به آقای منتظری می پردازد.» بسیاری بخش دوم این نقل قول را نشنیده اند. منتظری در نامه ای به مشکیبی با این کار مخالفت می کند.

پس از آن او به مدد مسئولیت جدید، بیشتر به امر به معروف و نهی از منکر پرداخت و با ایجاد مزاحمت برای

سیدصادق روحانی و حصر آیت الله قمی و برخورد با آقای شریعتمداری مخالفت می کند و با ری شهری درگیر می شود. از مجموع مطالب منتظری اینطور برمی آید که وی سیداحمد خمینی را خط دهنده به افکار رهبر می دانست که با دادن اطلاعات جهت دار، قضاوت های او را تعیین می کرد. منتظری حتی اعترافات قطب زاده و نظریه ی کودتای او و شریعتمداری را ساخته و پرداخته ی سیداحمد می داند. او با یک واسطه از احمد خمینی نقل می کند که گفته آقای منتظری باید از فلانی یاد بگیرد که وقتی نزد امام می آید دست ایشان را می بوسد و عقب عقب برمی گردد ولی ایشان می آید و با ایشان یکی و دو می کند! در همان زمان منتظری حرفی می زند که بعدها گریبانش را می گیرد. او می گوید مردم به ولایت امام رای دادند نه به ولایت احمد آقا که اعتراض سیداحمد خمینی را به دنبال دارد.»

او در تأسیس دانشگاهها و مؤسسات زیادی نقش داشت و از همان ابتدا به وضعیت زندانیان می پرداخت. هیئت عفو ی که برای رسیدگی به احکام اعدام دلبخواهی سردمداران حکومتی تشکیل شده بود، داد. به اعتراف محمّدی گیلانی شش هزار حکم اعدام را لغو کرد. جزئیات درداوری از نحوه ی برخورد با زندانیان به خصوص زنان، در متن نامه اش هست که منتظری می کوشید به رهبری انتقال دهد و تا حدود زیادی موفق هم می شد. طرح ابتدایی راهپیمایی روز قدس، هفته ی وحدت بین شیعه و سنی، هفته ولایت، روز جهانی مستضعفین و روز وحدت حوزه و دانشگاه هم از دیگر ابتکارات او بود که البته در رسانه های رسمی به آن اشاره نمی شود یا با تحریف ارائه می شود.

آزادی مطبوعات، انتخابات آزاد، آزادی احزاب، اهمیت شورا و برخورد مناسب با روشنفکرانی مانند شریعتی و سروش از دیگر مطالب گفتگو با منتظری است. او غیر مستقیم بی اعتنایی آیت الله خمینی به دیگر دولتها و ارائه ی چهره ای انقلابی و غیردوستانه از ایران را یکی از دلایل ایجاد جنگ می داند و تعریف می کند که چگونه رهبر با اعزام هیئتهای حسن نیت به کشورهای همسایه مخالفت کرده است. (هاشمی رفسنجانی بعدها در دوران ریاست جمهوری خود اعتراف کرد که اگر روشن بینی امروز را داشتیم شاید هیچگاه جنگی آغاز نمی شد!) او همچنان خود را از مدافعان پایان دهی به جنگ چه پس از فتح خرمشهر و چه پس از گرفتن قاو معرفی می کند و عقیده ای که بسیاری مانند بنی صدر دارند و می گویند که ایران فرصت صلح به همراه گرفتن غرامت حاضر و آماده را از دست داد، تأیید می کند.

حمله گسترده ای به حسینیه ،

دفتر و درون منزل آیت الله

منتظری بدستور شخص خامنه ای

۱- داستان برکناری وی و مسائلی که در دو کتاب رنجنامه از سیداحمد خمینی و خاطرات سیاسی از محمّدی ریشهری مطرح شده، پس از کناره گیری آیت الله منتظری بارها و بارها



مورد حملات فیزیکی و رسانه ای از سوی برخی نهادها، گروههای فشار و افراد رژیم قرار گرفت. از جمله: در آبان ماه ۱۳۷۶ پس از سخنرانی انتقادی معروف به ۱۳ رجب، مورد حملات شدید همه جانبه قرار گرفتند و بیش از ۵ سال در قلم در زندان خانگی به سر بردند و سرانجام در سحرگاه دهم بهمن ماه ۱۳۸۱ - با تأکید بر مواضع گذشته خویش - از حصر خانگی آزاد شدند.

بعد از سخنرانی ۱۳ رجب در رابطه با مرجعیت شیعه بدستور شخص خانم ای حمله گسترده ای به حسینیه، دفتر و درون منزل آیت الله منتظری شروع شد و آقای منتظری واقعه ای را اینگونه شرح می دهد:

« در این میان تلفنها را نیز قطع کردند، و همکاری افراد اطلاعات و سپاه با مهاجمین محسوس بود؛ و از قراری که معلوم شد با بی سیم از طرف سرتیپ فرمانده لشکر قم به آنان دستور داده می شد و اصرار داشتند - به بهانه محافظت از من - مرا از اطاق و کتابخانه و منزل خارج نمایند و با خود ببرند و منزل مرا در اختیار رجاله‌ها و غارتگران قرار دهند، و بر حسب آنچه نقل شد وزیر سابق اطلاعات - آقای فلاحیان - و یکی از فرماندهان عالی سپاه از دور مهاجمین را رهبری می کردند.

من به اشخاصی که اصرار داشتند اینجانب از منزل بیرون بروم با ناراحتی گفتم: دفعه اول نیست که به من و هستی من حمله شده، یک بار از طرف آقای خامنه‌ای آمدند و هستی مرا غارت کردند، این بار بیایند در همین اطاق و کتابخانه مرا بکشند تا خیانتان برای همیشه راحت شود، من با پای خود از منزل خارج نمی شوم؛ از این سخن من حاضرین بسیار جا خوردند و بالاخره پس از مشاجرات زیاد با افراد مختلف که آمده بودند من مبادرت به اقامه نماز ظهر کردم ولی باز از بیرون به افراد داخل اطاق فشار آورده بودند که نمازش را بشکنند؛ و یکی از دوستان صادق گفت: امن شنیدم که به آنان دستور داده شد طناب به گردنش بیندازید و او را بکشید و بیاورید. سپس در یک فرصتی که افراد داخل اطاق برای کسب تکلیف بیرون رفته بودند درب اطاق را بستیم و دیگر هرچه آنها اصرار کردند درب را باز نکردیم. به آنان دستور داده شده بود از درب اندرون وارد شوند و درحالی که با دیلم مشغول کندن درب اندرون بودند شنیده شد از ناحیه بعضی از آقایان مجاورین با تندی با آنان برخورد شده بود؛ و بالاخره بعد از چند ساعت از کنار اطاق من رفتند ولی مهاجمین مشغول شکستن درب و شیشه‌های خانه شدند، و در این میان بلندگوهای حسینیه را در اختیار گرفتند و مانند لشکر مهاجم پیروزمند با شعارهای انحرافی و اهانت آمیز در چندین روز متوالی هرچه خواستند گفتند و بخش کردند و شعارهای رکیک و اهانت آمیز نوشتند، و مرتباً اعلامیه‌های فحاشی و تهدید آمیز تنظیم و پخش می شد و ناراحتی همه همسایگان را فراهم نمودند؛ گویی اینان بویی از انسانیت و عقل به مشامشان نخورده بود، و به خیال خودشان با این غارتگرها و فحاشیها و هتاکها می خواستند از ولایت فقیه حمایت کنند، خوب شد ما نمرودیم و معنا و نمره ولایت فقیه آقایان را با چشم و گوش خود از نزدیک احساس کردیم. من در همان روز

آیت الله حسینعلی منتظری در گذشت

حمله و یورش در یک پیام خلاصه اعمال نتگین آنان را یادآور شدم.

آقای خامنه‌ای در یک سخنرانی ضمن تأیید اجمالی اهانت‌های انجام شده با کلمه [خان] از من یاد کرد و مرا به محاکمه تهدید نمود! و هنگامی که آیت الله زنجانی نامه‌ای متضمن اظهار ناراحتی از این اوضاع اسف انگیز به ایشان می نویسد، از قرار مسموع ایشان در جواب نوشته بودند: [من نمی توانم جلوی خشم مردم را بگیرم؛ یا للعجب که جمعی رجاله را که همه دیدند از شهرهای مختلف با صرف بودجه‌های سنگین جمع آوری کردند و به قم آوردند و آنان را وادار به این کارها کردند به عنوان مردم قلمداد می کنند؛ و در این میان برخی افراد عادی سپاه هم که ذاتا دارای ایمان و اخلاص می باشند اغفال می شوند.

و بالاخره از همان روز حمله و یورش مرا در خانه محصور کردند و دربها و پنجره‌ها را جوش دادند؛ و تا مدتی روی پشت بام هم مأمور گشت گذاشتند که در اثر رفت و آمد زیاد مزاحم زندگی و خواب و آسایش من و خانواده‌ام بودند؛ حالا بگذریم از چشم چرانیهای برخی از آنها.

بلندگوهای حسینیه تا چند روز در اختیار مهاجمین بود تا اینکه از قرار منقول جامعه مدرسین جلسه می گیرند و آقای مقتدایی دادستان کل کشور از ناحیه آنان به سراغ مهاجمین می آید، دادستان کل کشور - که باید جلوی مظالم و جنایات را بگیرد و با مهاجمین به خانه و کاشانه مردم برخورد قانونی کند - قانون شکنیها، خرابکاریها و غارتگریها را تأیید می کند. او خواسته‌های آنان را جویا می شود، و آنان حصر در خانه و ممنوع الملاقات بودن و تعطیل درس و شهریه و پس ندادن حسینیه و دفتر و تهیه زمینه محاکمه مرا مطالبه می کنند، و تقریباً همین خواسته‌ها در شورای عالی امنیت ملی مطرح و تصویب می شود. پس در حقیقت تصمیم گیرنده در مسائل کشور خرابکاران و مهاجمین بی باک و محرکین آنان هستند و شورای عالی امنیت ملی مجری تصمیمات آنان می باشد؛ وای به حال ملت مسلمان و مظلوم ایران و حوزه علمیه قم که تعیین سرنوشتشان به افراد خرابکار و مهاجم تفویض شده است.

آقای مقتدایی در حسینیه سخنان مفصلی دارد که نوار آن موجود است، از جمله به آنان می گوید: از این حرکتی که شما عزیزان انجام دادید که حمایت از حریم ولایت و رهبری بود جدا تقدیر و تشکر می شود و شما این را به حساب خدا بگذارید و اجر و پاداش این را از خدا بگیرید... خیلی ممنون امیدوارم که ان شاء الله موفق باشید، ماجور هستید و زحمت کشیدید. این خدمتی که کردید ان شاء الله مورد توجه امام زمان (ارواحنا فداه) قرار بگیرد و در آینده هم اگر خدای نکرده یک چنین قضایایی پیش بیاید انتظار هست که همین شماها باید بپایخیزید...

و از قرار مسموع از راه موثق همان موقع هم جلسه‌ای برای توجیه

ائمه جمعه مراکز استانها گرفته بودند و در آن جلسه آقای دری به عنوان وزیر اطلاعات گزارشی از چگونگی قضا و برخورد با اینجانب و اینکه فعلا در منزل محصور گشته و فقط خانواده‌اش مجاز به رفت و آمد هستند و... به آقایان ارائه می دهد که آقای جنتی در جمع آنان می گوید: این که فایده ندارد، بایستی آخر شب او را از منزل و از رختخواب بیرون می آوردید و می بردید جایی که حتی من هم اطلاع نداشته باشم که او کجاست. خوشا به سعادت ملت ایران که چنین روحانیون دلسوز و با عاطفه‌ای بر آنان حکومت می کنند و سرنوشت اسلام و انقلاب و کشور و ملت در اختیار اینان قرار گرفته است!؟

از طرف دیگر - بر حسب نقل مستند - در جلسه‌ای که در تهران در این زمینه تشکیل شده بوده یکی از قضات دادگاه ویژه پیشنهاد می کند که: با اجازه شما من به قم بروم و فورا فلانی را محاکمه و اعدام کنم و برگردم.

بارالها تو خود شاهد باش که ملت ایران برای تحصیل آزادی و پیاده شدن دستورات حیات بخش اسلام این همه فداکاری کردند و شهید دادند، ولی متأسفانه در برابر تذکرات اینجانب به عنوان دفاع از استقلال حوزه‌های علمیه و عظمت مرجعیت شیعه که بازچه رجاله‌ها و بچه‌های اغفال شده از ناحیه انحصارطلبان قرار گرفته بود مدیریت حوزه علمیه قم و رئیس قوه قضائیه کشور خرابکاران و غارتگران را علیه من بسیج کردند، و آقای یزدی در خطبه‌های نماز جمعه تهران هر چه توانست هتاک می نمود و دادستان کل کشور هم مهاجمین و غارتگران را تشویق می کند و آن قاضی هم اعدام فوری مرا پیشنهاد می کند؛ و متأسفانه همه این جنایات به نام حکومت اسلامی و حمایت از اسلام انجام می شود. با این حال ملت مظلوم ایران از آقایان انتظار پیاده کردن دستورات اسلام و دفاع از حقوق مردم را دارند. با اینکه از آقایان علما انتظار می رفت برائت خود را از این جنایت و امثال آن که به نام اسلام انجام می شود اعلام نمایند و از حوزه و روحانیت دفاع نمایند، برخی از آنان در حوزه علمیه قم و جاهای دیگر، هرچه خواستند گفتند و نوشتند و مرا خان و عالم نما و مناق و فاسق خطاب کردند، و برخی از نویسندگان بی ادب ادبیات خود را در آهانت و فحاشی و تهنیت‌های ناروا به کار بردند، ان شاء الله در یوم الحساب به همه امور رسیدگی می شود. خداوند ان شاء الله به تفضل خود حوزه علمیه قم را از شر عناصر خرابکار و هتاک، و ملت ایران را از شر نویسندگان بی ادب و بی باک محفوظ بدارد. من یک فرد بیشتر نیستم و عمر خود را گذرانده‌ام، ولی جای تأسف است که چگونه این همه جنایات به نام اسلام انجام می شود!؟»

ماجرا مهدی هاشمی مربوط به آمدن مک فارلین به ایران - یا ماجرای ایران - کنترا که به ماجرای مک فارلین نیز معروف است، به معامله تسلیحاتی ایران با ایالات متحده آمریکا از طریق اسرائیل، در اواسط دهه ۱۹۸۰ (دهه ۱۳۶۰) باز می گردد که پول فروش این تسلیحات بطور

پنهانی به ضد انقلابیون نیکارگونه موسوم به کنترا داده می شد. در ۳ نوامبر ۱۹۸۶ در مطبوعات خارج کشور و بخصوص نشریه انقلاب اسلامی نوشت که رابرت مک فارلین مشاور امنیت ملی ریگان در یک مأموریت مخفیانه به همراه یک کیک و یک انجیل امضا شده توسط ریگان، به تهران سفر کرده تا از طریق فروش سلاح به ایرانیان، از کمک آنان برای آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان استفاده کند. مهدی هاشمی فاش کننده این ماجرا بود و این بهانه ای شد که پرونده گذشته او را بکار بیاندازند و او را اعدام نمایند.

۲ - آنچه مربوط به اعدام های تابستان ۱۳۶۷ می شود و ایستادگی آقای منتظری در مقابل آقای خمینی و دفاع منتظری از زندانیان و حقوق آنها و ماجرای افشای ایران - کنترا و... یکی از دلایل مهم برکناری وی از جانشینی خمینی گردید و نامه های مکاتبه ای ایشان در آن زمان توسط واسطه ای در فروردین ۱۳۶۸ از طریق ترکیه، بدفتر آقای بنی صدر ارسال شد که آقای بنی صدر از طریق رسانه ها، نامه ها را در اختیار سازمان های حقوق بشری و افکار عمومی جهان قرار داد که در آزمون برای اولین بار این نامه ها منتشر شده اند.

تحول فکری آقای منتظری در این است که برای انسانها از سلیقه و عقیده های حقوق ذاتی انسانی و اجتماعی قائل بود این تحول در خرد و نفس از سلیم النفس بودن وی ناشی می شد و او که « استقلال را بر جانشینی آقای خمینی برگزید، وقتی به ارتباط پنهانی (افتتاح ایران گیت) با آمریکا و... و ادامه جنگ خانمان سوز، اعتراض کرد، که آزادی و حقوق انسان را برگزید. وقتی به کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ اعتراض کرد، که حقوق انسان را برگزید. وقتی نخستین مرجعی شد که رساله حقوق انسان را انتشار داد، که به دین بمثابة ابزار استبداد فراگیر نه گفت، بخصوص وقتی دم زدن از ولایت مطلقه فقیه را از مصادیق شرک خواند.»

۱ - در پاسخ به آقای محمد جعفری، او اصل استقلال و آزادی انسان را در تصمیم پذیرفته بود. او اصلی را پذیرفته بود که هر گاه همگان بپذیرند، انسان ها استقلال و آزادی خویش را باز می یابند و زندگی را عمل به حقوق ذاتی خود می کنند. به بیان دیگر منتظری در واپسین زندگی اش در پاسخ نامه آقای محمد جعفری نوشت: اینجانب نیز می گویم مقام تصمیم مقام اطاعت نیست، و تصمیم در هر مرحله یعنی مرحله انتخاب زمامدار و هم مرحله اجراء قوانین کار مردم است، که برای اجرای آنها کسی یا کسانی را انتخاب می کنند. ثانیاً - من نیز می گویم: وقتی کسی برای زمامداری یا قانونی با آنان یا نمایندگان آنان معین و مقرر شد فرد یا گروه منتخب حق ندارد جز تصمیم شورا را اجرا کند.»

در ادامه آن اظهار داشت که «به مردم هر کشوری حق می دهید که در قانون اساسی خود شرایط و خصوصیات را مطابق جهان بینی و مذهب و مکتب و با عرف و عادات و هنجارهای مورد قبولشان برای رهبری

که میخواهند زمام امور کشور و سرنوشت خود را به او بسپارند مقرر و معین نمایند. بدیهی است که مردم چنین حقی را دارند، و اگر در قانون اساسی مورد قبول مردم داشتن شرایط و ویژگی ها ئی برای رهبرشان معین شد، مردم ملزم هستند همان را انتخاب کنند و این الزام هر گز منافاتی با دموکراسی ندارد، زیرا منشاء چنین الزامی جز دموکراسی نمی باشد. و نخبه گرایی مردود ربطی به این ندارد که مردم هر اقلیم و کشوری در هر زمانی خواهان وجود ویژگی ها ئی در رهبر منتخب می باشند. آیا امروزه در جوامع مترقی و دارای دموکراسی برای مسئولیتها و پستهای اجتماعی و سیاسی شرایطی را در قانون مقرر نمی کنند؟ و در حقیقت این موضوع از قبیل دادن هر کاری به اهلش یعنی کارشناس مربوطه است که مقبول عقل و عقلا و شرع می باشد. البته مردم حق دارند قانون اساسی خود را در هر زمانی تغییر یا اصلاح و تکمیل نمایند.»

۲ - منتظری در رابطه جنجال هواداران رژیم کودتا که پاره کردن عکس خمینی را بهانه برای سرکوبگری قرار دادند، از قول امام علی انسان را معصوم نمی داند و می گوید: «همه سر و صدا کنید و مردم را به راهپیمایی وادار کنید، اینها کارهای موقت است و پیداست که از اسم ایشان می خواهید استفاده ابزاری کنید. وگرنه اگر شما دلسوز ایشان بودید اصلا نباید عکس العمل نشان می دادید، این کار اشتباه است. البته ما معصوم نیستیم و اشتباه داریم. اما باید مسئولین و بزرگان دقت کنند که از این گونه کارهای اشتباه انجام ندهند.

بالاخره آیت الله خمینی مرد بزرگی بودند اما معصوم نبودند و خود ایشان هم هیچگاه ادعای عصمت نکردند. بالاتر از ایشان حضرت علی (ع) با این که ما ایشان را معصوم می دانیم، به مردم می فرماید: "از مشورت عادلانه و گفتار حق آبا نکنید و حرفتان را بزنید چون مردم ذاتا فوق خطا نیستیم." بنابراین مردم باید آزاد باشند و حرفشان را بزنند. از اول انقلاب مرحوم امام می گفتند و ما هم به تبع ایشان می گفتیم: "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی." آزادی یعنی مردم آزاد باشند، نه این که دولت آزاد باشد هر کاری دلش خواست انجام دهد اما مردم نتوانند حرفشان را بزنند.»

۳ - زنده باد منتظری در رابطه مبارزه با جامعه بهائیان در خاطراتش می نویسد: خلاصه کاری کردیم که از نجف آباد تا اصفهان که کراهه ماشین یک تومان بود، یک بهائی التماس می کرد پنجاه تومان بدهد و او را نهب بردند، البته همه این نبردها هم از روی ایمان نبود، خیلی ها از دیگران و از جو عمومی جامعه می ترسیدند... بالاخره با این حرکت آنها در نجف آباد متلاشی شدند... بعد از این قضیه مردم خود را مخفی می کردند... بعد این قضیه در ما به اصفهان هم کشاندیم... در آنجا هم سروصدای گسترده ای علیه بهائیت بر پا شد... بالاخره پس از مدتی مشخص شد که مؤسس و محرک این جریان من هستم...»

ولی در اردیبهشت ۱۳۸۷ در پاسخ پرسش گری می نویسد « فرقه بهائیت چون دارای کتاب آسمانی همچون

اشتراک یک ساله: اروپا ۳۵ و خارج از اروپا ۳۸ اورو، اشتراک شش ماهه: اروپا ۱۸ و خارج از اروپا ۲۰ اورو لطفاً کنید و چک نفرستید، وجه اشتراک را نقد و با پست سفارشی یا به حساب بانک واریز فرمائید.

توجه! درج مقالات، الزاماً دیدگاه نشریه انقلاب اسلامی و هجرت نیست و تنها بعنوان بحث آزاد ملتی و صرفاً بیانگر نظرات نویسندگان و منابع مندرج بوده، این نشریه در قبال آنتها هیچگونه مسئولیت محتوایی و حقوقی را ندارد!

Nr. 740 4 - 17 Jan. 2010

آیت الله حسینعلی منتظری در گذشت

یهود، مسیحیان و زرتشتیان نیستند در قانون اساسی جزو اقلیتهای مذهبی شمرده نشده اند، ولی از آن جهت که اهل این کشور هستند حق آب و گل دارند، و از حقوق شهروندی برخوردار می باشند، همچنین باید از رفت اسلامی که مورد تاکید قرآن و اولیاء دین است بهره مند باشند.»

آیت الله منتظری در مقام یک مرجع عالم شیعه حقیقت را فدای قدرت و مقام نکرد و در قلمرو تجربه تحصیلی و حضوری خود از تحول در فکر نهاسید و نشان داد که در صورت پارسایی می توان با داشتن پای محکم در سنت، در عمل تسلیم قدرت نشد و راهی به سوی آزادی و استقلال ایران نشان داد.» و در دوران اوج زیر پا گذاشتن ارزشهای اخلاقی، او دین را که با ارزشهای حقوقی و ذاتی انسان مغایرت داشته باشد عین بی دینی می دانست. وجدان نظاره گر انسانهای بیدار علی رغم برخی اشتباهات وی، در مجموع آیت الله منتظری را انسان اخلاقی، آزادی خواه، استقلال طلب، مردمی و تاثیر گذار ارزیابی کرده است.

اساتید مرحوم آیت الله منتظری

- اساتید سطح مرحوم منتظری: ۱ - حاج شیخ محمدحسن عالم نجف آبادی در اصفهان: "شرح لمعه" و مقداری از "رسائل" و "مکاسب". ۲ - سید مهدی حجازی در اصفهان: قسمتی از "رسائل"، ۳ - حاج شیخ عبدالرزاق قائینی در قم: قسمت هایی از کتاب "مکاسب"، ۴ - حاج آقا رضا بهاء الدینی در قم: قسمتی از "رسائل" ۵ - حاج سید محمد محقق داماد در قم: سطح "کفایه" و قسمتی از سطح "مکاسب"
- اساتید فلسفه، منطق، هیأت، نهج البلاغه و اخلاق - ۱ حاج آقا خمینی: "منظومه حکمت"، کتاب "اسفار" از مبحث "نفس" تا آخر "معاد جسمانی" و نیز درس "اخلاق" ۲ - علامه طباطبائی: مباحث پیش نویس درسهای "اصول فلسفه و روش رئالیسم" ۳ - حاج آقا رحیم ارباب در اصفهان: قسمتی از "منظومه منطق" ۴ - حاج شیخ جواد فریدنی: قسمتی از "منظومه حکمت" ۵ - حاج میرزا علی آقا شیرازی در اصفهان: "نهج البلاغه" ۶ - مرحوم آیت الله مجدالعلماء در اصفهان: "هیأت" فارسی و "تشریح الافلاک" شیخ بهایی در علم هیأت قدیم ۷ - حاج سید احمد خوانساری در قم: کتاب "شوارق"
- اساتید خارج فقه و اصول ۱ - آیت الله بروجردی: قسمت اعظم "فقه و اصول" ۲ - خمینی: خارج

"اصول"، از اول جلد دوم کفایه تا آخر آن به مدت هفت سال که بسیاری از آنها تقریر شده ولی تاکنون به طبع نرسیده است. ۳ - سید صدرالدین صدر: خارج "اصول" و "فقه" ۴ - حاج سید محمد حجت: خارج "اصول" ۵ - حاج شیخ عباسعلی شاهرودی: خارج "اصول".

آثار پژوهشی و علمی منتشر شده و در دست انتشار آیت الله منتظری

- آثار پژوهشی و علمی منتشر شده و در دست انتشار آیت الله منتظری عبارتند از: ۱ - "نهایة الاصول" (تقریر درس اصول مرحوم آیت الله العظمی بروجردی). ۲ - "البدرازاهر فی صلاة الجمعة والمسافر" (تقریر درس فقه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی). ۳ - "دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة" در چهار جلد. (که به تصدی برخی شاگردان ایشان به فارسی ترجمه شده و ترجمه فارسی آن با نام "مبانی فقهی حکومت اسلامی" منتشر گردیده است؛ و دو جلد آن هم به اردو ترجمه و چاپ شده است؛ همچنین خلاصه این اثر تحت عنوان "نظام الحکم فی الاسلام" در یک جلد به چاپ رسیده است). ۴ - "کتاب الزکوة" در چهار جلد، ۵ - "کتاب الخمس و الانفال"، ۶ - "کتاب الحدود"، ۷ - "دراسات فی المکاسب المحرمة" در سه جلد، ۸ - "التعلیقة علی العروة الوثقی"، ۹ - مباحث فقهی "الصلوة"، "النصب"، "الاجارة" و "الوصیة" (تقریر درسهای مرحوم آیت الله العظمی بروجردی)، ۱۰ - مباحث "استصحاب"، "تعادل" و "تراجیح" (تقریر درسهای حاج آقا خمینی)، ۱۱ - "درسهایی از نهج البلاغه" در ده جلد که سه جلد آن تاکنون چاپ شده است. ۱۲ - "درسهایی از اصول کافی"، ۱۳ - "مناظره مسلمان و بهایی"، ۱۴ - "شرح خطبه حضرت فاطمه زهرا (س)" به زبان فارسی و اردو، ۱۵ - "از آغاز تا انجام" (در گفتگوی دو دانشجو) به زبان فارسی و عربی، ۱۶ - "رساله توضیح المسائل" به زبانهای فارسی و عربی و اردو، ۱۷ - "رساله استفتانات" در دو جلد، ۱۸ - "استفتانات مسائل ضمان"، ۱۹ - "رساله حقوق"، ۲۰ - "احکام پزشکی"، ۲۱ - "معارف و احکام نوجوان"، ۲۲ - "معارف و احکام بانوان"، ۲۳ - "احکام و مناسک حج"، ۲۴ - "موعود ادیان"، ۲۵ - "اسلام دین فطرت"، ۲۶ - کتاب "خاطرات" در دو جلد. ۲۷ - کتاب "دیدگاهها" در دو جلد. ۲۸ - مجموعه سخنرانی ها، پیام ها، مصاحبه ها، خطبه های نماز جمعه تهران و قم، که تاکنون ده جلد آن منتشر شده

همه جا کربلا و همه روز عاشورا است

تحویل داده و همچنین برگزاری هرگونه مراسم عزاداری را برای کشته شدگان این حوادث ممنوع اعلام کرده اند. بعلاوه گفته شده است که یک زن نیز در میان کشته شدگان این حادثه قرار دارد و اکثر کشته ها از ناحیه سر و سینه مورد اصابت گلوله قرار گرفته اند.

در ۶ دی ماه ۸۸، نیروهای امنیتی شهر مشهد به حمله به مراسم عزاداری مردم و دانشجویان در بیت آیت الله صناعی، دهها تن از مردم و دانشجویان مشهدی را در حاشیه این مراسم بازداشت کردند. حسین قابل برادرزاده احمد قابل، هادی سجادی و علی منصور از فعالان دانشجویی مشهد در اطراف بیت آیت الله صناعی بازداشت شده اند.

در ۶ دیماه ۸۸، به گزارش نوروز، در اصفهان، نیروهای امنیتی با باتوم، گاز اشک آور و گاز فلفل به مردم عزادار حمله کردند و مسجد اعظم حسین آباد، از پایگاه های اصلی نیروهای انقلابی اصفهان در دوران مبارزه با رژیم شاهنشاهی را بسته و از ورود عزاداران و هیات های مذهبی که به صورت سنتی در این مسجد گردهم می آمدند جلوگیری کردند.

در ۷ دی ۸۸، به گزارش جرس، طی درگیری هایی که در خیابان های حسین آباد اصفهان رخ داده است، ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر دستگیر شده و به زندان اصفهان منتقل شده اند و تا این لحظه شمار قابل توجهی از آنها همچنان در زندان هستند. در میان دستگیر شدگان، حبیب نوری، برادر عبدالله نوری و دو نفر از برادر زاده های ایشان وجود دارند.

در ۷ تیر ۸۸، به گزارش رویداد: خاتم مهین فهیمی از مادران صلح، امید منتظری و اردوان تراکمه از فعالین چپ گرا صبح امروز در منزل خاتم فهیمی دستگیر شده اند. خاتم مهین فهیمی و فرزندش امید منتظری که در جریان بازداشت اخیر دستگیر شده اند، همسر و فرزند زنده یاد حمید منتظری هستند. حمید منتظری در جریان قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ به دست حکومت جمهوری اسلامی اعدام شد.

در ۷ تیر ۸۸، به گزارش ادوارنیوز: ماموران امنیتی ضمن تفتیش منزل مصطفی ایزدی وی را بازداشت کرده اند. ایزدی که از نویسندگان روزنامه اعتماد ملی بود در خلال سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ صاحب امتیاز و مدیر مسئول هفته نامه «اوا» بود که به بهانه ترویج سیاسی آیت الله منتظری در بهار ۱۳۷۹ به محاق توقیف رفت. وی همچنین نویسنده کتاب زندگینامه آیت الله منتظری با عنوان «فقیه عالیقدر» است. در این کتاب، مصاحبه ای از خامنه ای درج است که، در آن، خامنه ای گفته است شاگرد آیت الله منتظری بوده است.

در ۷ تیر ۸۸، به گزارش ادوارنیوز: ماموران امنیتی در جریان بازداشت و تفتیش منزل عمادالدین باقی به همسر و فرزندان وی توهین کرده و اقدام به فحاشی کرده و وی را به مرگ تهدید کردند.

باقی به فرزندان خود گفته است: «در زندان محکم می ایستم». ماموران بازداشت او خطاب به خانواده باقی

جایگاه زور در جنبش مسالمت آمیز.

رژیم جمهوری اسلامی ایران با تمام تلاشی که در سانسور اخبار مربوط به جنبش اعتراضی مردم ایران میکند، به همت خیررسانی لحظه به لحظه مردم، با بهره گرفتن از تکنولوژی، در کار سانسور ناموفق بوده است. مشاهده صحنه هایی که در آنها، دلبری و خشونت زدانی ایرانیان بروز می کند و ملاحظه مبارزه بدوراز خشونت مردم، تحسین جهاتیان را بر انگیخته و در روز های اوج جنبش، اخبار مربوط به آن خبرهای

گفته اند: «آنقدر عمر نمی کند که ایستادگی کند»!

در ۷ تیر ۸۸، به گزارش خبرگزاری جبهه متحد دانشجویی، ماموران واواک با مراجعه به منزل مهندس حشمت اله طبرزدی وی را بازداشت نموده و به مکان نامعلومی برده اند.

در ۷ دی ۸۸، به گزارش فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران، زندانیان سیاسی زندان گوهردشت کرج شب گذشته با برپایی شام غریبان یاد شهدای راه آزادی مردم ایران که روز گذشته جان باختند را گرامی داشتند. آنها با نوحه خوانی علیه علی خامنه ای و دیکتاتوری او شعار سردادند.

در ۷ دی ۸۸، به گزارش پارلمان نیوز، مرضی حاجی مدیرعامل بنیاد باران و رسولی قائم مقام این مرکز دستگیر شدند.

در ۷ دی ۸۸، به گزارش جرس، علیرضا بهشتی شیرازی که مدیر سایت کلمه - سایت رسمی میرحسین موسوی - بود دستگیر شد.

در ۷ دی ۸۸، به گزارش مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، از شب گذشته تا کنون حداقل ۵۵۰ نفر از بازداشت شدگان به قرنطینه اصلی زندان اوین، قرنطینه بند ۷، بند ۲۴۰ و بند ۲۰۹ منتقل شده اند. تا زمان تنظیم این گزارش زندانیان جدید نیز در حال انتقال به زندان اوین می باشند که احتمال می رود آمار بازداشت شدگان تا پایان امروز به هزار نفر برسد.

در ۷ دی ۸۸، تعدادی از مامورین واواک در حراست و اطلاعات بیمارستانهایی که زخمی شدگان اعتراضات دیروز به آنجا منتقل می شدند مستقر شده بودند. مامورین واواک از چهره زخمی شدگان عکس می گرفتند. پس از آن فرمی به زخمی شدگان داده می شد که در آن سنوالبی به قرار زیر نوشته شده بود: کجا زخمی شده اید؟ علت زخمی شدن؟ آیا در اعتراضات شرکت داشتید؟ آدرس زخمی شدگان و شماره تلفن آنها را یادداشت می کردند و سنوالبی متعدد دیگری از آنها می شد.

در ۹ دی ماه ۸۸، پیکر علی موسوی خامنه ای، خواهر زاده میر حسین موسوی را که ربوده بودند، به خاک سپردند. ۲ ساعت پیش از خاک سپاری به خانواده او اطلاع دادند که می توانند به بهشت زهرا بروند و در مراسم خاک سپاری او شرکت کنند.

در ۱۰ دی ماه ۸۸، اردشیر کشاورز را اعدام کردند. در هجوم قوای سرکوب به مردم، بسیجی کشته می شود.

اول تمامی رسانه های معتبر جهان شده اند از این روست که همه ما باید به هوش باشیم که در برابر تحریکات عمل رژیم جمهوری اسلامی عکس العمل نشویم و خواسته و ناخواسته در دام آنها نیافتیم و به بهانه مبارزه با نظامی که از حق و حقوق بویی انسانی و اجتماعی نبرده به حقوق و کرامت کسی، ولو که حامی و دوستدار خامنه ای و ولایتش باشد، تجاوز نکنیم.

این درست و عین ثواب است که در مقابل زورگو و خشونت اعمال شده از سوی او تا رفع خشونت باید ایستاد و تسلیم او نشد. این حق مردم و آثانی که جان خود را به خطر می اندازند و شجاعانه در خیابانهای شهرهای مختلف ایران راهپیمایی میکنند است که صدای اعتراض خود را علیه دیکتاتوری به گوش سایر مردم ایران و جهاتیان برسانند. حق آنها است که به قصد دفاع از خود به مقابله با نیروهای سرکوب بپردازند اما این مقابله باید تا رفع خشونت از آنان باشد. اخیراً در بین فیلمهایی که، از حوادث خونین روز عاشورا، از سوی هموطنان شجاع و دلیر در روی سایت های مختلف از جمله یوتیوب قرار گرفته است، فیلمهایی هستند گزارشگر مقاومت دلیرانه مردم مبارز از زن و مرد، پیر و جوان، که تحسن برانگیز هستند. در بسیاری از موارد شاهد برخورد ملاطفت آمیز معترضین با مجروحین از نیروهای سرکوب و بخصوص معاندت شیر زنان و دلیر مردان از اسب رساندن به آنها، از سوی مردم خشمگین هستیم. اما در یکی از این فیلمها، نکته ای توجه مرا جلب کرد و حادثه ای به تصویر کشیده شده که شایسته و بایسته است بدان توجه شود و همگی در باره آن هشدار دهیم گرچه این گونه رفتارها و صحنه ها کم شمار هستند.

این فیلم، مصاف و درگیری نیروهای ویژه با مردم را گزارش می کند. مردم غالب میشوند و نیروهای ویژه در محاصره مردم قرار میگیرند و بعضاً مضروب و مجروح میشوند. این امر در مصاف و رویارویی که یکی از طرفین مصر به خشونت است امری اجتناب ناپذیر است. اما آنچه که عادی نیست و از آن باید پرهیز کرد عدم رعایت حق طرف مقابل است که به نوعی به "اسارت" در آمده است. در لحظه ای از این ویدئو صدای شخصی شنیده میشود که خشمگین از بیداد بیدانگران است. او، در حال عصبانیت، خطاب به یکی از افراد گارد های ویژه را که مجروح است و التماس میکند که تورا به خدا نزنید، شرط نژدن را «فحش دادن به خامنه ای و حرمزاده خواندن خامنه ای» از سوی این مامور سرکوب، قرار می دهد.

یاد آور میشوم که تحت فشار قرار دادن و به زور وادار کردن انسانی به بیان آنچه بدان معتقد نیست از مصادیق شکنجه و خلاف حقوق انسان و رعایت نکردن کرامت اوست. باز تکرار میکنم، گرچه چنین صحنه ها و لحظاتی، خوشبختانه قلیلند، اما باید هشیار بود و هشدار داد که با اوج گیری جنبش و فرا گیر شدن آن در دام خشونت طلبان نیفتیم و خشونت را با خشونت جواب ندهیم. با اخلاق بهینه و با مهر و رأفت است که نیروهای سرکوب نیز ملجا و محل امنی برای خود می یابند و از نظام فاسد ولایت فقیه فاصله می گیرند و در می یابند که معترضین خواهان تغییر، از جنسی دیگرند و خشونت را ذاتی انسان نمیدانند. به امید اینکه دیگر ناظر چنین رفتار هایی نباشیم.